

# جهاد تمدنی جوانان

صد حاشیه بر بیانیه گام دوم انقلاب

با ترسیم هندسه بیانیه و تحلیل آن

(برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری)



بیانیه گام دوم انقلاب

خطاب به ملت ایران

حجت الاسلام حسین بغدادی

و جمعی از طلاب حوزه علمیه قم

مدرسه علمیه معصومیه (س)

## پیشگفتار:

خدای رحمن و رحیم را شاکریم که توفیق را همراهمان نمود تا گامی کوچک در مسیر فهم بیانیه گام دوم انقلاب و خدمتی در مسیر نورانی انقلاب جاودان خمینی (ره) برداشته و این نوشته را در کمتر از دو هفته از انتشار بیانیه آماده نماییم.

هدف این نسخه فشرده آن است که اولاً، متن بیانیه را از زبان مقام معظم رهبری شرح و تفسیر نماید تا در دام تحلیل‌های تحمیلی و یا ابهام‌های متنی نیفتیم به همین دلیل تمرکز کار در این نسخه روی گزینش نقاط حساس و مهم و یا پر ابهام بیانیه بود تا به کمک دیگر بیانات مقام معظم رهبری آن ابهام‌ها رفع گردد و ثانیاً، این کار در کمترین زمان ممکن روانه بازار اندیشه گردد تا پایه تحلیل‌ها و اظهار نظرها بر بنیادی قویم استوار باشد و بیانیه به سمت و سوی اهداف بلند خویش قدم بردارد و بحمد الله این کار طی صد حاشیه و در کمتر از دو هفته از زمان انتشار بیانیه مقارن با سالروز میلاد بانوی دو گیتی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها و فرزند بی‌مثالش امام خمینی (ره) به پایان رسید.

قصد ما بر آن است تا این نسخه فشرده که هم اکنون تقدیم می‌گردد را تفصیل داده و به شکل یک «درسنامه» در آوریم. مایلم در اینجا اشاره‌ای گذرا به اهداف «درسنامه بیانیه» نمایم، اولاً؛ شرح و بسط بیشتر و دقیقتر محتوای بیانیه با گزینش متون کلیدی رهبر انقلاب تا پیش از صدور بیانیه، ثانیاً؛ تمرکز بر تحلیل بیانیه در بستر نظام فکری ایشان، ثالثاً؛ پرداختن تفصیلی به راهبردها و راهکارهای عملیاتی تحقق توصیه‌ها، و در نهایت متن بیانیه را چونان یک کتاب درسی تقدیم تشنگان مسیر پر افتخار انقلاب نماییم.

اکنون توضیحی مختصر در مورد اثر پیش رو:

از حیث قالب باید توجه نمود که تمرکز این اثر بر گزینش سخنان مهم مقام معظم رهبری پیش از صدور بیانیه است که آنها را به صورت صد حاشیه بر متن در آورده‌ایم ولی از هرگونه توضیح و تبیین حاشیه‌ها در این نسخه فشرده پرهیز نموده و آن را به اثر تفصیلی «درسنامه بیانیه» وا گذاشته‌ایم، لکن برای درک بهتر روح حاکم بر بیانیه در ابتدای آن به کمک یک نمودار و چند توضیح کوتاه به ترسیم «هندسه بیانیه» اقدام نمودیم و در انتها نیز طی ده گام به «تحلیل بیانیه» پرداخته‌ایم. از حیث محتوا نیز حاشیه‌های بیانیه به سه دسته تقسیم می‌شوند، یک دسته تکرار متن، یک دسته تشریح متن و دسته سوم نیز مکمل متن هستند. هدف آن بوده که با حاشیه‌های دسته اول نشان دهیم، اندیشه‌های بیانیه گام دوم به طور مکرر در گام اول نیز توسط مقام معظم رهبری بیان شده که در واقع ثبات انقلاب و اندیشه‌های مستمر و لا یتغیر ایشان می‌باشد، و با حاشیه‌های دسته دوم، اجمال‌های

محتوایی بیانیه از زبان خود ایشان شرح و تفصیل یابد و با حاشیه‌های دسته سوم از تحلیل‌های یک سویه که غالباً ریشه در نشناختن ابعاد دیگر تفکر ایشان دارد جلوگیری به عمل آید.

این اثر محصول تلاش جهاد گونه گروهی از طلاب حوزه علمیه قم می‌باشد که تشکر ویژه خود از این سروران ارجمند را قرین دعای خدمت مقبول می‌نمایم. جناب حجت الاسلام سجاد باقری که در تدوین بخشی از حواشی و جناب آقای سیدعلی میررحیمی که در یافتن محتواها و اجرای نمودار هندسه بیانیه و مخصوصاً جناب آقای محمدمصدق اکبری که در تدوین بخش عمده‌ای از اثر پیش رو تلاش فراوان نمودند. اما بیش از همه لازم است از تلاش مجدانه و پیگیری‌های مستمر جناب آقای دانیال ادیب که هم در تدوین ابتدایی و نهایی اثر و هم در تنظیم محتوایی آن نقش اصلی را داشتند یاد کنم که شکل گیری این اثر جز با همت ایشان میسر نمی‌گشت. در پایان عاجزانه از حضرت حق مسالت داریم این تلاش ناچیز را در مسیر حسن عاقبت و ثبات قدم در راه توحید ولایت قرار دهد و ما را از خادمان آستان پر نور و شکوه حضرت صدیقه طاهره، فاطمه مرضیه در دنیا و آخرت قرار دهد.

کلام را با سخنی از مقام معظم رهبری به پایان می‌رسانیم که حسن مطلعی بر آغاز این اثر است:

«هیچ کس - نه امام بزرگوار، نه بزرگان انقلاب- در دوران دفاع مقدس به رزمندگان نگفت که رمز «یا زهرا» برای حملاتتان بگنارید، یا سربند «یا زهرا» ببندید؛ اما هرچه که شما نگاه می‌کنید، در طول دوران دفاع مقدس، اسم مبارک حضرت زهرا از همه‌ی نام‌های مطهر و مبارک دیگر بیشتر مطرح است؛ ... این نشانه‌ی مبارکی است؛ نشانه‌ی توجه آن بانوی دو عالم، آن عنصر ملکوتی الهی بی‌ظنیر در عرصه‌ی وجود از لحاظ نورانیت - بعد از پدر بزرگوار و امیر المومنین (علیه السلام) است. بعضی از اهل معنا هم این توجه ویژه را می‌گفتند. ما شنیدیم از بعضی‌ها که می‌گفتند بانوی دو عالم توجه ویژه‌ای دارند. این خیلی باارزش است، این امیدبخش است؛ ما را در دل‌ها مان، در اعماق جانمان، به دست یافتن به اهداف نهائی، مطمئن و خاطر جمع می‌کند؛ گام‌ها محکم و استوار برداشته می‌شود.» (۱۳۹۰/۳/۳)

سلام الله علی الشهداء فی سبيله

سه شنبه ۱۳۹۷/۱۲/۰۷ مطابق ۲۰ جمادی الثانی ۱۴۴۰

سالروز ولادت دخت مکرّم نبی اکرم (ص) و امام خمینی (ره)

حسین بغدادی، قم مقدسه در جوار مضجع مطهر حضرت فاطمه معصومه (ص)

## فهرست

فصل اول: هندسه بیانیه	۵
فصل دوم: صد حاشیه بر بیانیه	۱۲
۱-۲ تحلیل انقلاب اسلامی ایران	۱۳
۲-۲ مرور گام اول انقلاب	۲۴
۳-۲ دستاوردهای گام اول انقلاب	۳۱
۴-۲ ظرفیت‌های تحقق گام دوم انقلاب	۴۳
۵-۲ توصیه‌های راهبردی گام دوم انقلاب	۴۸
فصل سوم: تحلیل بیانیه	۷۹

# هندسه‌ی بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی

## ظهور منجی بشریت

- تنها مسیر زمینه ساز ظهور منجی
- تنها مسیر محو نظام سلطه
- تنها مسیر جمع سالم دنیا و آخرت
- تنها مسیر تحقق آرمانهای انقلاب
- تنها کارخانه‌ی انسان ساز

## تمدن اسلامی (بین الملل)

## کشور اسلامی (جامعه)

## دولت اسلامی (مسئولان)

## نظام اسلامی (قانون)

## انقلاب اسلامی (قیام)

تحقق اهداف اسلام

زمان

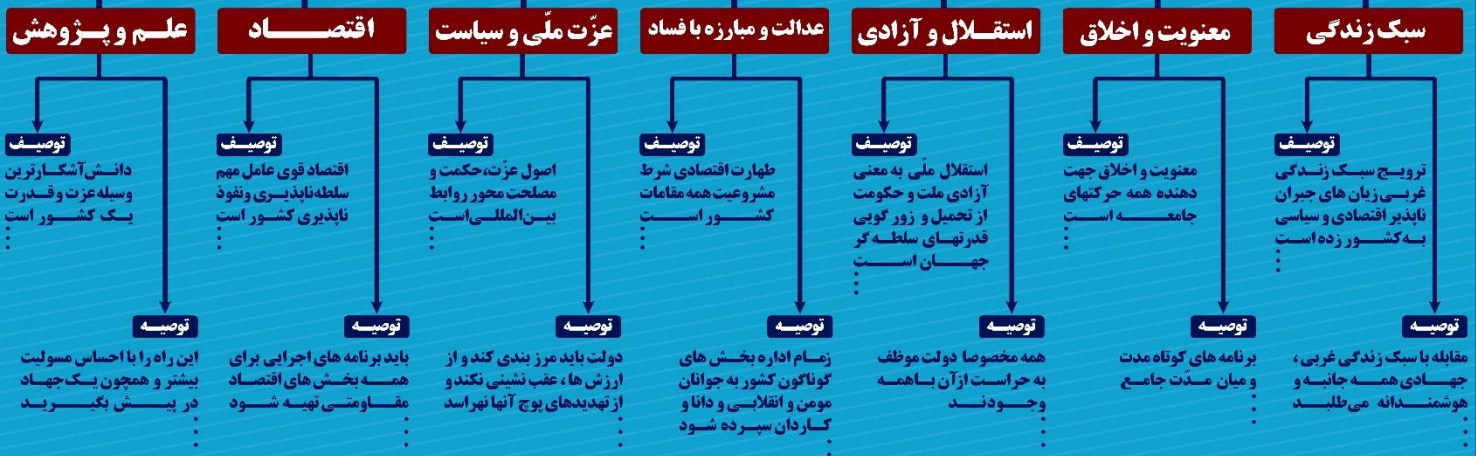
۴۰ سالگی انقلاب اسلامی



## راهبردهای عملی گام دوم انقلاب اسلامی

(بُعد سخت افزاری پیشرفت)

(بُعد نرم افزاری پیشرفت)



حوزه علمیه قم - مدرسه علمیه معصومیه (س)

هدف از ترسیم نمودار فوق ارائه نقشه و هندسه‌ای کلان از نظام فکر راهبردی مقام معظم رهبری و جایگاه بیانیه گام دوم انقلاب در آن است؛ که در ادامه و در طی پنج محور خطوط کلی هندسه بیانیه را به اجمال مرور می‌کنیم:

## (۱) محور نظام فکر راهبردی مقام معظم رهبری

در قسمت تحلیل بیانیه به طور مفصل به محور نظام فکری مقام معظم رهبری خواهیم پرداخت ولی اکنون به عنوان اشاره‌ای گذرا باید گفت که نظام فکری مقام معظم رهبری را در دو لایه بنیادین و راهبردی می‌توان بررسی نمود که محور لایه بنیادین «توحید» و محور لایه راهبردی «تمدن» می‌باشد. در نمودار فوق مساله تمدن و مراحل کلان تحقق آن در محور عمودی با عنوان تحقق اهداف اسلام آمده است که بر گرفته از بیانات مقام معظم رهبری است چراکه ایشان «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» را در پنج مرحله متوالی که از انقلاب اسلامی آغاز و تا تمدن اسلامی ادامه یابد تبیین نموده‌اند، البته باید توجه نمود که مرحله انقلاب اسلامی در تمام مراحل بعدی نیز حضور دارد که در نمودار سعی بر آن بود تا حضور موثر کمالات هر مرحله در مراحل بالاتر نشان داده شود.

*بیانات در دیدار اینارگران، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹: «ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماسست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.»*

باید توجه داشت که کلید فهم اهمیت مساله تمدن سازی در نظام فکری مقام معظم رهبری در این امر نهفته است که تنها مسیر تحقق آرمان‌ها و محور نظام سلطه و در نهایت زمینه سازی ظهور حضرت حجت ارواحنا فداه رسیدن به تمدن نوین اسلامی است. قسمت بالای نمودار سعی در ترسیم همین مطلب داشته‌ایم که تمدن نوین اسلامی تنها مسیر تحقق آرمان‌های اسلامی و زمینه سازی ظهور حضرت حجت ارواحنا فداه است.

*بیانات در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹: «اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد.»*

پایان بخش این مطلب را کلامی از حضرت امام خمینی (ره) در وصیت ایشان قرار می‌دهیم.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۳۷: « مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت-ارواحنافداه- است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و حیاتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.»

## ۲) جایگاه گام‌های راهبردی در نظام فکری ایشان

مساله اصلی در این قسمت تبیین نسبت مباحث مربوط به تمدن و نظام فکری مقام معظم رهبری با بیانیه گام دوم است که سعی شد این نسبت در دو محور نمودار خود را نشان دهد، توضیح آنکه تمرکز بیانیه گام دوم بر روند عملی تحقق اهداف است ولی مباحث مربوط به نظام تفکر تمدنی به عنوان نقشه‌ای کلان از لایه‌های اهداف می باشد. که حضرت آقا در سخنرانی زیر به تفکیک لایه اهداف از لایه راهبردهای تحقق آن اهداف تاکید کرده‌اند:

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در پایان اجلاس دور روزهی خبرگان، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲: « ما در سطوح مختلف تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نظام، وظیفه داریم به مسائل گوناگون کشور با نگاه کلان و جامع نگاه کنیم. ... آنچه ما تصور می‌کنیم که وظیفه‌ی ما است، وظیفه‌ی مجموعه‌ی مسئولان کشور است، وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلفه‌ی بزرگ را برای همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و همه‌ی اقدامها در نظر داشته باشد.»

مؤلفه‌ی اول عبارت است از آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ که این اهداف و آرمان‌ها مطلقاً نیابستی از نظر دور بشود؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد.... مؤلفه‌ی دوم عبارت است از راههایی که ما را به این اهداف می‌رساند؛ راهبردهای عمومی و کلی؛ این راهبردها را بایستی شناخت، تکیه‌ی بر اسلامیت، ملاحظه‌ی ظالم نبودن و مظلوم نشدن ... راهبرد تکیه‌ی به آراء مردم و آنچه که مردم‌سالاری را تشکیل می‌دهد و راهبردهایی از این قبیل؛ اینها سیاست‌های کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمان‌ها؛ ...

[مؤلفه‌ی سوم] واقعیات، واقعیات را هم باید دید؛ ... «

### (۳) تبیین گام اول و تحلیل دستاوردهای آن به عنوان ظرفیت‌های گام دوم

یکی از محورهای مهم بیانیه گام دوم، تبیین و تحلیل چهل سال آغازین انقلاب اسلامی است که در آن علاوه بر تحلیل راه طی شده، به دست آوردهای گران سنگ آن که ظرفیت امید بخش حرکت آینده می‌باشد نیز اشاره شده است. در نمودار جایگاه مباحث مربوط به این قسمت را در نظام کلان فکری مقام معظم رهبری در پنج ضلعی سمت چپ «گام اول» نشان داده‌ایم. گام اول طی شده را در یک جمله می‌توان چنین خلاصه کرد:

*بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰: «اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواخنا فداه و عجل الله فرجه)، به‌وسیله‌ی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.»*

سرفصل مهم دیگری که در امتداد این محور به آن پرداخته شده ابعاد ظرفیت‌هایی است که در مسیر پیش رو باید بر آن‌ها تمرکز نمود. البته لازم است به این نکته توجه شود که تمرکز این بیانیه بر ظرفیت‌های داخلی ایران است و مقام معظم رهبری در بیانات دیگری به ظرفیت‌های مهم جهان اسلام و منطقه و ... نیز پرداخته‌اند. در نمودار یک قسمت از پنج ضلعی‌های گام دوم و گام‌های بعدی پرداختن به همین ظرفیت‌هاست.

### (۴) محور راهبردی گام دوم بر «جهاد تمدنی جوانان»

در یک جمع بندی فشرده از جهت‌گیری راهبردی بیانیه می‌توان سمت و سوی تمام راهبردهای آن را منتهی به سه عنصر «جوان»، «جهاد» و «تمدن‌سازی» دانست، که بار مسئولیت مسیر پر فراز و نشیب تحقق تمدن زمینه ساز ظهور، بر دوش جوانانی با روحیه جهادی و انقلابی است. در نمودار ترسیم شده یک بخش از پنج ضلعی‌ها را به تبیین محور راهبردی هرگام اختصاص داده‌ایم که می‌توان محور راهبردی گام دوم را در ذیل پنج ضلعی «گام دوم» مشاهده نمود. شایان ذکر است که مقام معظم رهبری به این سه عنصر در بیانات خود اشاره نموده‌اند که به دو نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

*بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱: «جهاد مداوم که نیاز یک کشور و یک امت و یک تاریخ است. ...، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفت‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، این‌ها می‌شود کفران نعمت الهی؛ «ألم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا و احووا قومهم دار البوار»، این نباید بشود.»*



بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴: « بعد از رحلت امام، ما هر جا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هر جا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ ... مخاطب این سخن، نسل امروز و نسل فردا و نسل فرزندان بعد است.»

## ۵) هفت عرصه جهاد «توصیه های گام دوم»

مطالبات راهبردی چهل سال دوم انقلاب که غالباً بر محور جهاد جوانان است از متن بیانیه در ادامه می‌آید که می‌توان نام آن را «چکیده مطالبات بیانیه گام دوم» نامید، در نمودار بالا جایگاه این مطالبات ذیل راهبردهای عملی گام دوم انقلاب نشان داده شده است.

۱. «علم و پژوهش: ... ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را ... همچون یک

جهاد در پیش گیرید.»

۲. «معنویت و اخلاق: ... شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به

بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است... در دوره پیش رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه

مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود، ان شاءالله»

۳. «اقتصاد: ... یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند

توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.»

۴. «عدالت و مبارزه با فساد: ... این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر، و منبع‌الطبع با دستانی پاک

و دل‌هایی نورانی است... ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام‌اداری

بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود،

این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله»

۵. «استقلال و آزادی: ... منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران

با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. ... همه - مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با

همه‌ی وجودند»

۶. «عزت ملی، روابط خارجی مرزبندی با دشمن: ... که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به

دست نمی‌آمد... امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و

غیر قابل اعتماد میدانند.»

۷. «سبک زندگی: ... تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم‌امید در آن به شما جوان‌ها است.»

### « به سخنان مقتضای مسؤلیتم باید توجه شود! »

سعی ما در این نوشته برداشتن گام کوچکی در مسیر فهم فرمایشات ایشان است، چراکه خود فرموده‌اند:

بیانات در تاریخ، ۱۳۶۹/۲/۲۸: «مطالبات و درخواست‌هایی که من به مقتضای مسؤلیت خودم دارم باید شناخته شود. باید دید ما چه می‌خواهیم و دنبال چه هستیم و هدف چیست. این‌ها مهم است.»

بنابراین نباید با نگاهی سطحی از کنار سخنان ایشان گذشت و آن را تنها به عنوان توصیه‌هایی مشفقانه گمان نمود بلکه بیانات ایشان دستورات فرمانده نبرد جبهه حق علیه باطل در عصر حاضر است که ما به عنوان امت اسلام وظیفه‌ای تاریخی در قبال فهم صحیح آن و اقدام در مسیر تحقق آن داریم.

بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، ۱۳۸۵/۰۵/۲۳: «این حرف‌ها را باید بگوییم، تکرار نکنیم و این‌ها را فقط موعظه هم تلقی نکنید. ... سخنانی که ما به شما عرض کردیم، موعظه نیست و این‌طور نیست که یک منبر رفتیم و حالا یک تذکراتی دادیم؛ نه، این‌ها اجرائیاتی است که لازم‌الطاعه و لازم‌الاجراست. باید این کارها را بکنید. اگر نکردید، در قانون، مجازات معینی ندارد که بگویند چنانچه این کار انجام نگرفت، فلان وزیر یا فلان مسئول، باید مجازات بشود؛ اما مجازات سخت‌تری دارد و آن قضاوت‌هایی است که در باره‌ی شما خواهد شد. قضاوت ما امروز در مورد آن کسانی که دانشگاه‌های ما را از آغاز پیدایش با بافت غیر بومی و غیر ناظر به نگاه‌های ملت و کشور تشکیل دادند و ما را به اینجا رسانند و به این انحطاط ما را کشاندند، چیست؟ چنانچه کوتاهی کنیم، آن وقت یک چنین قضاوتی در مورد ما خواهد بود. مجازات ما از مجازاتی که حالا در قانون برای یک جرم مشخص تعریف کرده باشند، سخت‌تر است.»

ایشان در مورد وظیفه خطیر خویش چنین فرموده‌اند:

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲: «مدیریت انقلاب که همان رهبری باشد مسؤلیت حفظ جهتگیری انقلاب و نظام را دارد؛ باید مواظب باشد انقلاب و نظام از آرمان‌ها

**منحرف و منحرف نشود؛** فریب دشمن را نخورد و راه را عوضی نرود؛ اینها مسؤولیتهای رهبری است. مسؤولیت

اجرایی به عهده مسؤولان اجرایی است و هر کس مسؤولیتی دارد، باید طبق مسؤولیت خود عمل کند.»

در این میان بیانیه گام دوم یک اثر منسجم و دقیق از مقام معظم رهبری در راستای مسؤولیت خطیر ایشان است که با حساسیت زیاد و به قلم شریف خود ایشان نگاشته شده است.

روش این کار را هم خود مقام معظم رهبری تبیین نموده‌اند و ما این اثر را بر اساس همین روش تنظیم

نموده‌ایم:

**بیانات در دیلار دانشجویان سراسر کشور، ۷، ۷، ۱۳۸۷:** «می‌پرسند که به نظرات امام چگونه دست پیدا کنیم؟

به نظر من این کاملاً روشن است. نظرات امام یک مجموعه است و خوشبختانه بیانات امام ثبت شده است و همین

است که هست. مثل همه‌ی متونی که از آن‌ها می‌شود تفکر گوینده را استنباط کرد؛ منتها با شیوه‌ی درست استنباط.

شیوه‌ی درست استنباط این است که همه حرف‌ها را ببینند، آن‌ها را در کنار هم قرار بدهند؛ توی آن‌ها عام هست،

خاص هست؛ مطلق هست، مقید هست. حرف‌ها را باید با همدیگر سنجید، تطبیق کرد؛ مجموع این حرف‌ها، نظر

امام است. البته کار خیلی ساده‌ای نیست، اما روشن است که باید چه کار کنیم: یک کار اجتهادی است؛

**اجتهادی است که از عهده‌ی شما جوانها برمی‌آید.** بنشینند واقعاً گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف،

نظر امام را استنباط کنند، از گفته‌های امام به دست بیاورند.»

# صد حاشیه بر بیانیه

از سخنان مقام معظم رهبری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين  
و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين.

## [تحليل انقلاب اسلامی ایران]

از میان همه‌ی ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخواسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی<sup>۱</sup> را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده

---

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷: «آرمان‌ها چیست؟ رسیدن به جامعه‌ی عادل، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ی پیشرفته، جامعه‌ی مؤمن، جامعه‌ی متعبد، جامعه‌ی مرقه، جامعه‌ی متحد، جامعه‌ی قوی و مستحکم، جامعه‌ی مستقل؛ اینها آرمان است. ارزش دارد که انسان جانش را در راه این آرمانها، برای خاطر خدا [بدهد].»

۲. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی، ۱۳۸۳/۱۱/۱۹: «این نخستین انقلاب بزرگ تاریخ انقلاب‌های دنیا در طول قرنهای اخیر است که توانسته خط مستقیم و جهت‌گیری خود را در یک چنین مدت طولانی حفظ کند؛ این سابقه ندارد. در آخر قرن هجدهم، هنوز پانزده سال از انقلاب فرانسه نگذشته بود که این انقلاب علیه استبداد، تبدیل شد به یک استبداد بسیار سهمگین در خود کشور فرانسه! ملت فرانسه در انقلابی که به اسم «انقلاب کبیر فرانسه» معروف است، علیه استبداد به‌پاخواسته بود؛ مسأله‌ی آن‌ها مبارزه‌ی با سلطنت و رژیم پادشاهی بود؛ اما هنوز پانزده سال نگذشته بود که پادشاهی بسیار مستبدتر و فراگیرتر و قوی‌تر از پادشاهی سلسله‌ی بوربن‌ها- که آن‌ها را برانداخته بودند- روی کار آمد و یک امپراطوری با استبداد کامل تشکیل شد. .... این انقلابی است که در دنیا معروف به انقلاب کبیر فرانسه است. انقلاب شوروی خیلی زودتر از پانزده سال دچار انحراف شد. انقلابی که به کمک توده‌ی مردم روی کار آمده بود، تبدیل شد به دیکتاتوری استالینی که سالهای متمادی ادامه داشت و بعد به اعقاب استالین به ارث رسید. مردم در آن کشور بزرگ، حتی کمترین اختیاری برای بخش مهمی از زندگی شخصی خودشان نداشتند؛ چه برسد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و حکومتی و مملکتی. سرنوشت انقلاب‌های دنیا این است. خرده انقلاب‌هایی هم که در دنیا اتفاق افتاده‌اند، هر کدام سرنوشتی شبیه همین‌ها داشتند؛ که اگر کسی اهل تاریخ باشد و نگاه کند، شگفتی‌های فراوانی خواهد دید. اولین انقلابی که با مردم شروع کرد، با مردم ادامه داد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را تغییر نداد و اهداف خود را کم و زیاد نکرد، انقلاب اسلامی ایران است. این انقلاب به نام خدا و برای مردم و برای عدالت و استقلال و آزادی آغاز شد و این راه را همچنان ادامه داده است. هنوز شعارها همین‌هاست و به توفیق الهی این شعارها همچنان خواهد بود.»

و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی<sup>۳</sup> شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد<sup>۴</sup> و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی<sup>۵</sup>

بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت(ع)؛ ۱۳۹۰/۰۳/۰۳: «یکی از مهم‌ترین خصوصیات انقلاب اسلامی ایران این است که در طول این سی و دو سال، با وجود راهی دشوار و طولانی، با این‌همه مزاحمت، با این‌همه معارضه، با این‌همه سیاستهای برخورد گوناگون، با شکلهای مختلف و از جوانب مختلف، این خط مستقیم در انقلاب مطلقاً زاویه پیدا نکرده است؛ شعارها همان شعارهاست، اهداف همان اهداف است، خط همان خط است، راه همان راه است. به برکت بیان روشن و رسای امام بزرگوارمان - که خوشبختانه مضبوط هم هست - تفسیر و تأویلی وجود ندارد؛ راه، راه مستقیمی است؛ این راه را انقلاب پیش رفته است. و من به شما عرض بکنم؛ تا آن وقتی که من و شما قدمهامان را محکم برمی‌داریم، چشممان را از هدف برنمی‌داریم، با امید حرکت می‌کنیم، هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند راه ما را سد کند.»

بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت، ۱۳۸۴/۰۲/۱۷: «مسئولیت رهبری در نظام جمهوری اسلامی این است که مراقب باشد نگذارد جهتگیری نظام اسلامی تغییر کند و از سمت هدفها منحرف شود. دست‌اندرکاران اجرایی کشور در بخشهای مختلف، هر کدام وظایفی دارند. ما باید نگذاریم نظام جمهوری اسلامی از این جهتگیری زاویه پیدا کند و منحرف شود.»

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲: «مدیریت انقلاب که همان رهبری باشد مسئولیت حفظ جهتگیری انقلاب و نظام را دارد؛ باید مواظب باشد انقلاب و نظام از آرمانها منحرف و منصرف نشود؛ فریب دشمن را نخورد و راه را عوضی نرود؛ اینها مسؤولیتهای رهبری است. مسؤولیت اجرایی به عهده مسؤولان اجرایی است و هر کس مسؤولیتی دارد، باید طبق مسؤولیت خود عمل کند.»

۳. بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰/۰۴/۱۳: «حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چرا؟ چون انقلاب در ذات خود یک حرکت پیشرونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدفهای ترسیم شده. هدفها عوض نمیشوند. این اصول و ارزشهایی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزشهایی هستند که در اهداف، مشخص شده‌اند؛ هدف نهایی تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پایین تر از آن انسان سازی است. هدف پایین تر از آن ایجاد جامعه اسلامی است ... این‌ها اهداف هستند، این اهداف عوض نشدنی است.»

۴. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰: «باید این مطلب را عرض کنم که اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملتهای مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (أرواحنا فداه و عجل الله فرجه)، به‌وسیله‌ی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.»

بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹: «اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌آمر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد.»

۵. بیانات در دیدار اعضای بسیج و پرسنل اداره کل اطلاعات استان همدان، ۱۳۸۳/۰۴/۱۶: «معجزه‌های اجتماعی به‌طور مستقیم به اراده‌ی انسانها ارتباط پیدا می‌کند؛ «انّ الله لا یغیر ما بقوم حتّی یغیروا ما بأنفسهم». هرگاه ملتی تصمیم بگیرد، اراده کند، اقدام

**چهل سال دوم می‌شود.** آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ **دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد**

کند، حرکت متناسب با هدفش را انجام دهد، آن وقت معجزه‌ی اجتماعی اتفاق می‌افتد. البته در تحولات اجتماعی حق بودن کافی نیست. خیلی اوقات امواج باطل می‌آید حق را لگدکوب می‌کند و عبور می‌کند. حق بودن به اضافه‌ی اقدام، عمل، اراده و به اضافه‌ی ایستادگی و پایداری است که آن معجزه را تحقق می‌بخشد. این پایداری، این ایستادگی، این تصمیم و این فداکاری در صحنه‌ی جامعه و کشور ما به برکت همین اخلاصها، بینشها و بصیرتها که امروز در جمع جوانان مؤمن و بسیجی کشور ما متبلور است اتفاق افتاد، که یک نمونه‌ی بارز آن را اینجا مشاهده می‌کنیم. اما آنچه بزرگتر از آن حادثه‌ی بزرگ و باورنکردنی بود، این است که نظام جمهوری اسلامی با وجود همه‌ی امواج متلاطم و خصمانه‌ی در پیرامون خود، هم ماند و هم رشد کرد.»

**بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲:** « شما جوان‌ها خودتان را در قبال مسئله‌ی پیشرفت کشور مسئول بدانید. برنامه‌ی پیشرفت، برنامه‌ی مشخصی است، برنامه‌ی فکرشده و سنجیده‌ای است. ملاحظه کردید، الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی که تا پنجاه سال می‌تواند قالب حرکت این کشور در جهات مختلف باشد، تبیین شده و تعیین شده و آماده شده است، در اختیار صاحب نظران است که آن را ورز بدهند و تکمیل کنند و کامل کنند. شما خودتان را جزئی از فعالان این نقشه‌ی وسیع و همه‌جانبه بدانید و برای آن خودتان را آماده کنید. این آمادگی، یک روز با درس خواندن است، یک روز با تحقیق کردن است، یک روز با ساختن است، یک روز با کار و ابتکار است، یک روز با اتخاذ مواضع درست سیاسی است، یک روز با حضور در میدان سیاست است؛ هر روزی، هر دوره‌ای از زندگی شما یکی از این اقتضائات را دارد. خودتان را در همه‌ی احوال موظف بدانید که در قبال پیشرفت کشور، خودتان را سهیم و مسئول بدانید.»

۶. **بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۷/۱۰/۱۹:** « خب، چهل سال [از انقلاب] گذشته است. چهل سال زمان زیادی نیست؛ برای عمر تمدن‌ها چهل سالگی آغاز بلوغ و حرکت فکری است. چهل سالگی دوران پیری نیست [بلکه] دوران شکوفایی است و این شکوفایی ان شاءالله وجود خواهد داشت.»

**بیانات در دیدار دیدار ایثارگران، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹:** « در تاریخ عالم، عمر ملت‌ها یک ساعت است. به نظر ما طولانی می‌آید، اما وقتی که به گذر جریان تاریخ نگاه می‌کنید، هرکدام از این ملت‌ها ساعتی هستند و می‌آیند و می‌روند. این ساعت را طولانی کردن، خوب کردن و با افتخار به وجود آوردن، به دست آحاد ملت‌هاست. قرآن، این را به ما درس داده است. تجربه‌ی آن هم سخت است؛ لذا ملت‌ها غالباً تجربه نمی‌کنند و توسریش را می‌خورند و سختی‌هایش را هم تحمل می‌کنند. اما ملت ما این تجربه را انجام داد. این را قدر بدانید؛ خیلی عظیم است.»

۷. **بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۷۴/۰۳/۱۴:** « جوهر اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، رابطه‌ی دین و دنیا است؛ یعنی همان چیزی که از آن به مسأله‌ی دین و سیاست و دین و زندگی هم تعبیر می‌کنند.»

**بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۳/۰۱/۰۲:** « حیات طیبه یعنی زندگی گوارا. یک ملت آن وقتی زندگی گوارا دارد که احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت او به پیش می‌رود و به سمت هدف‌های او حرکت می‌کند؛ این زندگی گواراست؛ فقط «دنیا» نیست، فقط هم «آخرت» نیست. آن ملت‌هایی که به زندگی دنیا چسبیده‌اند و موفق شده‌اند که

## و آغاز عصر جدیدی<sup>۸</sup> را اعلام نمود.

زندگی دنیوی را به مراتب پیشرفته‌یی از کمال برسانند، لزوماً زندگی گوارا ندارند. زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت، معنویت و اخلاق همراه شود. و این را فقط ادیان الهی میتوانند برای بشر تأمین کنند. از طرف دیگر، حیات طیبه و زندگی گوارا فقط آخرت هم نیست. اسلام نمیگوید من میخواهم زندگی اخروی بعد از مرگ مردم را آباد کنم، دنیای آنها هرچور شد، شد؛ این منطق اسلام نیست. منطق اسلام این است که زندگی جامعه‌ی اسلامی باید از مواهب الهی سرشار شود و بشر با بهره‌مندیهای مادی در زندگی خود، راه معنویت را گم نکند و درست حرکت کند. اگر آن زندگی به وجود آمد، آن وقت در جامعه ظلم و بی عدالتی و تبعیض ریشه‌کن میشود؛ تجاوز به حقوق انسانها ریشه‌کن میشود؛ جنگها و برادرکشیها از بین میرود؛ ناامنیها در زندگی بشر به صفر میرسد. انبیاء برای این کار و مجاهدت کردند؛ بزرگان برگزیده‌ی خداوند در تاریخ بشر، برای این جان دادند.»

بیانات در دیدار مردم استان ایلام، ۲۳/۰۲/۱۳۹۳: «جامعه‌ی اسلامی جامعه‌ای است که اگر از لحاظ جنبه‌های مادی به اسلام عمل بکند، بدون تردید در قله قرار خواهد گرفت؛ از لحاظ علم، از لحاظ صنعت لازم، از لحاظ معیشت، از لحاظ روابط اجتماعی، از لحاظ عزت و شرف دنیائی و عمومی و ملی و بین‌المللی در اوج قرار می‌گیرد؛ اما این همه‌ی کارها نیست، همه‌ی هدفها نیست. اگر زندگی ما در دنیا زندگی خوبی باشد، اما لحظه‌ی مرگ ما لحظه‌ی بدبختی و روسیاهی ما باشد، چه فایده دارد؟»

۸. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۰/۰۳/۱۳۶۹: «همه‌ی چشمهای تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسانها و سر برآوردن ارزشهای معنوی و الهی.»

بیانات در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۶۹: «وقتی عصر جدیدی در تاریخ بشر آغاز می‌شود، هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از تأثیرات آن عصر برکنار بدارد. دوران گذشته‌ی تاریخ بشر هم همین‌طور بوده است. هیچ‌کس ممکن نیست خودش را از تأثیرات دورانی که با پایه‌های محکم الهی و انسانی در جهان شروع شده، دور بدارد. ما می‌خواهیم این را اعلام بکنیم. اگرچه بسیاری از ملتها و دولت‌های سطح زمین، تحت تأثیر این عصر جدید قرار گرفتند، حتی نقشه‌ی سیاسی دنیا عوض شده است، اما توقع نداریم که تحلیل‌گران و قضاوت‌کنندگان قدرتمند و سیاسی عالم اقرار کنند که این عصر آغاز شده است. آن‌ها اعتراف نمی‌کنند که دوران جدیدی آغاز شده است؛ اما تحت تأثیر این دوران قرار گرفته‌اند و آن را احساس می‌کنند. این عصر و این دوران جدید را باید «دوران امام خمینی» نامید.»

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»، ۱۰/۱۱/۱۳۹۰: «بدانید امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت، بر سر یک پیچ بزرگ تاریخی است. دوران جدیدی در همه‌ی عالم دارد آغاز می‌شود. نشانه‌ی بزرگ و واضح این دوران عبارت است از توجه به خدای متعال و استمداد از قدرت لایزال الهی و تکیه‌ی به وحی. بشریت از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی عبور کرده است. امروز نه مارکسیسم جاذبه دارد، نه لیبرال‌دموکراسی غرب جاذبه دارد- می‌بینید در مهد لیبرال‌دموکراسی غرب، در آمریکا، در اروپا چه خبر است؛ اعتراف می‌کنند به شکست- نه ناسیونالیست‌های سکولار جاذبه‌ای دارند. امروز در میان امت اسلامی، بیشترین جاذبه متعلق است به اسلام، به قرآن، به مکتب وحی؛ که خدای متعال وعده داده است که مکتب الهی و وحی الهی و اسلام عزیز می‌تواند بشر را سعادت‌مند کند. این یک پدیده‌ی بسیار مبارک و بسیار مهم و پرمعنائی است.»



طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم‌واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راست مدرنیته؛<sup>۱</sup> از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت<sup>۱</sup> تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن<sup>۲</sup>!

۹. بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، ۱۴/۰۳/۱۳۸۴: «راهی که ملت ایران در پیش دارد، راه آباد کردن دنیاست. علم را، دانایی را، اقتصاد را، سیاست را، زندگی فردی را، روابط اجتماعی را، برنامه‌های کلان جامعه را- که اجزاء گوناگون دنیاست- باید آباد کرد، پیش برد، رونق داد و آن‌ها را به شکوفایی رساند؛ و همه‌ی این‌ها در سایه‌ی دین تحقق پیدا خواهد کرد. امام این را به ما آموخت؛ و همین عامل دشمنی آشتی‌ناپذیر و خصومت کور ابرقدرت‌ها با نظام جمهوری اسلامی بود، و امروز هم هست. امروز هم یکی از آماج‌های تهاجم دشمنان ما در سطح تبلیغات جهانی، همین یگانگی دین و دنیاست؛ می‌گویند چرا دین را پیشوا و مهندس دنیا می‌دانید.»

۱۰. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۰/۰۸/۱۳۷۴: « دنیا تا چند سال قبل، دوقطبی بود؛ یک طرف نظام غربی به سرپرستی و رهبری امریکا بود، یک طرف هم نظام شرقی به سرپرستی شوروی. این دو نظام، در صد مسئله هم با یکدیگر توافق داشتند. یکی از آن مسائل حفظ نظام سلطه بود. یعنی هر دو این را پذیرفته بودند که دنیا به دو منطقه تقسیم می‌شود. باهم توافق کرده بودند که هر دو طرف به یکدیگر کاری نداشته باشند و هرکدام نظام سلطه را در مجموعه‌ی خودش مستقر کند. امروز هم که یکی از این دو قطب فروپاشید و از بین رفت، آن دیگری از فروپاشی رقیب عبرت نمی‌گیرد؛ بلکه در فکر دست‌اندازی و کسب میراث بازمانده از اوست.»

۱۱. بیانات در دیدار با جمع اساتید، فضلا و طلبان حوزه علمیه قم، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹: « سرنوشت حتمی عبارت است از این‌که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این‌که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند.»

۱۲. بیانات در مراسم بیعت روحانیون، مسئولان و مردم استان خوزستان، ۲۱/۰۴/۱۳۶۸: «در طول هشت سال جنگ، بارها مشاهده شد که نیروی دشمن با نیروی ما نابرابر است. دشمن فقط عراق نبود؛ عراق به‌مثابه‌ی دروازه‌ای بود که استکبار جهانی و شرق و غرب از آن به ما تهاجم می‌کردند. همه فهمیدند و دنیا هم فهمید که سلاح‌های فرانسوی و روسی و انگلیسی و غیره در کنار یکدیگر علیه ما تهاجم می‌کردند و از بسیاری کشورها مزدور می‌آوردند و دلارهای نفتی را به نفع دشمن ما به کار می‌انداختند. بنابراین، یک کشور و دولت در مقابل ما نبود؛ بلکه استکبار و اذتاب او علیه ما وارد نبرد شده بودند.»

هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک تر<sup>۱۳</sup> شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار<sup>۱۴</sup> می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

---

بیانات در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۵/۱۱/۱۳۸۹: «هدف‌هایی که آنها دنبال می‌کردند، در درجه‌ی اول، سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول، براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه‌ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عده‌ای در داخل، به خاطر حب به نفس، حب به مقام- از این قبیل امراض خطرناک نفسانی- اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوم. هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی می‌ماند، از عناصر ضعیف‌النفسی که می‌توان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد- عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد- در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینهاست.»

۱۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۰۹/۱۱/۱۳۶۸: «بدانید که اگر انقلاب اسلامی پیروز نشده بود و ایران جمهوری اسلامی نمی‌شد، نظامهای کمونیستی به این زودی متلاشی نمی‌شدند. البته درست است که یک روز مارکسیسم و نظامهای مارکسیستی شکست می‌خورند، اما آن روز حالا نبود. آن روز، ممکن بود سی یا چهل و یا شصت سال دیگر باشد. تحول عظیمی که در دنیا به وجود آمد، ناشی از اسلام و انقلاب اسلامی و رو آمدن معنویت بود. این، ادعا نیست؛ این تحلیل است و من به آن اعتقاد دارم. تمام مسائلی که در دنیای اروپای شرقی و کلاً بلوک شرق به وجود آمد، ریشه‌اش به معجزه‌ی انقلاب اسلامی برمی‌گردد.»

۱۴. بیانات در دیدار با دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۲/۰۸/۱۳۹۷: «بسیاری از سیاسیون معتبر دنیا و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم این است که یک دولتی بتواند خواسته‌ی خود و نظر خود و عقیده‌ی خود را به اطراف بقبولاند و آنها را اقناع کند به نظر خود؛ این قدرت در آمریکا امروز رو به ضعف کامل و رو به فرسودگی کامل است؛ در زمینه‌های مختلف. ... نه فقط اقتدار معنوی و قدرت نرم خود آمریکا رو به افول است بلکه حتی لیبرال‌دموکراسی را هم که پایه‌ی اساسی تمدن غرب است ... البته لیبرال‌دموکراسی -بنده قبلها هم مکرر این را گفته‌ام- خود ملتهای غربی را که پایه و اساس حکومتشان و نظام اجتماعی‌شان بر لیبرال‌دموکراسی است، بدبخت کرده. لیبرال‌دموکراسی‌ای که امروز در غرب رایج است، خود آنها را بیچاره کرده؛ شکافهای اجتماعی، نبود عدالت اجتماعی، نابود شدن خانواده، فساد اخلاقی فراگیر و همه‌گیر، فردگرایی‌های افراطی و شدید؛ خود آنها بیچاره شده‌اند ... خوب حالا این در مورد قدرت نرم آمریکا است. بنده عرض می‌کنم قدرت سخت آمریکا هم بشدت ضربه دیده. قدرت سخت، یعنی قدرت نظامی‌گری، قدرت اقتصاد؛ اینها قدرت سخت است. بله، ابزار نظامی دارند، اما نیروی انسانی نظامی آمریکا بشدت افسرده، سردرگم، سرگشته، مردد [است]. برای همین است که در بسیاری از کشورهایی که آنها حضور دارند، برای اینکه بتوانند مقاصد خودشان را پیش ببرند، از سازمان‌های جنایت‌کاری مثل بلک‌واتر و از این قبیل استفاده می‌کنند؛ یعنی سرباز آمریکایی قادر به اجرای

برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی مصرف و بی فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

---

آن نقشه‌ی آمریکایی نیست؛ نیروی انسانی‌شان این است. اقتصادشان هم همین‌جور. آمریکا امروز پانزده تریلیون دلار بدهکار است؛ رقم، رقمی افسانه‌ای است؛ پانزده تریلیون دلار بدهکاری آمریکا است! قریب به هشتصد میلیارد دلار کسر بودجه‌ی آمریکا است در همین سال جاری؛ یعنی اینها در واقع عقب‌ماندگی‌های اقتصادی است. حالا با زرق و برق، با شعار، با حرفهای گوناگون، با ظاهرسازی‌ها روی اینها را می‌پوشانند اما واقعیت‌های آمریکا این است؛ این قدرت سخت آمریکا است. بنابراین آمریکا رو به افول است؛ این را همه بدانند. آن کسانی هم که به پشتیبانی آمریکا حاضرند مسئله‌ی فلسطین را در این منطقه بکلی فراموش کنند، بدانند آمریکا رو به افول است. آن که زنده است، ملت‌های منطقه‌اند؛ آن چیزی که زنده است، حقایقی است که در این منطقه وجود دارد. آمریکا در منطقه‌ی خودش هم رو به افول است، چه برسد در اینجا!»

کتاب آمریکا، نشر موسسه پژوهشی انقلاب اسلامی، ص ۱۷۰ - ۱۷۱، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۳/۱۰/۲۷: «اگر امروز بگویند حکومت آمریکا که در همه جای دنیا قلدر منحصر به فردی شده است و در همه امور عالم دخالت می‌کند، چند سال دیگر به یک کشور معمولی تبدیل خواهد شد و از های و هوی خواهد افتاد - یعنی سرنوشت انگلیس را خواهد داشت که تا چند سال پیش قدرت مطرحی بود، ولی امروز یک دولت درجه دو و سه دنیا است - بسیاری از ظاهرینان خواهند گفت: این حرف‌ها چیست؟! مگر چنین چیزی امکان دارد؟! چند سال دیگر که بگذرد، ان شاء الله همه خواهند دید که این طور می‌شود.»

بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۷/۰۳/۰۲: «ما در شکست دشمن شک نداریم؛ بنده هیچ تردیدی ندارم. هرکسی که با معارف اسلامی آشنا باشد میدانند که «إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، و لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ؛ یا همین آیه‌ای که تلاوت کردند که «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»، اینها مسلم است و در این تردیدی نیست. میدانیم که شکست می‌خورند؛ میدانیم که سرنوشت رئیس‌جمهور کنونی هم بهتر از سرنوشت آسلافش - بوش و نتوکان‌ها و دوروبری‌های ریگان و بقیه - نخواهد بود؛ این هم مثل همانها در تاریخ گم خواهد شد و جمهوری اسلامی سربلند باقی خواهد ماند؛ در این هیچ تردیدی نداریم. ولیکن طبق سنت الهی، یک وظایفی بر عهده‌ی ما است؛ هرگز این نتیجه‌ی قطعی که پیشرفت و نصرت الهی نسبت به جمهوری اسلامی است، نباید ما را از وظایفمان غافل کند. یک وظایفی بر عهده‌ی ما است که اگر این وظایف را انجام ندهیم، نمیتوانیم به آن نتایج مطمئن باشیم؛ باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم.»

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌های زنده و بارزاده، همواره دارای انعطاف<sup>۱۵</sup> و آماده‌ی تصحیح

خطاهای خویش<sup>۱۶</sup> است، اما تجدید نظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی<sup>۱۷</sup>، به رکود و خموشی دچار

۱۵. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۲۴/۰۷/۱۳۹۰: «فرض بفرمائید ما یک روزی در قانون اساسی نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور داشتیم، با یک شکل خاصی؛ بعد تجربه به ما نشان داد که این درست نیست. امام دستور دادند گروهی از خبرگان ملت، از دانشگاهیان، از روحانیون، از مجلس شورای اسلامی، از برجستگان و نخبگان بنشینند و آنچنان که بر طبق نیاز است، آن را تغییر بدهند. همین کار را هم کردند. یا در زمینه‌ی قضا همین جور. در آینده هم اینها قابل تغییر است. امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس‌جمهور را انتخاب میکنند؛ تا الان هم شیوه‌ی بسیار خوب و تجربه‌شده‌ای است. اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک - که احتمالاً در آینده‌های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی‌آید - احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است - مثل اینکه در بعضی از کشورهای دنیا معمول است - هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی میتواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمیکند. و از این قبیل. البته همین تغییر هم باید متکی به اصول باشد. همین نگاه دوباره و نوسازی و بازسازی هم بایستی ناظر به اصول باشد؛ برگرفته و برخاسته‌ی از اصول اسلامی باشد. مثلاً فرض بفرمائید شایسته‌سالاری. احساس بشود که شایسته‌سالاری، به این شکل، بهتر تحقق پیدا میکند؛ یا عدالت، به این شکل، بهتر تحقق پیدا می‌کند.»

۱۶. بیانات در اجتماع بزرگ مردم بجنورد، ۱۹/۰۷/۱۳۹۱: «یکی از خطاهایی که خود ما کردیم - بنده خودم هم در این خطا سهیمم - این مسئله‌ی تحدید نسل از اواسط دهه‌ی ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه‌ی ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده‌ی حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد.»

۱۷. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۲/۰۹/۱۳۷۹: «ما می‌خواهیم ... آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرایند طولانی و دشواری دارد و شروع از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زدوخورد و شلوغ کاری و امثال اینها نیست؛ برخلاف آن برداشتهایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید با کلمه‌ی انقلاب بازی کنند! ... انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالشهای دشوار و بدون زورآزمایی، امکان‌پذیر نیست؛ ... انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی. بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. .... این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام

نشده و نمی‌شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی<sup>۱۸</sup> تا ابد دفاع می‌کند. جمهوری اسلامی، متحجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد

---

اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه. مرحله‌ی چهارم که بعد از این است کشور اسلامی است... از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید. ما در کدام مرحله‌ایم؟ ما در مرحله‌ی سوّمیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است.»

این سخنرانی یکی از کلیدی‌ترین بیانات مقام معظم رهبری است که در آن به کلان‌ترین محور راهبردی خویش یعنی تمدن نوین اسلامی اشاره می‌کنند و در سال‌های بعد کرارا به این بیانات ارجاع می‌دهند، مانند بیاناتشان در تاریخ‌های: ۱۳۸۰/۰۹/۲۱، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴. که در ادامه تنها به یک نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱: «فرایند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک میشود؛ اما تحقق آن‌ها، بسیار طولانی است. قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است. قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی - که از این‌ها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است.»

۱۸. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷: «در مجموعه‌ی انقلاب، از اول انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا میکنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیر قانونی و از این حرفها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است. انقلاب مراحل دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله‌ی اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و با لغت نو، با تعابیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله‌ی اول انقلاب بود. بعد در مرحله‌ی دوّم، این نظام بایستی ارزشها را محقق کند؛ این ارزشها و آرمانهایی که حالا اشاره می‌کنم و بعضی را می‌گوییم، باید در جامعه تحقق ببخشد. به این ارزشها اگر بخواهد تحقق ببخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی. بنابراین مرحله‌ی بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله‌ی اجرائیات درست - قانون درست، اجرای درست - این آرمانها و ارزشهایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه میشود جامعه‌ی انقلابی؛ یک جامعه‌ی انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله‌ی چهارم است. حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعه‌ی انقلابی؛ این چهارم است. بعد که جامعه‌ی انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به

احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی<sup>۱۹</sup> خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی‌شک فاصله‌ی میان بایدها و واقعیتهای، همواره وجدان‌های آرمان‌خواه<sup>۲۰</sup> را عذاب داده و می‌دهد، اما این، فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراط‌ها و چپ‌روی‌هایی<sup>۲۱</sup> که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی

---

وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه‌ی «انقلابی» میتوانید کلمه‌ی «اسلامی» بگذارید؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مراحل است که وجود دارد.»

۱۹. بیانات در دیدار دبیر و کارشناسان دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، ۱۳۹۴/۱۱/۱۴: «امام رحمه‌الله «مظهرانقلاب اسلامی» است و بر همین اساس، بیانات ایشان که در ده‌ها جلد کتاب مدون شده، «مبانی انقلاب» است. ... براساس سخنان امام رحمه‌الله، موضوع «مردم»، «استقلال کشور»، «تدین و پایبندی به مبانی اسلامی»، «مبارزه با استکبار و زورگویی»، «مسأله‌ی فلسطین»، «موضوع معیشت مردم»، «توجه به مستضعفین و رفع فقر»، خطوط اصلی انقلاب هستند که از ترکیب آنها «هندسه‌ی انقلاب» به‌دست می‌آید.»

۲۰. بیانات در دیدار جهادگران و کشاورزان، ۱۳۸۲ / ۱۰ / ۱۴: «بعضیها اشتباه می‌کنند که در مقابل آرمان‌گرایی، واقع‌بینی را مطرح می‌کنند. در نظر این‌ها واقع‌بینی نقطه‌ی مقابل آرمان‌گرایی است. این خطای بزرگی است؛ چون آرمان‌گرایی، خودش واقعیتها را در جامعه می‌سازد. یک مجموعه‌ی با آرمان و دارای هدفهای بلند می‌تواند واقعیتها را طبق آرمان خود شکل دهد و به وجود آورد. دنیا این‌طور پیش رفته است. آرمان‌ها را کنار بگذاریم، به بهانه‌ی واقع‌بینی؟! این کمال غفلت است. آرمان‌گرایی بوجودآورنده‌ی واقعیتهای شیرین و مطلوب است. وقتی یک انسان، یک مجموعه و یک ملت با مسئولان و دست‌اندرکارانش پای آرمان‌ها ایستادند و حاضر نشدند کوتاه بیایند و برایش کار کردند، چه اتفاقی می‌افتد؟ واقعیتها به سمت آرمان‌ها تغییر می‌کند. این خودش بزرگترین واقعیت و قانون زندگی است؛ چرا بعضی این را فراموش می‌کنند؟»

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰: «یک‌عده‌ای تبلیغ میکنند و وانمود میکنند که آرمان‌خواهی مخالف واقع‌گرایی است؛ نه آقا، آرمان‌خواهی مخالف محافظه‌کاری است، نه مخالف واقع‌گرایی. محافظه‌کاری یعنی شما تسلیم هر واقعیتی - هرچه تلخ، هرچه بد- باشید و هیچ حرکتی از خودتان نشان ندهید؛ این محافظه‌کاری است. معنای آرمان‌گرایی این است که نگاه کنید به واقعیتها و آنها را درست بشناسید؛ از واقعیتهای مثبت استفاده کنید، با واقعیتهای سلبی و منفی مقابله کنید و مبارزه کنید. این معنای آرمان‌گرایی است. چشمتان به آرمانها باشد.»

۲۱. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹ / ۰۴ / ۱۹: «بنده به عنوان کسی که از اول این انقلاب تا امروز در مسائل گوناگون و در عرصه‌های مختلف این نظام، با جوانب و جریانهای گوناگون مواجه بوده‌ام؛ هم آدم‌ها را می‌شناسم، هم حرفها را

می‌شناسم و هم با تبلیغات رسانه‌ای دنیا آشنا هستیم؛ به یک جمع‌بندی رسیده‌ام که به‌طور خلاصه این است: **یک طرح همه‌جانبه‌ی آمریکایی برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی طراحی شد و جوانب آن از همه جهت سنجیده شد. این طرح، طرح بازسازی‌شده‌ی است از آنچه که در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد.** به نظر خودشان می‌خواهند همان طرح را در ایران اجرا کنند. ... این‌ها در چند مورد اشتباه کردند: اشتباه اولشان این است که آقای خاتمی، گورباچف نیست. اشتباه دومشان این است که اسلام، کمونیسم نیست. اشتباه سومشان این است که نظام مردمی جمهوری اسلامی، نظام دیکتاتوری پرولتاریا نیست. اشتباه چهارمشان این است که ایران یکپارچه، شوروی متشکل از سرزمینهای به هم سنجاقت شده نیست. اشتباه پنجمشان این است که **نقش بی‌بدیل رهبری دینی و معنوی در ایران، شوخی نیست.** ... گورباچف وقتی در سال ۱۹۸۵ حدود سالهای ۶۴ و ۶۵ سر کار آمد، یک عنصر جوان در قبال دبیرکل‌های پیر قدیمی بود. روشن‌فکر و خوش‌برخورد بود؛ شعاری که او مطرح کرد، شعار پروستریکا در درجه‌ی اول و گلاسنوست در درجه‌ی دوم بود. تعبیر فارسی پروستریکا، بازسازی و اصلاحات اقتصادی است؛ و گلاسنوست یعنی اصلاحات در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، آزادی بیان و امثال این‌ها. در یکی، دو سال اول، به وسیله‌ی رسانه‌ها، آواری از حرف و تحلیل و تفسیر و تشویق و جهت‌دهی و پیشنهاد بر سر گورباچف فروریخت و کار به جایی رسید که توسط مراکز آمریکایی، گورباچف به عنوان مرد سال معرفی شد! این در همان دوران جنگ سرد هم بود؛ یعنی در دورانی که آمریکاییها شبیح هر موفقیتی را در شوروی با تیر می‌زدند! قبل از گورباچف، اگر واقعیت‌های خوبی هم در شوروی وجود داشت، به شدت آن را انکار می‌کردند و علیه آن تهاجم تبلیغاتی راه می‌انداختند. اما ناگهان نسبت به گورباچف چنین وضعی را پیش گرفتند! این آغوش باز غرب، به‌عنوان یک مشوق بزرگ، گورباچف را فریب داد! من نمی‌توانم ادعا کنم که گورباچف کسی بود که غربی‌ها یا دستگاه‌های سیا او را سر کار آورده بودند آن چنان که بعضی کسان در دنیا ادعا می‌کردند من نشانه‌های این را واقعاً نمی‌بینم و البته خبری هم از پشت پرده ندارم؛ اما آنچه که مسلم است، آغوش باز، چهره‌ی باز، چهره‌ی خندان، تجلیل و تبجیل و تشویق و احترام غربی‌ها، گورباچف را فریب داد. او به غربی‌ها و آمریکاییها اعتماد کرد؛ اما فریب خورد ... شعارهای گورباچف یکی، دو سال رو به اوج بود؛ اما بعداً ناگهان یک عنصر دیگر به نام یلتسین در کنار گورباچف پیدا شد. نقش یلتسین، نقش تعیین‌کننده است. نقش او این است که مرتب پا به زمین بکوبد و بگوید که این شعارها فایده‌ای ندارد؛ این شتاب کم است؛ دیر شد؛ اصلاحات عقب افتاد! اگر آدم عاقل مدبری به‌جای گورباچف بود، شاید در طول بیست سال می‌توانست آن اصلاحات را بی‌دغدغه انجام دهد همچنان که این کار در چین اتفاق افتاد اما همین مقدار خودداری و خویشتن‌داری را هم از دست گورباچف بیرون کشید. کار به جایی رسید که گورباچف معاون خود یلتسین را عزل کرد؛ اما رسانه‌های آمریکایی و غربی نه فقط عزلش نکردند، بلکه تقویتش کردند! ... حال بعد از گذشت هفتاد و سه سال، بناست اولین انتخابات در جمهوری روسیه نه‌همه‌ی شوروی انجام گیرد. کاندیدا کیست؟ آقای یلتسین! با رأی بالایی یلتسین یعنی همان عنصر تندرو رئیس‌جمهور شد. از اینجا داستان شیرینی است. از روزی که یلتسین در ژوئن ۱۹۹۱ یعنی ۲۴/۳/۱۳۷۰ رئیس‌جمهور شد، تا حدود چهارم یا پنجم دی‌ماه که رسماً شوروی منحل شد، حدود هفت ماه طول کشید. یعنی این چند سال صرف مقدمات شد. بخشی از مقدمات به‌دست گورباچف، برخی هم وقتی تاریخ مصرف گورباچف تمام شد، به دست یلتسین انجام شد و برنامه‌ی مورد نظر آمریکا و غرب، تا رسیدن یلتسین به قدرت شتاب گرفت. به مجرد اینکه یلتسین به قدرت رسید و رئیس‌جمهور روسیه و نفر دوم شوروی شد، ابتکار عمل به دست او افتاد. ... این روند از اواخر خردادماه شروع شده بود. به دنبال آن، کناره‌گیری گورباچف از دبیرکلی حزب مطرح شد؛ بعد پیشنهاد انحلال حزب کمونیست، سپس شکست کمونیزم اعلان شد همان چیزی که آمریکاییها بسیار از آن کیف می‌کردند و بعد هم بالاخره شایعه‌ی استعفای گورباچف منتشر شد. در همان زمان طی مصاحبه‌ای از گورباچف سؤال شد که شما استعفا خواهید کرد یا نه؟ گفت منتظرم وزیر امور خارجه‌ی آمریکا به مسکو بیاید تا ببینم چه می‌شود! وزیر امور خارجه‌ی آمریکا به مسکو آمد و قبل از آنکه با گورباچف تماس بگیرد، رفت با یلتسین تماس گرفت؛ آن هم در کاخ اصلی

با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اوّل را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

## [مرورگام اول انقلاب]

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ<sup>۲۲</sup> برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اوّل درباره‌ی گذشته است.

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمی‌توان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید.<sup>۲۳</sup>

---

ملاقات‌های کرم‌لین. معنای کارش این بود که گورباچف تمام شد! سه روز بعد هم گورباچف استعفا کرد و انحلال شوروی اعلام شد! این طرح موفق آمریکا در شوروی بود. یعنی یک ابرقدرت را با یک طرح کاملاً هوشمندانه، با صرف مقداری پول، با خریدن برخی اشخاص و با به کار گرفتن رسانه‌های تبلیغی، توانستند طی یک طراحي سه، چهارساله و یک نتیجه‌گیری شش، هفت‌ماهه به‌کلی منهدم کنند و از بین ببرند!»

۲۲. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱: «جهاد مداوم که نیاز یک کشور و یک امت و یک تاریخ است...، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفت‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم هم‌ايش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، این‌ها می‌شود کفران نعمت الهی؛ «ألم تر الی الذین بدّلوا نعمت اللّٰه کفراً و احلّوا قومهم دار البوار» این نباید بشود.»

بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در حسینیه امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۹۴/۰۲/۰۶: «اهمیت هر انسانی به‌قدر آن مسئولیتی است که بر دوش می‌گیرد و این انسان یا این مجموعه یا این سازمان به همان اندازه اهمیت پیدا می‌کند.»

۲۳. بیانات در دیدار دانش‌آموزان، ۱۳۹۲/۰۸/۱۲: «من فکر نمی‌کنم [از] این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید، لکن تجربه‌ای است و پشتوانه‌ی تجربی ملت ایران را افزایش خواهد داد و تقویت خواهد کرد؛ ایرادی ندارد اما لازم است ملت بیدار باشد. ما از مسئولین خودمان که دارند در جبهه‌ی دیپلماسی فعالیت می‌کنند، کار می‌کنند، قرص و محکم حمایت



دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی<sup>۲۴</sup>

میکنیم، اما ملت باید بیدار باشد، بداند چه اتفاقی دارد میافتد [تا] بعضی از تبلیغاتچی‌های موجب‌بگیر دشمن و بعضی از تبلیغاتچی‌های بی‌مزدوموجب - از روی ساده‌لوحی - نتوانند افکار عمومی را گمراه کنند.»

۲۴. پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، ۱۳۷۳/۰۱/۰۱: « ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می‌خواهم به شما بگویم: مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسأله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است.»  
بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۳/۰۸/۱۱: « قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است. آن را جدی بگیرید... به فضل پروردگار در طول سالهای آینده و دهها سال آینده، چنان بنای تمدن رفیعی در این جا و بسی جاهای دیگر، شالوده‌ریزی خواهد شد و چنان عظمتی از اسلام و مسلمین آشکار خواهد شد که دیگر حقیقت و واقعیتی برای استکبار جهانی باقی نخواهد ماند و دیگر استکباری وجود نخواهد داشت.»

بیانات در دیدار دیدار ایثارگران، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹: « ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.»

بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶: « هدف نهائی را باید امت واحده‌ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه‌ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد.»

بیانات در دیدار مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴: « آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد.»

بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹: « جوان ها! بدانید، بدون هیچ‌گونه تردیدی آینده‌ی روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلق به شما است؛ شما خواهید توانست کشورتان و ملتتان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه‌ی کامل تمدن نوین اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید؛ برای اینکه بتوانید این وظائف بزرگ را انجام بدهید، بایستی دین را، تقوا را، عفت را، پاکیزگی روحی را در میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید.»

بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۷/۱۰/۱۹: «خداوند متعال اگر اراده نکرده بود که این کار پیش برود، این مقدمات را فراهم نمی‌کرد. امام بزرگوار در یک برهه‌ای -متأسفانه جزئیات یادم نیست- از اینکه یک کاری بسهولت انجام گرفته است، استنتاج کرده بودند که خدای متعال می‌خواهد این کار انجام بگیرد: إذا أراد الله شيئاً هياً أسبأه؛ مقدمات کار که فراهم میشود، پیدا است خدای متعال اراده فرموده است این کار انجام بگیرد. مقدمات کار، ایجاد انقلاب است، تشکیل جمهوری اسلامی است، تشکیل نظام اسلامی است؛ اینها مقدمات کار است برای ایجاد آن تمدن اسلامی متناسب با این زمان و با این قرن. اینها مقدماتی است که خدای متعال فراهم کرده است که به آنجا برسیم و ان شاء الله خواهیم رسید.»

## و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است؛<sup>۲۵</sup> نزدیک کنید.

برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت<sup>۲۶</sup>؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهنمان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمی‌توان شنید.

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛ اولاً: همه‌چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست

---

۲۵. **بیانات در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹:** «اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌آمر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد.»

**بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵:** «امام زمان می‌آید انجام می‌دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه‌ی آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی‌شود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و آلا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می‌شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصّلاة و السّلام در زمان خودش؛ در همان مدّت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متّصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم در باره‌ی او نتوانست ریشه‌ی بدی را بخشکاند؟»

**بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰:** «ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان‌طور که عرض کردم، فرموده‌اند: «و الله لمتحصّن» و «و الله لتغربلن»؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی‌عصر (ارواحنا فداه) با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید؛ ملت بزرگ ما این یک‌قدم را برداشتند.»

۲۶. **بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱:** «نمیدانم آیا جوانان نسل ما و نسل انقلابی، تاریخچه این صدوپنجاه، دویست سال را درست خوانده‌اند یا نه؟ من همه دغدغه‌ام این است که جوان انقلابی امروز، نداند مابعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه این صدوپنجاه، دویست سال اخیر - از دوران اواسط قاجار به این طرف؛ از دوران جنگهای ایران و روس به این طرف - را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است.»

**بیگانه<sup>۲۷</sup>** و نه به زور شمشیر خود- بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولت‌های غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب‌افتادگی شرم‌آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر. ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه‌طی‌شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمی‌توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و **ترکیب جمهوریّت و اسلامیّت<sup>۲۸</sup>** و ابزارهای تشکیل و

---

۲۷. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷: «رضاخان به دستور انگلیسی‌ها آمد، به دستور انگلیسی‌ها هم رفت.»

۲۸. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴: «در این کشور و در این نظام، اسلام با جمهوریت همراه است. جمهوریت ما از اسلام گرفته شده و اسلام ما اجازه نمی‌دهد در این کشور مردم‌سالاری نباشد. ما نخواستیم جمهوریت را از کسی یاد بگیریم؛ اسلام این را به ما تعلیم داد و املاء کرد. این ملت، متمسک به اسلام و معتقد به جمهوریت است. در ذهن این ملت و در این نظام، خدا و مردم در طول هم قرار دارند و خدای متعال این توفیق را داده است که مردم این راه را طی کنند. .... این ملت، این نظام، این چارچوب و این قانون اساسی توانسته است هم اسلام را تضمین کند و هم جمهوریت را.»

بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۰۵/۱۰: «بستر مردم‌سالاری اسلامی و حضور مردم را انقلاب به ما داد. ما باید روی این زمینه تکیه کنیم. البته از طرف کسانی سعی شده که بین جمهوریت نظام و اسلامیّت، رقابتی به وجود بیاورند. یک جا بعضی‌ها بگویند روی اسلامیّت تکیه شد، جمهوریت تضعیف شد؛ یک عده هم بگویند روی جمهوریت تکیه شد، اسلامیّت تضعیف شد. این طوری نیست. در کشور ما جمهوریت از اسلامیّت جدا نیست.»

بیانات در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۰۵/۱۲: «این بحث که در نظام اسلامی، جمهوریت مقدم است یا اسلامیّت مقدم است، یک بحث بی‌معنی و انحرافی است. اسلامیّت و جمهوریت دو عنصر جدا نیستند که به یکدیگر وصل شده باشند و یک حقیقت را به وجود آورده باشند؛ در دل اسلامیّت، جمهوریت هست. در دل اتکاء به حکم الهی، تکیه‌ی به مردم و احترام به خواست و رأی مردم هست. جمهوری اسلامی یک حقیقت واحد است که هدیه‌ی انقلاب اسلامی به ملت ایران است. این، آن چیزی است که در این سی سال، امتحان کارآمدی خود را به بهترین وجهی داده است.»

بیانات در سالگرد ارتحال امام، ۱۳۸۲/۰۳/۱۴: «محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می‌شد: اسلام و مردم.»

بیانات در سالگرد رحلت حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶/۰۳/۱۴: «جمهوری اسلامی در مقابل همه‌ی این نیازهای مردم، خود را موظف می‌داند و مردم به معنای حقیقی کلمه، صاحب رأی و صاحب اختیارند؛ برخلاف دموکراسی رائج در غرب؛ لیبرال دموکراسی شکست‌خورده‌ی رسواشده‌ی غربی. دموکراسی غربی در حقیقت انتخاب مردم نیست، انتخاب زرسالاران است؛ حتی انتخاب بدنه‌ی احزاب هم نیست، انتخاب سران و رهبران احزاب است. آن‌ها هستند که حکومتها را می‌آورند و می‌برند؛ آن‌ها هستند که تصمیم‌های بزرگ را می‌سازند. مردم در اکثر تصمیم‌های بزرگ، برکنار از تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌اند؛ کسی هم به آن‌ها اعتنا نمی‌کند. آن‌قدر هم آن‌ها را گرفتار مشغله و کار می‌کنند که نمی‌توانند و فرصت آن را پیدا نمی‌کنند که آنچه را که می‌خواهند، به زبان بیاورند. ساخت استبدادی و دیکتاتوری به شکل بسیار مدرن و پیشرفته، امروز در بسیاری از کشورهای غربی و در رأس آن‌ها در امریکا مستقر و حاکم است. آنجا مردم به معنای انسانهای صاحب اختیار و صاحب اراده، نقشی در بر سر کار آوردن حکومتها ندارند؛

پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود. پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، **تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»<sup>۲۹</sup>** پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و **کانون توجّه جهانیان** شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی

پول است و زور صاحبان سرمایه و زرسالاران است که همه چیز را تعیین می‌کند و همه چیز را در مجرای دلخواه خود به حرکت می‌اندازد. نظام جمهوری اسلامی، آن دمکراسی مبتنی بر مبانی غلط غربی را رد می‌کند. مردم‌سالاری دینی به معنای کرامت حقیقی انسان و حرکت عموم مردم در چهارچوب دین خدا و نه در چهارچوب سنتهای جاهلی و خواسته‌های کمپانیهای اقتصادی و اصول خودساخته‌ی نظامیان و جنگ‌سالاران است. در نظام جمهوری اسلامی، حرکت برخلاف آن‌هاست؛ حرکت در چهارچوب دین خداست و اراده‌ی مردم، تعیین‌کننده‌ی مطلق است. امروز نظامهای غربی و در رأس آن‌ها امریکا، همین دمکراسی بد تجربه‌شده و بد امتحان‌پس‌داده را می‌خواهند به‌زور به بعضی کشورها تحمیل کنند. دولت فلسطین را که از آراء مردم برخاسته، قبول نمی‌کنند؛ برای دولت عراق که از آراء مردم به معنای حقیقی کلمه، جوشیده و بر سر کار آمده، انواع مشکلات را درست می‌کنند؛ از کودتاهای نظامی و کودتاگران نظامی به شرطی که زیر فرمان آن‌ها باشند، کمال حمایت را می‌کنند، باز دم از مردم‌سالاری می‌زنند!

۲۹. **بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ترجمه خطبه عربی، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۹۰:** « دو قطبی سرمایه‌داری و کمونیزم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیزم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سومی وجود ندارد.»

کلید اساسی پیروزی در این نبرد تمدنی، تمرکز بر مزیت‌های اختصاصی و عناصر قدرت جبهه حق است، که آقا فرموده اند:

**بیانات در همایش ده‌ها هزار نفری «خدمت بسیجیان» در ورزشگاه آزادی، ۱۲/۰۷/۱۳۹۷:** « قدرت ما چیست؟ استقرار و ثبات سیاسی است، امنیت اجتماعی است، وحدت ملی است، پایبندی به اصول و مبانی انقلاب است، حرکت پیشرفت رو به توسعه‌ی علمی است، توسعه و تعمیق فرهنگ انقلابی و اسلامی است؛ اینها عناصر قدرت ما است؛ با اینها مخالفند. البته با پیشرفت نظامی ما هم مخالفند، با موشک ما هم مخالفند، با حضور ما در منطقه هم مخالفند؛ چون اینها هم جزو عوامل قدرت و عناصر قدرت ما است؛ پس میدان جنگ اینجا است. میدان جنگ و میدان تقابل استکبار با ایران اسلامی عبارت است از هر آنچه موجب اقتدار ایران اسلامی است؛ بایستی این را یکی از مراکز درگیری با قدرت مستکبرین دانست.»

**بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۰۳/۰۳/۱۳۹۵:** «معنای جنگ نامتقارن این است که دو طرف جنگ از منابع مختلف‌الحالی، با هویت‌های مختلف برخوردارند؛ این جنگ نامتقارن است؛ یعنی هر کدام از این دو طرف امکاناتی دارند، منابع قدرتی دارند که طرف دیگر آن را ندارد. ما با استکبار جهانی در حال جنگ نامتقارنیم؛ چرا؟ ممکن است او یک امکاناتی داشته باشد که ما نداشته باشیم اما ما هم امکاناتی داریم که او ندارد؛ آن امکان چیست؟ توکل، اعتماد به خدا، اعتماد به پیروزی نهایی، اعتماد به قدرت انسان، به قدرت اراده‌ی انسان مؤمن؛ این را ما داریم؛ این شد جنگ نامتقارن. در جنگ نامتقارن اراده‌ها هستند که با هم می‌جنگند؛ هر اراده‌ای غلبه پیدا کرد، پیروز خواهد شد. در میدان، اراده را ضعیف نکنید؛ در میدان نبرد، اراده را دچار تزلزل نکنید؛ اگر یک طرف جنگ در میدان نبرد اراده‌اش سست شد، قطعاً شکست خواهد خورد. نگذارید اراده‌تان سست بشود، نگذارید تبلیغات دشمن و وسوسه‌های دشمن، در اراده و عزم راسخ شما تزلزل ایجاد کند؛ این اراده‌ی مستحکم را نگه دارید؛ این ضامن پیروزی است.»

ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلد‌رهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعون‌های در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد. به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله‌ی ملت ایران **آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدت، با مدت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند<sup>۳۰</sup> مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی<sup>۳۱</sup> الهام‌گرفته از ایمان اسلامی**

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»، ۱۰/۱۱/۱۳۹۰: «مبارزه، مبارزه‌ی هم‌ت‌ها و عزم‌ها و اراده‌هاست. هر طرف اراده‌ی قوی‌تری داشته باشد، او غالب است. آن کسی که دلش متکی به خدای متعال است، او غالب است. «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»؛ اگر نصرت خدائی را به دست بیاورید، هیچ کس بر شما غلبه نخواهد کرد؛ شما پیش خواهید رفت.»

۳۰. بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی، ۱۹/۱۱/۱۳۸۳: «ملت فرانسه در انقلابی که به اسم «انقلاب کبیر فرانسه» معروف است، علیه استبداد به‌پاخاسته بود؛ مسأله‌ی آن‌ها مبارزه‌ی با سلطنت و رژیم پادشاهی بود؛ اما هنوز پانزده سال نگذشته بود که پادشاهی بسیار مستبدتر و فراگیرتر و قوی‌تر از پادشاهی سلسله‌ی بوربن‌ها- که آن‌ها را برانداخته بودند- روی کار آمد و یک امپراطوری با استبداد کامل تشکیل شد. .... این انقلابی است که در دنیا معروف به انقلاب کبیر فرانسه است. **انقلاب شوروی** خیلی زودتر از پانزده سال دچار انحراف شد. انقلابی که به کمک توده‌ی مردم روی کار آمده بود، تبدیل شد به دیکتاتوری استالینی که سالهای متمادی ادامه داشت و بعد به اعقاب استالین به ارث رسید. مردم در آن کشور بزرگ، حتی کمترین اختیاری برای بخش مهمی از زندگی شخصی خودشان نداشتند؛ چه برسد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و حکومتی و مملکتی. سرنوشت انقلاب‌های دنیا این است. **خرده انقلاب‌هایی** هم که در دنیا اتفاق افتاده‌اند، هرکدام سرنوشتی شبیه همین‌ها داشتند؛ که اگر کسی اهل تاریخ باشد و نگاه کند، شگفتی‌های فراوانی خواهد دید. اولین انقلابی که با مردم شروع کرد، با مردم ادامه داد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را تغییر نداد و اهداف خود را کم و زیاد نکرد، انقلاب اسلامی ایران است.»

۳۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۱/۰۴/۱۳۹۳: «**جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام می‌گیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است.**»

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۵/۱۲/۱۳۹۲: «هر جایی که به خدا تکیه کردیم، به نیروی مردم تکیه کردیم و حاضر به حرکت جهادی شدیم، پیروز شدیم؛ نگاه کنید شما از اول انقلاب تا حالا، هر جا ما مردم را آوردیم وسط کار، به نام خدا شروع کردیم و حرکتان حرکت جهادی بود، ما در آنجا پیروز شدیم. در **خود اصل انقلاب** این اتفاق افتاد، مردم آمدند، مردم خیابانها را پر کردند، قشرهای مختلف مردم آمدند وسط میدان، و حرکت حرکت جهادی بود. در **دفاع هشت ساله- هشت سال**

و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم»<sup>۳۲</sup> که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت؛<sup>۳۳</sup> ایران را به عزّت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛

---

جنگ شوخی نیست؛ هشت سال جنگ را بر این مملکت تحمیل کردند- مردم آمدند وسط کار. امام (رضوان الله تعالی علیه)- که روح مطهر این مرد بزرگ شاد باد و با انبیاء و اولیاء محشور باد- راز قضیه را فهمید که باید چه کار بکند؛ خدا به او الهام کرد، او را هدایت کرد، مردم را آورد وسط میدان و نام خدا را سردست گرفت و حرکت کرد. در جنگ هشت ساله ما پیروز شدیم؛ در همه‌ی موارد دیگری که مردم آمدند و خدای متعال بر زبان و دل مردم حاکم بود و کار کار جهادی بود، ما پیروز شدیم؛ این همیک واقعیتی است.»

۳۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۰۲/۰۸: « عزیزان من! کشور می‌تواند پیش برود. اینکه من بارها می‌گویم تمدن اسلامی و بارها می‌گویم ایران میتواند قلّه‌ی تمدن اسلامی قرار بگیرد، شعار و رجزخوانی نیست، این نگاه به واقعتهای کشور است. ما میتوانیم؛ ما میتوانیم اقتصادمان را پیشرفت بدهیم، صنعتمان را پیشرفت بدهیم، کشاورزی‌مان را پیشرفت بدهیم و خودکفایی را در آنجایی که خودکفایی لازم است به وجود بیاوریم؛ مسئولین باید تلاش کنند. همان‌طور که اول گفتیم، هرکس مسئول است حق آن مسئولیت را اداء کند و تلاش لازم را انجام بدهد.»

۳۳. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی و اخذ سردوشی در دانشگاه هوایی، ۱۳۶۹/۰۸/۲۸: «امروز ملت‌های جهان، از ملت سرافراز و بزرگ ایران آموخته‌اند که در مقابل تهدید و ارباب قدرتهای بزرگ، مرعوب نشوند. اول ملت ایران بود که فریاد زد، استکبار جهانی در درون خود تهی است و جز رعد و برق، جز تشر، جز اظهار قدرت دروغین، چیزی در چنجه‌ی او نیست. این را اول ملت ما فریاد زد و امام بزرگمان، به ما و به ملت‌های دیگر آموخت.»

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱: « شما می‌توانید در مقابل قدرتهای متکی به زور قد برافرازید؛ مشروط به اینکه با همه‌ی وجود، پای احکام نجات‌بخش اسلام و تبعیت از احکام قرآنی بایستید و بی‌هیچ رودربایستی و بی‌هیچ ملاحظه‌ای از کسی، در این راه و صراط مستقیم حرکت کنید. آن‌وقت است که خوب می‌توانید ایستادگی کنید. این درسی است که اسلام به ما داد. این درسی است که امام بزرگوار، بعد از چهارده قرن، با منش و حرفهای خود به ما آموخت. علاج، این است.»

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۷۵/۰۳/۱۶: « امام بزرگوار، ملت ایران را به برگشت به اسلام دعوت کرد و گفت بیایید به اسلام به معنای حقیقی کلمه عمل کنید. نه فقط عمل کردن در داخل مسجدها و به صورت عبادات فردی؛ بلکه به صورت عمل کامل این کار را انجام دهید و نظام زندگی را از اسلام بگیرید. به همین خاطر، جمهوری اسلامی را تشکیل داد. در نقطه‌ی دوم هم روحیه‌ی این ملت را احیا و بازسازی کرد. به ملت ایران آموخت و فهماند که قدرت دارد و می‌تواند.»

روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

## [دستاوردهای گام اول انقلاب]

### اولاً:

ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.

### ثانیاً:

موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حسّاس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت.

### ثالثاً:

مشارکت مردمی<sup>۳۴</sup> را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیتهای نیکوکاری که از

---

۳۴. بیانات در دیدار مردم بیجار، ۱۳۸۸/۰۲/۲۸: «حضور مردم در صحنه‌ها توانست دشمن را مأیوس کند. اگر مردم در این سی سال در انتخاباتها شرکت نمی‌کردند، در راه‌پیمائی‌های بیست و دو بهمن و روز قدس شرکت نمی‌کردند، در مراسم گوناگون، حضور خودشان و این حجم عظیم ملت ایران را به رخ دشمن نمی‌کشیدند، مسلماً هیبت ملت ایران، آن‌چنان که امروز هست، نمی‌بود. این حضور را حفظ کنید.»

پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت می‌کنند.

## رابعاً:

بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی<sup>۳۵</sup> و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالتها و دخالت‌های قدرتهای قلدر در امور ملتها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر<sup>۳۶</sup> بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم

۳۵. بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۲/۰۸/۱۳۸۰: «در خودتان بصیرت ایجاد کنید. قدرت تحلیل در خودتان ایجاد کنید؛ قدرتی که بتوانید از واقعیت‌های جامعه یک جمع‌بندی ذهنی برای خودتان به‌وجود آورید و چیزی را بشناسید. این قدرت تحلیل خیلی مهم است. هر ضربه‌ای که در طول تاریخ ما مسلمانان خوردیم، از ضعف قدرت تحلیل بود. در صدر اسلام هم ضرباتی که خوردیم، همین‌طور بوده که حالا این‌ها بحث‌های تفسیری زیادی دارد. در دوره‌های گوناگون دیگر هم همین‌طور است. نگذارید که دشمن از بیبصیرتی و ناآگاهی ما استفاده کند و واقعیتی را واژگونه در چشمان جلوه دهد.»

بیانات در دیدار بسیجیان استان قم، ۰۲/۰۸/۱۳۸۹: «بسیجیان در قبال پیچیدگی اوضاع توانسته‌اند در ذهن خود و فکر خود و شخصیت خود پیچیدگی ایجاد کنند و بشناسند؛ قضایای سال ۸۸ این را نشان داد. ممکن بود خیلی‌ها اشتباه کنند و خیلی‌ها هم اشتباه کردند؛ اگرچه اکثر آن کسانی که اشتباه کرده بودند، به فاصله‌ی کمی اشتباه را تصحیح کردند؛ اما حرکت عظیم بسیج، این شاخص بصیرت و این پرچم بصیرت را برای خود حفظ کرد؛ اشتباه نکرد؛ همان‌طور که امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) فرموده بود: «لا يعرف الحق بالرجال»؛ با چهره‌ها نمیشود حق را تشخیص داد. یک چهره‌ی موجه محترم است، مورد قبول است، مورد تکریم است؛ اما او نمیتواند شاخص حق باشد. گاهی چهره‌ی موجهی مثل بعضی از صحابه‌ی پیغمبر راه را عوضی میروند، اشتباه میکنند. باید حق را شناخت، باید راه را تشخیص داد تا بفهمیم این شخص حق است یا باطل. هر که از این راه رفت، حق است؛ هر که از راه حق نرفت، مردود است. حق را باید شناخت. جماعت جوان مؤمن گردآمده‌ی در زیر سقف بسیج و پرچم بسیج، این بصیرت را نشان دادند؛ نشان دادند بایبصیرتند. بصیرت، عنصر اول است. در آینده هم باید همین جور باشد. قدرت تحلیل باید پیدا کرد، قدرت تشخیص باید پیدا کرد. امام - کسی که پدر همه‌ی این جریان بود، حق حیات به گردن جامعه و این حرکت عظیم داشت - فرمودند اگر من از اسلام جدا شوم، مردم از من رو بخواهند گرداند. شاخص، اسلام است؛ شاخص، اشخاص نیستند؛ این حرف امام (رضوان الله علیه) است. او به ما یاد داد که راه را تشخیص بدهیم، حرکت صحیح را تشخیص بدهیم، نقشه‌ی دشمن را بفهمیم و بخوانیم تا بتوانیم بفهمیم کدام کار در جهت دشمن و در خط دشمن است و کدام کار در ضد اوست. پس بصیرت، عنصر اول است. بصیرت را نباید فراموش کرد.»

۳۶. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی، ۰۵/۰۳/۱۳۸۴: «من چند سال قبل در یکی از دانشگاه‌ها گفتم روشن‌فکری در ایران بیمار متولد شد. اگر شما به تاریخچه‌ی روشن‌فکری نگاه کنید، این را تصدیق خواهید کرد. اصلاً روشن‌فکری در کشور ما از اول بیمار و وابسته به بیگانه متولد شد. الآن هم عرض می‌کنم که مفهوم تجدد نیز در کشور ما بیمار و معیوب و معلول متولد



مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

## خامساً:

کفهی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت<sup>۳۷</sup>

در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و

---

شد ... البته مخالفت‌هایی هم که با این تجدها می‌شد، سطحی بود؛ این را هم به شما بگویم. نوع مخالفتی که با تجدد و موج تجددگرایی در ایران پیدا شد - چه در اواخر دوران قاجار، چه در دوران پهلوی - بنده آن را نمی‌پسندم؛ از قدیم هم این‌طور عکس‌العمل‌ها را نمی‌پسندیدم؛ چون سطحی برخورد می‌کردند. آن‌ها در تقلید از غربی‌ها افراط می‌کردند، این‌ها هم در مقابل تحریم می‌کردند.»

۳۷. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۶/۱۰/۱۹: «دشمن خارجی هست، اما این موجب نشود که از ضعف‌های خودمان غافل بشویم. ما هم ضعف داریم، ما هم یک جاهایی اشکال و نارسایی و نابسامانی در کارمان هست؛ این‌جوری نیست که ما هیچ اشکالی نداریم، هیچ مشکلی در کار ماها نیست، فقط دشمن خارجی است که دارد [مشکل ایجاد میکند]؛ نه، مگس روی زخم می‌نشیند؛ زخم را خوب کنید، زخم را نگذارید به وجود بیاید. ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، نه این شبکه‌ها میتوانند اثر بگذارند، نه آمریکا میتواند هیچ غلطی بکند. ما مشکلاتمان را باید خودمان حل کنیم؛ مشکلات داخلی را باید حل کنیم، ضعف‌هایمان را باید حل کنیم؛ ما ضعف داریم. دفاع از حقوق مظلومین وظیفه‌ی همه‌ی ما است؛ بخصوص [دفاع از] ضعفا و از حقوق ملت وظیفه‌ی ما است، بخصوص [دفاع از] طبقات ضعیف ملت؛ همه بایستی مراقب باشیم. حالا طبقاتی هستند که مرقه‌بند، مشکلات زندگی آنها را فشار نمیده؛ اما یک گروه مهمی هم در کشور هستند که فشارهای زندگی، آنها را زیر فشار قرار میدهد. باید همه‌ی همّت ما این باشد که اینها را از زیر فشار خارج کنیم؛ تلاشمان باید این باشد.»

حسنه‌ای برای مدیران جهادی<sup>۳۸</sup> و با اخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

## سادساً:

عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی<sup>۳۹</sup> در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛

۳۸. پاسخ به نامه‌ی آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان، ۱۳۸۱/۴/۲۰: «اینها مطالب حقی است که اینجانب در چند سال اخیر بارها در اجتماعات عمومی و نیز در دیدار مسئولان ذیربط درباره‌ی آن هشدار داده و بسیج همه‌ی امکانات را برای مبارزه با فقر و فساد و تبعیض از همه خواسته‌ام. اکنون هم معتقدم **جز با جهادی مخلصانه** و برخاسته از احساس درد و احساس خطر، این شجره‌های ملعونه قلع نمی‌شود و این محتاج همکاری و همصدایی همه بخصوص صاحبان موقعیتهای حکومتی و اجتماعی است. .... برای رفع مشکلات مردم سه امر محوری وجود دارد، یکی تولید کار و اشتغال برای نسل جوان پر استعداد و پر شمار این کشور است که مشکلات زندگی را از دوش بخش مهمی از مردم ما بر می‌دارد، دوم مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاهها است که اگر عزم همگانی بر آن قرار نگیرد همه‌ی تلاشهای دولت کنونی و دولت‌های قبلی را خنثی و دستاوردهای نظام مقدس ما را ضایع می‌سازد و فاصله طبقاتی را عمیق و منابع محدود ملی را به خورد متجاوزان به حقوق ملت می‌دهد. سوم و از همه مهمتر وحدت ملی و یکصدایی مسئولان و خواص است که اگر مخدوش شود هیچ حرکت سازنده به سامان نمی‌رسد. مردم فداکار و مؤمن ما بحمدالله در زیر پرچم اسلام و انقلاب متحدند.»

۳۹. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۸/۰۷/۰۹: «امام، اولویتهای را تشخیص داد و انتخاب و دنبال کرد. به نظر من، این اولویتهای در درجه‌ی اول دو چیز بود. ... اول، احیای روح خودباوری و استقلال در مردم. ... دومین چیزی که امام بر روی آن نهایت اهتمام را داشت، احیای روح دینی و تقویت ایمان در مردم بود؛ همان ایمانی که در خودش وجود داشت؛ لذا روی مسائل دین تعبّد و هرآنچه که به دین مربوط می‌شد نهایت کوشش و دقت را داشت و هیچ حاضر نبود در این زمینه کوتاه بیاید؛ چون دین علاج‌کننده است. وقتی روح دینی در ملتی بود، اثر آن فقط این نیست که از لحاظ شخصی، مردم خوب و پاکیزه و پارسایی خواهند شد؛ اثر روح دینی، در زندگی اجتماعی منعکس می‌شود؛ اگر دین درست باشد. برای همین هم بود که با دینی که امام ترویج می‌کرد، اسلامی که امام آن را اسلام ناب می‌نامید، همه‌ی دشمنان بزرگ دنیا و دنباله‌هایشان در داخل کشور، شروع به مخالفت کردند؛ به‌عنوان اینکه این دین، سیاسی و حکومتی است. گاهی هم دایه‌ی دلسوزتر از مادر می‌شدند حالا هم گاهی می‌شوند که آقا شما دین سیاسی و دین حکومتی را که مطرح می‌کنید، دین از نظر مردم ضعیف می‌شود؛ ایمان دینی مردم سست می‌شود! این، درست عکس واقعیت است. وقتی دین در یک جامعه بود، روح فداکاری در آن جامعه هست. وقتی دین در یک جامعه بود، آگاهی و هوشیاری و احساس مسئولیت در یک جامعه هست. اینکه شما می‌بینید امروز در جامعه و کشور ما نسبت به مسائل دینی تا آنجایی که به اطلاع مردم می‌رسد در مردم احساس مسئولیت و احساس غیرت هست، این به خاطر روح دینی است. دشمن می‌خواهد این روح را تضعیف کند. امام این روح را در همه‌ی ارکان جامعه چه ارکان حکومتی، چه آحاد مردم به شدت تقویت می‌کرد؛ یعنی در دولت، در مجلس، در قوه‌ی قضائیه، در قوانین، در شورای نگهبان، در انتخابات و در همه چیز، امام بر روی ایمان دینی و تعبّد دینی و تقیّد

آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌های دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.

## سابقاً:

نماد پُرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار می‌رفته است. قدرت‌های انحصارگر جهان<sup>۴۰</sup> که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی

---

دینی تکیه می‌کرد. امام این دو خصوصیت را در اولویت اول قرار داد. غالب آنچه را که امام به‌عنوان دستورالعمل در مقابل پای این ملت گذاشته است، مربوط به این دو چیز است.»

۴۰. بیانات در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی، ۱۸/۰۹/۱۳۷۶: «استکبار به آن مجموعه‌ی قدرتی گفته می‌شود که با تکیه بر تواناییهای سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض‌آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی یعنی ملتها و دولتها و کشورها را با سیطره‌ای قلدرانه و تحقیرآمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار

آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشاندهی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل‌ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید.

می‌گذارد؛ در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست‌اندازی می‌کند؛ به دولت‌ها زور می‌گوید و به ملت‌ها ستم می‌ورزد و به فرهنگها و سنتهای آنان، اهانت روا می‌دارد.»

بیانات در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران، ۱۳/۸/۱۳۷۱: «آن بلای بزرگ در جهان امروز، عبارت است از چیزی که بنده می‌توانم آن را به نام «استبداد بین‌المللی» و «دیکتاتوری جهانی» معرفی کنم. این اسم، برای آنچه که امروز بر ملت‌ها می‌گذرد، اسم مناسبی است. استبداد بین‌المللی، مرتبه‌ی اعلا‌ی استکبار بین‌المللی و جهانی است. استکبار جهانی معنایش این است که دولت‌ها و قدرتهایی در دنیا هستند که نسبت به ملت‌های دیگر، با برخورد استکباری مواجه می‌شوند؛ ثروت آنها را می‌برند، در حکومت‌های آنها به دخالت می‌پردازند، در سیاست‌های آنها اعمال نظر می‌کنند و آنها را به این سمت و آن سمت می‌کشاند. این، استکبار بین‌المللی است. همان چیزی که در قرن هجدهم و نوزدهم، با استعمار شروع شد و بعد در قرن بیستم به استعمار نوین مبدل گردید، و امروز، یا در دوران اوج قدرتهای استکباری، به شکل استکبار جهانی درآمد، که دنیا را بین دو قطب و دو قدرت تقسیم کرده بودند و هر کدام به نحوی ملتی را می‌دوشیدند و در پنجه‌ی خود می‌فشردند.»

پیام به جوانان اروپا و آمریکای شمالی، ۱/۱۱/۱۳۹۳: «همچنین در این نوشته به سیاستمداران و دولتمردان شما خطاب نمی‌کنم، چون معتقدم که آنان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و درستی جدا کرده‌اند.»

۴۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۳/۲/۱۳۷۹: «عزیزان من! انقلاب یک امر دفعی نیست؛ یک امر تدریجی است. یک مرحله‌ی انقلاب که تغییر نظام سیاسی است، دفعی است؛ اما در طول زمان، انقلاب باید تحقق پیدا کند. این تحقق چگونه است؟ این تحقق به آن است که آن بخشهایی که عقب مانده و تحول پیدا نکرده است، تحول پیدا کند و روز به روز راههای جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و روشهای جدید، در چارچوب و بر پایه‌ی آن ارزشها در جامعه به وجود بیاید و پیش برود، تا آن ملت بتواند با نشاط و با قدرت به سمت هدف خودش حرکت کند. برگشت، غلط است؛ عقبگرد، خسارت است؛ اما ایستادن هم غلط است؛ باید حرکت کرد و به جلو رفت... این تکامل، تمام شدنی هم نیست؛ یعنی هر ده سال، بیست سال یکبار، اگر انسان به کشور نگاه کند، خواهد دید که در بخشهای مختلف، پیشرفت و ترقی ایجاد شده است. آینده‌ی بسیار روشنی پیش روی ماست، که به سمت آن در حرکتیم؛ آینده‌ای که ملت ایران خواهد توانست به برکت اسلام و نظام اسلامی، هم عدالت اجتماعی و رفاه مادی داشته باشد، و هم به استقلال کامل دست یابد. از روز اول پیروزی انقلاب، ما به سمت این آینده حرکت کرده‌ایم و به اعتقاد من، قسمتهای سخت‌ترش را پشت سر گذاشته‌ایم. نمی‌گویم بدون تحمل زحمت میشود به آن آینده رسید؛ اما می‌گویم با حفظ وحدت و ایمان و انگیزه و ادامه‌ی حرکت، می‌توان به آن دست یافت. عمده این است که ما یاد و راه و هدفهای امام (ره) را همیشه در خاطر داشته باشیم و آنها را حفظ کنیم.»

محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملت مستقل، آزاد، مقتدر، با عزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران‌بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفته‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی<sup>۴۲</sup> است.

---

بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما، ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۸۱: «انقلاب یعنی تغییر بنیادین همه‌ی نهادهای اصلی زندگی جامعه؛ تغییر بنیادین آنچه غلط و کج و نابجا است، به آنچه صحیح و مستقیم و بجاست. این حرف را ما از اول هم می‌گفتیم و چنین نیست که امروز بگوییم. این امری است که بتدریج و در طول زمان با تلاش و مجاهدت دائمی انجام می‌گیرد؛ مشروط بر اینکه روح و خواست و ضرورت انقلاب در مردم باقی بماند.»

۴۲. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۹۵: «بعد از رحلت امام، ما هر جا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هر جا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است. بنده در این سالها خودم مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این حقیر هم هست؛ هر جا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛ هر جا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. میتوانیم برسیم به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی پیش برویم. مخاطب این سخن، نسل امروز و نسل فردا و نسل فرادهای بعد است؛ مخاطب این سخن، همه‌ی ما هستیم؛ مسئولان مخاطبند؛ فعالان سیاسی، فعالان فرهنگی، فعالان اجتماعی، همه مخاطب این سخنند؛ جوانان، دانشگاهیان، حوزویان، پیشه‌وران، روستاییان، شهریان، همه مخاطب این سخنند؛ همه باید بدانند میتوان این راه را با شیوه‌ی انقلابی حرکت کرد و آن وقت، پیشرفت قطعی است؛ و میتوان به شیوه‌ی دیگری حرکت کرد و آن وقت سرنوشت سرنوشت رقت‌آوری خواهد بود. امام تعبیر رایجی داشتند، مکرر در مواردی می‌گفتند: «اسلام سیلی خواهد خورد». اگر راه را عوض کردیم، ملت ایران سیلی خواهد خورد، اسلام هم سیلی خواهد خورد.»

بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۲ / ۰۵ / ۱۳۶۸: «علاج مشکلات ما در این است که سازندگی کشور را در کنار تأمین روحیه‌ی انقلابی در مردم و حفظ همان صلابت و چهره‌ی باعظمت و هیبت انقلاب ببینیم. اگر به رفاه عمومی نیندیشیم و به سازندگی کشور فکر نکنیم، مطمئناً نظام جمهوری اسلامی نخواهد توانست الگو و تجربه‌ی مطلوب را به دنیا ارایه بدهد. اگر در مسائل رفاه زندگی عمومی و ایجاد تسهیلات و رفع مشکلات غرق شویم، به طوری که جهتگیری‌های انقلابی را به دست غفلت بسپریم، به ابهت و هیبت انقلاب ضربه زده‌ایم و جاذبه‌ی آن را در دنیا مخدوش کرده‌ایم و این، مطمئناً به کارایی ما ضربه خواهد زد. بنابراین، این دو در کنار هم مطرحند.»

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۰۶ / ۰۶ / ۱۳۹۲: «کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمانها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است ما هر جایی که به خدا تکیه کردیم، به نیروی مردم تکیه کردیم و حاضر به حرکت جهادی شدیم، پیروز شدیم؛ نگاه کنید شما از اول انقلاب تا حالا، هر جا ما مردم را آوردیم وسط کار، به نام خدا شروع کردیم و حرکتیمان حرکت جهادی بود، ما در آنجا پیروز شدیم. در خود اصل انقلاب این اتفاق

## و بدانید که اگر بی توجّهی به شعارهای انقلاب<sup>۴۳</sup>

افتاد، مردم آمدند، مردم خیابانها را پر کردند، قشرهای مختلف مردم آمدند وسط میدان، و حرکت حرکت جهادی بود. **در دفاع هشت ساله** - هشت سال جنگ شوخی نیست؛ هشت سال جنگ را بر این مملکت تحمیل کردند - مردم آمدند وسط کار. امام (رضوان الله تعالی علیه) - که روح مطهر این مرد بزرگ شاد باد و با انبیاء و اولیاء محشور باد - **راز قضیه** را فهمید که باید چه کار بکند؛ خدا به او الهام کرد، او را هدایت کرد، مردم را آورد وسط میدان و نام خدا را سردست گرفت و حرکت کرد. در جنگ هشت ساله ما پیروز شدیم؛ در همه‌ی موارد دیگری که مردم آمدند و خدای متعال بر زبان و دل مردم حاکم بود و کار کار جهادی بود، ما پیروز شدیم؛ این هم یک واقعیتی است.»

**بیانات در دیدار کشاورزان، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴:** «ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته‌ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است. جوانان جهاد سازندگی آن روزی کارهای بزرگ را در این کشور شروع کردند که حتی آن کسانی که جلوی چشم‌شان این کارهای بزرگ انجام می‌گرفت، باور نمی‌کردند که جوان ایرانی قادر به این کارهاست. در دوران رژیم طاغوت، گندم را از امریکا می‌خریدند و سیلو را روس‌ها برایشان می‌ساختند؛ آنها سیلو را هم نمی‌توانستند بسازند! باید روس‌ها می‌آمدند؛ این صنعت در ایران نبود. در سال‌های اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند امام دستور داده‌اند مردم گندم بکارند؛ خوب، گندم سیلو لازم دارد؛ **در خانه‌ی چه کسی برویم، جز در خانه‌ی همت و ابتکار خودمان؛** شروع کردند. افرادی می‌دیدند که این سیلو بالا می‌رود - البته در روز اول، با ظرفیت کم - اما باور نمی‌کردند! و امروز کشور ما یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیاست؛ به برکت همین جوان‌ها. کار جهادی، این است. در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه‌ی جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم. **روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «ما می‌توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت و جودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها.** الان در همین بخش انرژی هسته‌یی که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آن جا مشغول کار هستند، جوان‌های تحصیلکرده‌اند؛ صدها جوان کم‌سال و تحصیلکرده، این چرخ را می‌چرخانند و این عزت را برای کشور پدید آورده‌اند. در همه‌ی بخش‌ها همین‌طور است. به نیروهای بااستعداد، چه از جوان‌ها باشند و چه از انسان‌های با تجربه، اعتماد کنند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است.»

**۴۳. بیانات در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰:** «می‌خواستند کارهایی بکنند، شعارهای امام را به موزه بسپزند؛ صریحاً می‌گفتند که اینها کهنه شده! نه، **شعارهای انقلاب کهنه شدنی نیست؛** همیشه تازه است، همیشه برای آحاد مردم جذاب است. شعاری که به نفع مستضعفین است، شعاری که به نفع عزت ملی است، شعاری که در آن مقاومت و ایستادگی است، این شعارها هیچ وقت کهنه نمیشود؛ برای هیچ ملتی کهنه نمیشود، برای نظام ما هم کهنه نخواهد شد.»

و غفلت از جریان انقلابی<sup>۴۴</sup> در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود - که متأسفانه بود و خسارت‌بار هم بود - بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالشهای مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا<sup>۴۵</sup> از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان

---

۴۴. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۰۱/۰۱: «دستگاه‌های دولتی، آنهایی که مربوط به فرهنگند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزشهای اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچه‌مسلمان‌ها، به روی جوان‌های مؤمن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌اللهی باز کنند؛ اینها می‌توانند کار کنند و دارند کار می‌کنند؛ کارهای فرهنگی باارزشی دارد انجام می‌گیرد. در همه‌ی زمینه‌ها جوانان انقلابی ما میتوانند تلاش کنند، کار کنند. جوانان عزیز! کشور مال شما است، فردا مال شما است، امروز هم مال شما است؛ بدانید شما اگر در میدان باشید، شما اگر با ایمان به خدا و توکل به خدا حرکت کنید، شما اگر باور به خود داشته باشید، آمریکا و بزرگ‌تر از آمریکا هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.»

۴۵. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴/۰۵/۲۶: «امروز به نظر ما مصداق مجاهدت که در مقابل ما مسلمانها، ما پیروان اهل بیت قرار دارد، عبارت است از مبارزه‌ی با نقشه‌های استکبار در منطقه‌ی اسلامی؛ امروز بزرگ‌ترین مجاهدت این است. با نقشه‌های استکبار باید مبارزه کرد. این نقشه‌ها را باید اول شناخت، اول باید دست دشمن را بخوانیم، بدانیم چه کار میخواهد بکند؛ بعد بنشینیم برنامه‌ریزی کنیم و با اهداف دشمن مبارزه کنیم. فقط هم حالت دفاع و انفعال نیست. مبارزه اعم است از دفاع و هجوم ... این منطقه‌ای که اروپایی‌ها اصرار دارند اسم آن را بگذارند خاورمیانه؛ یعنی خاور را، شرق را به نسبت اروپا می‌سنجند. یک جا شرق دور است، یک جا شرق میانه است، یک جا شرق نزدیک است؛ این تکبر اروپایی‌ها [را ببینید!] از اول اینجا شده «خاورمیانه»؛ اسم خاورمیانه غلط است؛ اینجا غرب آسیا است. آسیا یک قاره‌ی بزرگی است، ما در غرب آسیا قرار داریم. این منطقه، منطقه‌ی بسیار حساسی است؛ منطقه‌ای است از لحاظ راهبردی مهم، از لحاظ نظامی مهم، از لحاظ منابع زیرزمینی مهم، از لحاظ ارتباط بین سه قاره - آسیا و اروپا و آفریقا - مهم. منطقه‌ی مهمی است. روی این منطقه برنامه دارند، نقشه دارند؛ باید این نقشه‌ها را ببینیم چیست و با این مقابله کنیم؛ این شد مجاهدت. قرآن به ما میگوید: جاهدوا فی الله حق جهاد؛ جهاد فی الله، امروز این است...»

نقشه‌ی این دشمن در این منطقه عمدتاً بر دو پایه استوار است - البته شعب زیادی دارد لکن عمده این دوتا است - یکی عبارت است از ایجاد اختلاف، دومی عبارت است از نفوذ. این، اساس نقشه‌ی دشمن در این منطقه است:

۱. ایجاد اختلاف: اختلاف بین دولتها و بعد اختلاف بین ملتها، که خطرناک‌تر از اختلاف دولتها، اختلاف ملتها است؛ یعنی دل‌های ملتها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند و عصبیت بیافرینند؛ با نامهای مختلف؛ حالا یک وقت مسئله‌ی پان‌ایرانیسم و پان‌عربیسم و

فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت<sup>۴۶</sup> در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او

پان‌ترکیسم و این حرفها بود، یک روز هم مسئله‌ی سنّی و شیعه و تکفیر و مانند اینها است؛ به هر عنوانی که بتوانند، ایجاد اختلاف کنند. این یک قلم از کارهای اینها است که به‌شدّت دارند روی این کار میکنند. البتّه متخصصّ این کار انگلیس‌ها بودند؛ آنها در ایجاد اختلاف مذهبی تخصصّ دارند و آمریکایی‌ها هم از آنها یاد گرفتند و با همه‌ی وجود، امروز دارند کار میکنند. این گروه‌های تکفیری که مشاهده میکنید، همه ساخته‌ی دست اینها هستند. ما این را البتّه از چند سال پیش گفتیم، بعضی‌ها تردید داشتند...

۲. نقشه‌ی دوّم دشمن نفوذ است: **میخواهند در کشورهای اسلامی و در کشورهای این منطقه، یک نفوذی به‌وجود بیاورند که تا ده‌ها سال ادامه داشته باشد.** امروز آمریکا آبروی گذشته را در این منطقه ندارد؛ میخواهند این را بازسازی کنند. در کشور ما هم قصدشان همین است؛ در ایران هم نیتشان این است...

ما از مقاومت در منطقه دفاع میکنیم؛ از مقاومت فلسطین - که یکی از برجسته‌ترین فصول تاریخ امت اسلامی، در طول این سالها مقاومت فلسطین است - دفاع میکنیم. هر کسی با اسرائیل مبارزه کند و رژیم صهیونیستی را بکوبد و مقاومت را تأیید کند، ما از او حمایت میکنیم؛ انواع حمایتهایی که برای ما ممکن باشد؛ همه‌جور حمایتی که برای ما ممکن است، از هر کسی که با رژیم صهیونیستی مقابله کند، خواهیم کرد. از مقاومت حمایت میکنیم، از تمامیت ارضی کشورها حمایت میکنیم؛ از همه‌ی کسانی که در مقابله‌ی با سیاستهای تفرقه‌افکنانه‌ی آمریکا ایستادگی میکنند حمایت میکنیم؛ با همه‌ی کسانی که این تفرقه‌افکنی را به‌وجود می‌آورند طرفیم و مقابلیم. **ما تشیعی را که مرکز و پایگاه تبلیغاتش لندن است قبول نداریم؛ این تشیعی نیست که ائمّه (علیهم‌السّلام) آن را ترویج کردند و آن را خواستند.** تشیعی که بر پایه‌ی ایجاد اختلاف، بر پایه‌ی تمهید و صاف کردن جاده برای حضور دشمنهای اسلام است، این تشیع، تشیع نیست؛ این انحراف است. تشیع مظهر تامّ اسلام ناب است، مظهر قرآن است. ما از کسانی که کمک به وحدت میکنند حمایت میکنیم، با کسانی که ضدّ وحدت عمل میکنند مخالفت میکنیم، از همه‌ی مظلومان دفاع میکنیم.»

۴۶. **بیانات در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۲۵ / ۰۱ / ۱۳۸۵:** « ما حق داریم و می‌توانیم تحقیر و تکبر دولت‌های سلطه‌گر را به خودشان برگردانیم؛ این احساس صادق ملت‌های ما و نسل کنونی دنیای اسلام از شرق آسیا تا قلب آفریقا است و این، میدان جهادی پیچیده و متنوع و دشوار و بلندمدت است، و اگر فلسطین را پرچم این جهاد بنامیم، سخنی به‌گزار نگفته‌ایم. امروز همه‌ی دنیای اسلام باید قضیه‌ی فلسطین را قضیه‌ی خود بداند؛ این، کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید.»

**بیانات در دیدار اجلاس جهانی زنان و بیداری اسلامی، ۲۱ / ۰۴ / ۱۳۹۱:** « ما به توفیق الهی، در کنار ملت فلسطین ایستادیم، در کنار ملت‌های انقلاب‌کرده‌ی مسلمان ایستادیم، در کنار مردم مظلوم بحرین ایستادیم، در کنار همه‌ی کسانی که در مواجهه‌ی با آمریکا و صهیونیسم قرار دارند، ما ایستادیم و از آنها دفاع می‌کنیم و در این مورد از هیچ کس و هیچ قدرتی ملاحظه نمی‌کنیم.»

**بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۰۴ / ۰۲ / ۱۳۸۰:** « حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیانش از ارکان اصلی سیاستهای راهبردی جمهوری اسلامی ایران است.»

**بیانات در خطبه نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۹۰:** « هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش میکنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم.»



جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب میبیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، **باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت<sup>۴۷</sup> دهند.**

پیام تبریک رهبر معظم انقلاب اسلامی به حجت الاسلام و المسلمین سید حسن نصر الله به مناسبت پیروزی مقاومت اسلامی، ۱۳۸۵/۱۰/۵: «آنچه شما (حزب الله لبنان) با جهاد و مقاومت بی‌نظیر خود به امت اسلامی هدیه کرده‌اید از حد توصیف این جانب بالاتر است. جهاد دلاورانه و مظلومانه‌ی شما که نصرت الهی را به شما ارزانی داشت، بار دیگر ثابت کرد که سلاح‌های مدرن و مرگبار در برابر ایمان و صبر و اخلاص، ناکارآمد است و ملتی که ایمان و جهاد دارد مغلوب سیطره‌ی قدرتهای ستمگر نمیشود. پیروزی شما پیروزی اسلام بود. شما توانستید به حول و قوه‌ی الهی ثابت کنید که برتری نظامی، به ابزار و سلاح و هواپیما و ناو و تانک نیست، به قدرت ایمان و جهاد و فداکاری همراه با عقل و تدبیر است. شما برتری نظامی خود را بر رژیم صهیونیستی تحمیل کردید؛ تفوق معنوی خود را در ابعاد منطقه‌ی و جهانی تثبیت نمودید؛ افسانه‌ی شکست‌ناپذیری و هیبت دروغین ارتش صهیونیست را به سخره گرفتید؛ و آسیب‌پذیری رژیم غاصب را به نمایش گذاشتید. شما به ملت‌های عرب، عزت بخشیدید و توانائیهای آنان را که دهها سال بوسیله‌ی تبلیغات و سیاست‌های استکباری، انکار شده بود، در صحنه‌ی عمل به همه نشان دادید.»

۴۷. کتاب بصیرت و استقامت، نشر صهبا، ویرایش دوم، ص ۸۷، ۱۳۷۶/۱۲/۱۴: «تا وقتی در این مملکت، یک عده - نمی‌گوییم خیلی زیاد - انسان مومن وجود دارند که حاضرند جانشان را بر سر این کار بگذارند، این بنا محکم ایستاده است! من بخش مهمی از همتم این است که این ستون‌های محکمی را که زیر این خیمه قرار دارند موربانه نخورد. من مرتب به مراعات زهد و مثل آن توصیه می‌کنیم «به دنیا آلوده نشویم» و اینها را به شما می‌گویم. این از جهت این است که قضیه مهم است. بحث این است که ما خیمه‌ای داریم که با ستون‌های برافراشته است اگر خدایی نکرده موربانه در این ستون‌ها افتاد دیگر آن را نمی‌شود کاری کرد. اگر میخ‌ها کنده شوند مهم نیست. گوشه‌ای از بدنه خیمه جر بخور می‌دوزیمش مهم نیست. اما ستون‌ها، ان پایه‌های محکمی که این بنا را روی دوش خودشان گرفته‌اند نباید بلرزد. لزومی ندارد وجه بد قضا یا زیاد بی‌بند و مبالغه کنید؛ نه، بحمد الله پایه انقلاب بسیار مستحکم است.»

دیدار با اқشار نمونه بسیج، ۱۳۹۰/۰۹/۰۶: «بسیج سیاسی است، اما سیاست‌زده نیست، سیاسی‌کار نیست، جناحی نیست؛ بسیج مجاهد است، اما بی‌انضباط نیست، افراطی نیست؛ بسیج عمیقاً متدین و متعبد است، اما متحجر نیست، خرافی نیست؛ بسیج

بابصیرت است، اما از خودراضی نیست؛ بسیج اهل جذب است - گفته‌ایم جذب حداکثری - اما اهل تسامح در اصول نیست؛ بسیج غیور است، پاسدار خطوط فاصل است؛ بسیج طرفدار علم است، اما علم‌زده‌نیست؛ بسیج متخلق به اخلاق اسلامی است، اما ریاکار نیست؛ بسیج در کار آباد کردن دنیاست، اما خود اهل دنیا نیست. این شد یک فرهنگ.»

۴۸. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۰۶/۳۰: «شرط دوام حیات جمهوری اسلامی وجود

انگیزه‌های انقلابی و وجود روحیه‌ی انقلابی است. اگر روحیه‌ی انقلابی نباشد، جمهوری اسلامی نخواهد بود؛ بله، یک حکومتی سر کار خواهد بود، اما آن حکومت، دیگر جمهوری اسلامی نیست. این حرکت مردم، این خونهایی که دادند، این زحماتی که کشیدند برای احیاء اسلام، برای احیاء شریعت اسلامی، برای این بوده؛ اینها از بین خواهد رفت، لگدمال خواهد شد. بنابراین، انگیزه‌ی انقلابی برای حفظ جمهوری اسلامی حتماً لازم است. این انگیزه در چه وضعی است؛ آیا کم شده، آیا زیاد شده، آیا ادامه پیدا کرده، چه مقابله‌ها و مبارزه‌هایی با این انگیزه انجام میگیرد، راه مقابله‌ی با آنها چیست؛ و بر اساس آن، مطالبه تنظیم کنیم. فرض بفرمایید بنده که در صحبت‌های مختلف مدام میگویم که به بچه‌های انقلابی و حزب‌اللهی کمک کنید، معنایش همین است؛ یعنی این یک مطالبه است بر اساس نگاه به حرکت انقلابی کشور. و با نشناختن ضابطه و قانون نباید اشتباه کرد...»

بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)؛ ۱۳۹۵/۰۳/۱۴: «برای انقلابی بودن شاخصهایی وجود

دارد. من پنج شاخص را در اینجا ذکر میکنم. البته بیش از اینها می‌شود خصوصیات را گفت لکن من فعلاً پنج شاخص برای انقلابیگری ذکر میکنم که ما باید سعی کنیم در خودمان این پنج شاخص را ایجاد کنیم و حفظ کنیم، هر جا هستیم؛ یکی در کار هنر است، یکی در کار صنعت است، یکی در کار فعالیت سیاسی است، یکی در کار فعالیت علمی است، یکی در کار فعالیت اقتصادی و بازرگانی است؛ فرقی نمی‌کند؛ این شاخصها در همه‌ی افراد ما ملت ایران میتواند وجود داشته باشد. پنج شاخص که اینها را شرح خواهم داد [عبارتند از]: شاخص اول، پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی انقلاب؛ شاخص دوم، هدفگیری آرمانهای انقلاب و همّت بلند برای رسیدن به آنها که آرمانهای انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همّت برای رسیدن به آنها داشته باشیم؛ شاخص سوم، پایبندی به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛ شاخص چهارم، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه‌ی دشمن و عدم تبعیت از او، که البته باید دشمن را شناخت، نقشه‌ی او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد - عرض کردیم که قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است؛ من این چند وقت دو سه بار در این باره صحبت کردم - شاخص پنجم، تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است. این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است؛ حالا درجات انقلابی بودن، همان‌طور که عرض کردیم، مختلف است.»

بیانات در مراسم سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۶/۰۳/۱۴: «می‌شنوم گاهی اوقات بعضی در مقابل شعارهای انقلاب، عنوان و مفهوم عقلانیت را مطرح میکنند؛ کانه عقلانیت نقطه‌ی مقابل انقلابیگری است؛ نه، این خطا است؛ عقلانیت واقعی هم در انقلابیگری است. نگاه انقلابی است که میتواند حقایق را به ما نشان بدهد. .... انقلابیگری یعنی مسئولین کشور، هدفشان را راضی کردن قدرتهای مستکبر قرار ندهند؛ مسئولان کشور، هدفشان را راضی کردن مردم، به کار گرفتن نیروهای داخلی، تقویت عناصر فعال در داخل کشور قرار ندهند؛ این انقلابیگری است. معنای انقلابیگری این است که کشور و مسئولان، تسلیم هیچ زورگویی‌ای نشوند، دچار انفعال نشوند، دچار ضعف نفس نشوند؛ نه زورگویی و قلدری را از طرف مقابل قبول کنند، نه فریب او را

و **عمل جهادی**<sup>۴۹</sup> را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

## [ظرفیت‌های تحقق گام دوم انقلاب]

نکته‌ی مهمّی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همّت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت

---

بخورند - چون قدرتها با وجود اینکه زورگویند و قلدرند و دستشان پُر از اسلحه است، از فریب هم دریغ نمیکنند؛ آنجایی که ممکن باشد، اهل خدعه و فریب و دُور زدن و این حرف‌ها هم هستند - اینها معنای انقلابیگری است.»

۴۹. **بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶: « کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمانها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است ما هر جایی که به خدا تکیه کردیم، به نیروی مردم تکیه کردیم و حاضر به حرکت جهادی شدیم، پیروز شدیم؛ نگاه کنید شما از اول انقلاب تا حالا، هر جا ما مردم را آوردیم وسط کار، به نام خدا شروع کردیم و حرکتیمان حرکت جهادی بود، ما در آنجا پیروز شدیم. در خود اصل انقلاب این اتفاق افتاد، مردم آمدند، مردم خیابانها را پر کردند، قشرهای مختلف مردم آمدند وسط میدان، و حرکت حرکت جهادی بود. در دفاع هشت ساله - هشت سال جنگ شوخی نیست؛ هشت سال جنگ را بر این مملکت تحمیل کردند - مردم آمدند وسط کار. امام (رضوان الله تعالی علیه) - که روح مطهر این مرد بزرگ شاد باد و با انبیاء و اولیاء محشور باد - راز قضیه را فهمید که باید چه کار بکند؛ خدا به او الهام کرد، او را هدایت کرد، مردم را آورد وسط میدان و نام خدا را سردست گرفت و حرکت کرد. در جنگ هشت ساله ما پیروز شدیم؛ در همه‌ی موارد دیگری که مردم آمدند و خدای متعال بر زبان و دل مردم حاکم بود و کار کار جهادی بود، ما پیروز شدیم؛ این هم یک واقعیتی است.»**

**بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مینا در آستانه روز کارگر، ۱۳۹۳/۰۲/۱۰: « عزم ملی و مدیریت جهادی در سال نود و سه به‌عنوان شعار مطرح می‌شود، اما این چیزی نیست که مربوط به سال نود و سه باشد؛ این هویت ما است، این حیثیت ما است، این آینده‌ی ما است، این ترسیم‌کننده‌ی سرنوشت ما است. اگر عزم ملی بود، اگر مدیریت جهادی بود، اقتصاد هم پیشرفت می‌کند، فرهنگ هم پیشرفت می‌کند.»**

**بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱: « جهاد مداوم که نیاز یک کشور و یک امت و یک تاریخ است.....، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفت‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدتِ دائم شده است. مجاهدتِ دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها می‌شود کفران نعمت الهی؛ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ»؛ این نباید بشود.»**

مادّی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند. مهم ترین ظرفیت امیدبخش کشور؛ نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال<sup>۵۱</sup> که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است.

۵۰. مقام معظم رهبری در بیاناتشان علاوه بر ظرفیت های کشور به ظرفیت های جهان اسلام ، قاره آسیا - خصوصا غرب آسیا - ، کشور های مستقل و مستضعفین نیز پرداخته اند که در ادامه به چند نمونه از این بیانات اشاره می کنیم:

الف) ظرفیت منطقه ای:

بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴/۰۵/۲۶: «این منطقه‌ای که اروپایی‌ها اصرار دارند اسم آن را بگذارند خاورمیانه؛ یعنی خاور را، شرق را به نسبت اروپا میسجند. یک جا شرق دور است، یک جا شرق میانه است، یک جا شرق نزدیک است؛ این تکبر اروپایی‌ها [را ببینید!] از اول اینجا شده «خاورمیانه»؛ اسم خاورمیانه غلط است؛ اینجا غرب آسیا است. آسیا یک قاره‌ی بزرگی است، ما در غرب آسیا قرار داریم. این منطقه، منطقه‌ی بسیار حساسی است؛ منطقه‌ای است از لحاظ راهبردی مهم، از لحاظ نظامی مهم، از لحاظ منابع زیرزمینی مهم، از لحاظ ارتباط بین سه قاره- آسیا و اروپا و آفریقا- مهم. منطقه‌ی مهمی است. روی این منطقه برنامه دارند، نقشه دارند؛ باید این نقشه‌ها را ببینیم چیست و با این مقابله کنیم.»

ب) ظرفیت جهان اسلام:

بیانات در دیدار با اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه‌ی اسلامی، ۱۳۸۳/۶/۲۵: «دنایای اسلام دنیای بزرگی است و دارای امکانات و ظرفیتهای فراوانی است: ما بیش از یک میلیارد جمعیت هستیم؛ نزدیک به نیمی از ذخایر نفت دنیا متعلق به دنیای اسلام است؛ در حدود بیست و پنج درصد ذخایر گاز دنیا متعلق به دنیای اسلام است؛ نیروی انسانی مستعد در دنیای اسلام فراوان است؛ منابع غنی زیرزمینی- غیر از منابع انرژی- در دنیای اسلام متنوع و فراوان است و نسبت بعضی از آنها به کلّ منابع دنیا تعیین‌کننده و بالاست؛ بخش مهمی از آبراه‌های اساسی و تعیین‌کننده‌ی کره‌ی زمین هم متعلق به دنیای اسلام است؛ بازار دنیای اسلام یکی از بزرگترین بازارهای دنیاست؛ این‌ها همه ظرفیتهای ماست. دنیای اسلام این ظرفیت را دارد که در صنعت، کشاورزی، تولید علم و در رشد و توسعه‌ی عمومی جهان نقش ایفا کند.

بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسؤلان برگزارکننده مراسم دهه فجر، ۱۳۸۰/۱۱/۰۳: «بعضی خیال می‌کنند حمایت از مردم فلسطین، خارج از منافع ملی کشورهاست. این اشتباه بسیار بزرگی است. وقتی یک ملت مسلمان به ملت‌های دیگر متکی نباشد و از طرف آنها حمایت نشود، این‌گونه راحت در معرض تطلو دشمن قرار می‌گیرد. اگر دنیای اسلام متحد بود، یک ملت این‌طور مظلوم نمی‌شد. این قضیه ممکن است برای ملت‌های مسلمان دیگر هم پیش بیاید؛ کماینکه دیدید در مواردی برای ملت‌ها پیش آمده است. همبستگی اسلامی، برای دشمنان جهان اسلام و دشمنان ملت‌های این منطقه و غارتگران بین‌المللی، کار را مشکل می‌کند و اجازه نمی‌دهد آنها طبق میل خود، هرطور خواستند و انتخاب کردند و مصلحت دیدند، به یک کشور و ملت اسلامی تعرّض کنند. پس حمایت عمومی دنیای اسلام از ملت فلسطین، در حقیقت حمایت دنیای اسلام از یک‌یک کشورهای مسلمان است؛ این ضامن و حامل منفعت همه‌ی آنهاست؛ این چیز کمی نیست. حج، این معرفت و وحدت و عزم و تصمیم را به آنها می‌دهد. بنابراین مسئله حج و استفاده از همه ظرفیتهای این واجب عظیم الهی، برای بهبود حال مسلمین جهان و همه کشورهای اسلامی، بسیار مهم است. هرچه بتوان در این زمینه، کار و تلاش و خدمت کرد، بارزش است.»

ج) ظرفیت های جهانی:

مقام معظم رهبری در دیدار با کشورهایمانند روسیه، ونزوئلا، غنا، برزیل، آفریقا جنوبی به ظرفیت کشورهای مستقل اشاره کرده اند من جمله: **بیانات در دیدار سران کشور ونزوئلا، ۱۳۹۴/۰۹/۰۲**: «امروز سیاست های استکباری همچون بلای بزرگ به جان بشریت افتاده اند و تنها راه پیشرفت و پیروزی کشورهای مستقل ایستادگی و تکیه بر توده های مردم در جنگ اراده هاست.»

۵۱. **گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته ی جوان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷**: «من اساساً در بین این خصوصیات مهمی که جوانان دارند، سه خصوصیت را خیلی بارز می بینم، که اگر آن ها مشخص گردد، و اگر آن ها به سمت درستی هدایت شود، به نظر می آید که می شود به این سؤال شما پاسخ داد. آن سه خصوصیت عبارت است از: انرژی، امید، ابتکار. این ها سه خصوصیت برجسته در جوان است. اگر واقعاً رسانه ها در کمک های فرهنگی که به ما می کنند چه گویندگان مذهبی، چه گویندگان مسائل فکری و فرهنگی، چه صدا و سیما و چه مدرسه ها بتوانند این سه خصوصیت عمده را درست هدایت کنند، من خیال می کنم که خیلی راحت می شود یک جوان راه اسلامی را پیدا کند؛ چون اسلام هم چیزی که از ما می خواهد این است که ما استعداد های خودمان را به فعلیت برسانیم.»

**بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۰۸/۱۰**: «جوانان در هر برهه ای از تاریخ کشورها و ملت ها، می توانند یکی از مهم ترین مراکز سعادت یک ملت باشند. علت هم این است که جوان از طهارت فطری برخوردار است. جوان، پاک و نالوده است. آلودگی هایی که در طول زندگی به سراغ انسانها می آید و زنجیرهایی بر دست و پای روح آنان می بندد و آنان را از حرکت و عروج و تکامل بازمی دارد، در مورد جوانان یا وجود ندارد و یا بسیار کم است. جوان، مہبط لطف پروردگار است و در بسیاری موارد دل او محلّ جلوه ی عنایات ویژه ی الهی است. جوانان باید قدر این موهبت را بدانند. صفایی که می تواند روح انسان به دست بیاورد و با آن از لایه های گرفتاری مادی و آلودگیها و پلیدیها عبور کند و دامن خود را پاک نگه دارد، در جوانان بیش از همه ی انسان هاست.»

**بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹**: نسل جوان در هر جامعه، موتور حرکت تحولات اجتماعی و تحولات سیاسی است؛ به خصوص جوان دانشجو؛ طبیعتش این است.»

**بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵**: «جمعیت جوان و با استعداد ما، یک فرصت دیگر است. مایه ی تأسف است که بعضیها از کثرت افراد جوان در کشور ما به عنوان یک نعمت یاد نمی کنند؛ در حالی که این بزرگترین سرمایه است. این همه جوان تشنه ی کار و فعالیت، چیز بسیار باارزشی است.»

**سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵**: «جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگرانند و دست آنها کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انبیای الهی هم از جمله حرکت صدر اسلام محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند. آن کشورهایی که جوان کم دارند کمالینکه بعضی از کشورها امروز به خاطر بعضی از سیاستهای تنظیم نسل و خانواده و از این حرفها، دچار کمبود نسل جوان هستند و لو در علم و تکنولوژی و ترقیات جلو باشند، کارشان لنگ است؛ مجبورند از کشورهای دیگر جوان قرض بگیرند! جوان و جوانی، یکی از درخشندگی های آفرینش الهی است. دشمنان جوامع از جمله جوامع اسلامی این نکته را خوب تشخیص داده اند و بخصوص روی آن انگشت گذاشته اند. این مربوط به امروز نیست؛ از یک قرن پیش تاکنون این گونه بوده است.»

**بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷**: «یک لشکری از جوانهای مؤمن و انقلابی لازم است که وارد میدان بشوند، مطالبه کنند آرمانها را و خودشان کمک کنند به تحقق این آرمانها که البته اینکه حالا چه جوری کمک کنند، جای بحث دارد؛ حالا شاید من اگر به آن بخش دوم رسیدم، میتوانیم راجع به این هم نکاتی را عرض بکنیم.»

۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، **انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده<sup>۵۲</sup>** و **آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند**، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که **هیچ اندوخته‌ی مادی<sup>۵۳</sup> با آن مقایسه نمی‌تواند شد.**

---

**بیانات در مراسم رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۹۶/۰۳/۱۴:** «امروز هم جوان ما آماده است برای اینکه در راه‌های بزرگ، در کارهای بزرگ سینه سپر کند، وارد بشود، وارد میدان بشود؛ من عرض میکنم ما در داخل کشور میلیون‌ها جوان داریم که اگر تجربه‌ای مثل تجربه‌ی سالهای ۶۰ برای کشور پیش بیاید، قطعاً اینها با کمال قدرت، با کمال عزت نفس، با کمال دلاوری و عزم وارد میدان میشوند و کشور را حفظ می‌کنند و نگه میدارند.»

۵۲. **خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴:** «یکی دیگر از نقاط قوت ما در این مدت، انتقال ارزشهای انقلاب به نسل دوم و سوم بود. امروز شما جوانها را نگاه می‌کنید، می‌بینید این ارزشها را دریافت کرده‌اند. همین شهید عزیز اخیر ما، مصطفی احمدی‌روشن - شهیدی که شهادتش دل ما را سوزاند - یا آن شهید جوان قبلی، شهید رضائی‌نژاد، که اوائل امسال به شهادت رسید، اینها دو تا جوان، دانشمند، سی و دو سه ساله بودند؛ امام را درک نکردند، جنگ را درک نکردند، دوران انقلاب را درک نکردند، اما اینجور با شجاعت، با شهامت درس می‌خوانند، تحصیلات می‌کنند، مقامات عالی را طی می‌کنند؛ می‌دانند و می‌فهمند هم که مورد تهدیدند، اما می‌روند؛ این خیلی مهم است، این ارزش است؛ این ارزشهای انقلاب است در نسل سوم. احمدی‌روشن و رضائی‌نژاد و امثال اینها نسل سوم انقلابند. همین حرکت عظیم این جوانها که بعد از شهادت احمدی‌روشن اعلام کردند ما حاضریم بیائیم کار کنیم، خیلی مهم است؛ اینها را نباید دست کم گرفت. یکی از نقاط قوت و مثبت ما همین است که این ارزشها به نسلهای دوم و سوم منتقل شد.»

۵۳. **بیانات در دیدار خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۶:** «مهم‌ترین نقطه‌ی قوت ما در قیام جمهوری اسلامی، نقطه‌ی قوت انسانی بود. ما که نه سلاح داشتیم، نه پول داشتیم، نه سازماندهی داشتیم، نه حزب داشتیم و نه پشتیبانی جهانی؛ ما ملت ایران در همه‌ی کشورهای دنیا یک نقطه را نداشتیم که از قیام، انقلاب و حرکت ما حمایت و دفاع کنند. آنچه این ملت را پیروز کرد، قدرت نیروی انسانی بود؛ یعنی آگاهی و ایستادگی؛ همان که امیر المؤمنین در جنگ صفین فرمود: «الا لا يحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر»؛ بصر یعنی بصیرت و آگاهی؛ صبر یعنی پایداری؛ فقط اینها هستند که می‌توانند این علم را در دست بگیرند و پیش ببرند.»

**بیانات در اجتماع بزرگ مردم همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۵:** «دشمنان ما بیش از آنکه به منابع طبیعی ما چشم طمع داشته باشند، به منابع انسانی - که منابع قدرت ما هستند - چشم طمع دارند. آنها می‌دانند اگر این سرمایه‌های اجتماعی از دست یک ملت گرفته شود، اگر یک ملت غیرت ملی و ایمان و وحدت و همبستگی خود را از دست بدهد، اگر نشاط کار و ابتکار را از دست بدهد، اگر حرکت علمی رو به پیشرفت خود را از دست بدهد، کاملاً در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت؛ می‌توانند راحت به او زور بگویند، می‌توانند بر او سلطه پیدا کنند، می‌توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت کنند. آنچه سد مستحکمی در مقابل دشمنان قرار می‌دهد، همین سرمایه‌های معنوی است که باید مراقب باشیم دچار شبیخون نشود.»

به جز اینها، فرصتهای مادّی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل میدهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند میتوانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارایی‌اعتمادبه‌نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخشهایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است.

گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده‌نشده<sup>۴</sup> طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اوّل جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پُر تلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوم چشم‌انداز<sup>۵</sup> باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.

---

بیانات در دیدار مدال‌آوران المپیک و پارالمپیک ۱۳۹۱/۱۲/۲۱: «نیروی انسانی سالم، برای کشور اهمیت درجه‌ی یک دارد؛ چون پیشرفت یک کشور، با نیروی انسانی است. منابع و معادن و استعدادهای زیرزمینی و ثروتهای طبیعی، چیزهای بسیار خوبی است؛ اما اگر نیروی انسانی نباشد، استعداد در آن کشور نباشد، همان چیزی خواهد شد که امروز در بعضی از کشورهای دارای این منابع طبیعی مشاهده می‌کنید؛ دیگران می‌آیند استفاده می‌کنند و اینها را بیشتر به تن‌پروری سوق می‌دهند. استعداد انسانی باید پرورش پیدا کند تا استعدادهای طبیعی حقیقتاً در خدمت جامعه قرار گیرد. پس نیروی انسانی شد مهمترین عامل.»

۵۴. بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱: «ظرفیتهای بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیتهای یا استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است؛ از این ظرفیتهای استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایه‌ی خود و ماده‌ی خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد. این یک نگاه است که می‌گویید برای رونق اقتصادی نگاه کنیم به امکانات درونی کشور و استعدادهای آنها را بشناسیم، آنها را به‌درستی به کار بگیریم، [آن وقت] اقتصاد رشد خواهد کرد، نمو خواهد کرد؛ این یک نگاه.»

بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۴/۰۴/۰۲: «ظرفیت دیگر، جایگاه اقتصادی کشور ما است. طبق آمارهای رسمی جهانی، رتبه‌ی بیستم در اقتصاد دنیا متعلق به جمهوری اسلامی است؛ ما در رتبه‌ی بیستم قرار داریم و ظرفیت لازم برای رسیدن به رتبه‌ی دوازدهم را هم داریم؛ چون هنوز ظرفیتهای استفاده نشده در کشور زیاد است؛ منابع طبیعی داریم، نفت داریم، در نفت و گاز، رتبه‌ی اوّل جهانیم؛ مجموع نفت و گاز ما از همه‌ی کشورهای جهان بیشتر است؛ معادن فراوان دیگری هم داریم.»

۵۵. پیام نوروزی به مناسبت حلول سال، ۱۳۸۴/۰۱/۰۱: «بنابراین امسال، سال دو آغاز بسیار مهم است: هم مسأله‌ی انتخابات و هم شروع سند چشم‌انداز بیست ساله. آنچه اهمیت دارد، این است که مسؤولان به وظایف خود با چشم مسؤولانه نگاه کنند و قوای سه‌گانه آنچه را که سند چشم‌انداز بیست ساله بر عهده‌ی آنها گذاشته است، بار مسؤولیت عظیمی برای آینده‌ی کشور بدانند. اگر چه

## [توصیه‌های راهبردی گام دوم انقلاب]

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی<sup>۵۶</sup> توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت

مسئولیتها در دوران بیست ساله، دوره‌های کوتاه مدت و چهارساله است، لیکن هر کدام از این حلقه‌های چهار ساله، تشکیل دهنده‌ی زنجیره‌ی بسیار مهم و تعیین کننده‌ی سرنوشت کشور در بیست سال آینده خواهد بود.»

۵۶. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷: «... آرمان‌های بزرگ را ذکر می‌کنم؛ البته فقط اینها نیست: یکی، عزت ملی است؛ این یکی از آرمانهای انقلاب است؛ این خیلی مهم است! عزت ملی یعنی احساس افتخار ملی که این احساس افتخار، ناشی از واقعیات باشد، ناشی از یک واقعیاتی در متن جامعه و بر روی زمین، و نه متکی بر توهمات و تصورات؛ و آلا گاهی اوقات احساس افتخار به حکومت کیان و هخامنشیان و مانند اینها هم بود؛ اینها تصورات واهی و توهم است، افتخار آفرین نیست. عزت ملی یعنی احساس افتخار، متکی به واقعیت؛ این خیلی مهم است. این عزت ملی از جمله‌ی چیزهایی است که اگر چنانچه در یک کشوری از بین رفت و نابود شد، هویت آن ملت نابود میشود؛ دیگر هیچ چیز گیر آن ملت نخواهد آمد.

دوم، اعتماد به نفس ملی؛ که بنده روی این اعتماد به نفس ملی مفصلاً بحث کرده‌ام - در سالهای گذشته، در مجامع بزرگ - که این اعتماد به نفس ملی، راه وابستگی را میبندد. اگر این اعتماد به نفس وجود داشت، ملت احساس نمیکند که به وابستگی نیاز دارد، بلکه از وابستگی به دیگران میگریزد.

[سوم] استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی؛ این یکی از آرمانها است [برای] یک ملت؛ که اگر چنانچه این وجود داشت - یعنی استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی که هر کدام یک فصل طولانی‌ای دارد - آن ملت مجبور نمیشود که زورگویی و تحمیل را از زورگویان و زیاده‌خواهان عالم تحمل کند. یکی از آرزوها استقلال است.

[چهارم] آزادی؛ آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی عمل... آزادی از جمله‌ی مقولاتی است که حتماً به قانون، به چهارچوب احتیاج دارد. چون طبیعت آزادی این است که اگر قانون و چهارچوب وجود نداشته باشد، از حد تجاوز خواهد کرد، به تعدی و به ولنگاری و به جاهای بدی خواهد انجامید که امروز شما نمونه‌هایش را در غرب مشاهده میکنید. این آزادی اگر نباشد، رشد وجود ندارد. اگر در جامعه، آزادی فکر، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی عمل وجود نداشته باشد، رشد در جامعه متوقف خواهد شد. رشد جامعه - رشد معنوی جامعه - و پیشرفت جامعه، حتماً به این آزادی‌ها احتیاج دارد.

[پنجم] استقرار عدالت، نفی تبعیض، نفی فاصله‌های طبقاتی؛ اینها جزو آرزوهای بزرگ است. اصلاً در قرآن، اقامه‌ی قسط را مسئله‌ی اصلی و هدف پیغمبران میدانند: لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (۳) ما [هم] راه پیغمبران را میرویم دیگر، ما راه اسلام و راه پیغمبران را داریم میرویم. بنابراین قطعاً عدالت، یکی از برترین یا شاید بشود گفت برترین آرمان و ارزشی است که دنبالش بایستی باشیم. با لفاظی هم عدالت درست نمیشود. عدالت البته چیز سختی است؛ اجرای عدالت جزو سخت‌ترین کارها است.

[ششم] پیشرفت مادی و تمدنی به برکت علم و فناوری؛ این هم یکی از آرمانها است. یعنی کشور از عقب‌ماندگی باید نجات پیدا کند.



ملّی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی. اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیتهای عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جست‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و **فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم<sup>۵۷</sup> و حتی**

---

[هفتم] یکی دیگر از آرمانها **رشد اخلاق‌های معاشرتی** [است]. معاشرت مردم، معاشرتهای اخلاقی باشد. رحم، انفاق، ایثار، کمک، تعاون و مانند اینها؛ رشد این خلقیاتی که مربوط به معاشرت انسانها با هم در جامعه است.

[هشتم] **آماده‌سازی فضا برای رشد معنویت و رهایی از بردگی شهوت و غضب در انسانهای مستعد**؛ این هم یکی از آن برترین آرزوها است که غالباً به این توجه نیست. باید فضا جوّی بشود که انسانهای مستعد بتوانند در آن فضا حرکت کنند، امثال حاج میرزا علی‌آقای قاضی‌ها و علامه‌ی طباطبائی‌ها و شخصیت‌های برجسته‌ی این جوّی به وجود بیایند؛ انسانهای والا و برتر که از این فضای مادی توانسته‌اند تعالی پیدا کنند و فراتر بروند؛ یعنی فضا بایستی برای این آماده بشود. البته همه‌ی ما استعداد یک چنین چیزی را نداریم اما در میان ما کسانی هستند که استعداد این حرکت را دارند، بخصوص در دوره‌ی جوانی.

... بدیهی است که این آرمانها در کوتاه‌مدت تحقق پیدا نمیکند؛ اگر بخواهیم این آرمانها در جامعه تحقق پیدا کند، یک حرکت بلندمدت لازم دارد. یعنی چه؟ یعنی زنده بودن انقلاب. ببینید! اینکه مدام می‌گوییم انقلابی باشیم، انقلابی بمانیم، معنایش این است. اگر چنانچه انقلاب استمرار پیدا کرد، تحقق این آرمانها ممکن خواهد شد؛ اگر چنانچه این استمرار با آگاهی و هوشیاری و دقت‌نظر و مانند اینها باشد، تحقق این آرمانها قطعی خواهد شد.»

۵۷. **بیانات خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۶ / ۰۹ / ۱۳۷۸:** «دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب می‌کند. اول، عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکپارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از یک ملت عقب‌افتاده‌ی توسری‌خور، به یک ملت پیشرو و شجاع و میدان‌دار در دنیا تبدیل کرد، پردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهای انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمی‌کرد و این ملت پیش نمی‌رفت. دشمن می‌خواهد این باورها را در ذهن ملت ما تخریب ند. سوم، **تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم**. پس، سه تخریب، مورد نظر دشمن است: تخریب وحدت ملی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت‌بخش، و تخریب روح امید.»

**بیانات در دیدار افشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، ۲۵ / ۰۹ / ۱۳۷۶:** «امروز هر نفسی و هر حنجره‌ای که برای ناامید کردن مردم بدمد و به صدا درآید بدانید که در اختیار دشمن است؛ چه خودش بداند، چه خودش نداند! هر قلمی که کلمه‌ای را در جهت ناامید و مایوس کردن مردم روی کاغذ بیاورد، متعلق به دشمن است. چه صاحب این قلم بداند، چه نداند، دشمن از او استفاده می‌کند. آن وقت **اعتقاد به مهدویت** و به وجود مقدّس مهدی موعود ارواحنا فدا، امید را در دلها زنده می‌کند. هیچ‌وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود. چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد؛ بروبرگرد ندارد. سعی می‌کند که خودش را به آن برساند. پس، عقیده این است. البته وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، می‌کوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که **بگویند امام زمان می‌آید و**

**مسئولان و مدیران ما از آینده است.** خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این **نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد<sup>۸</sup>** شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد- در برابر چشم شما است.

---

همه‌ی کارها را درست می‌کند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرک‌ی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدر و خواب‌آور است.»

۵۸. **بیانات در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی(ره)**، ۱۴/۰۳/۱۳۷۹: «خطری که در مردم تداوم این حرکت سرافرازانه را تهدید می‌کند، در درجه‌ی اول عبارت از ناامیدی است. اگر دشمن بتواند مردم ما را، جوانان ما را، قشرهای ما را، نسبت به آینده‌ی این حرکتشان ناامید کند، ضربه‌ی خود را زده است. این خطر عمده است. لذا شما می‌بینید با انواع و اقسام روشها، بیانها، زبانها و شیوه‌ها سعی می‌کنند دلها را نسبت به تداوم این حرکت پرافتخار اسلامی مردّد و مأیوس کنند و امید را از آنها بگیرند. این مهمترین خطر است.»

**بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری**، ۱۲/۰۶/۱۳۹۴: «نیروهای مؤمن ما در سرتاسر کشور بدانند که حرکت، به سمت اهداف و آرمانهای اسلامی است؛ در این هیچ تردیدی نیست. و همه خودشان را آماده نگه‌دارند، همه آماده باشند؛ نیروهای مؤمن، نیروهای اصیل و معتقد در سرتاسر کشور- که بحمدالله اکثریت قاطع این کشور را هم تشکیل میدهند- آماده به کار باشند. آماده به کار به معنای آماده‌ی جنگ نیست؛ یعنی هم آماده‌ی کار اقتصادی باشند، هم آماده‌ی کار فرهنگی باشند، هم آماده‌ی کار سیاسی باشند، هم آماده‌ی حضور در میدانها و عرصه‌های مختلف باشند؛ آماده باشند، ما همه باید آماده باشیم. در مقابل این جهت‌گیری‌های دشمنان- که دشمنان ما شب و روز نمی‌شناسند- ما هم بایستی شب و روز شناسیم و همه آماده باشیم. و وعده‌ی الهی هم راست است؛ خدای متعال وعده‌اش راست است، ما سوءظنّ به وعده‌ی الهی [نباید داشته باشیم]. یک بار من اینجا عرض کردم که باید به خدا پناه ببریم و سوءظنّ به وعده‌ی الهی [نداشته باشیم]. خدای متعال لعنت کرده؛ الظَّانِّينَ بِاللّٰهِ ظَنَّ السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ اَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيْرًا یعنی خدا لعنت کرده کسانی را که به خدا سوءظنّ داشته باشند. حُسْن ظنّ به خدا این است که وقتی می‌گوید که «إِنْ تَنْصُرُوا اللّٰهَ يَنْصُرْكُمْ»، این را باور کن؛ این حسن ظنّ به خدا است؛ وقتی می‌فرماید: لَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ، این را باور کنیم. اگر حقیقتاً نیت ما نصرت دین الهی است- معنای نصرت خدا همین است- بدانیم که خدای متعال نصرت خواهد کرد و تردیدی در این زمینه نداشته باشیم؛ وقتی انسان با این روحیه حرکت کرد، آن وقت آن سکینه‌ای که عرض کردیم بر دلهای ما ان شاءالله نازل خواهد شد.»

**بیانات در دانشگاه افسری امام حسین(ع)**، ۱۰/۰۳/۱۳۹۰: «خدای متعال در مقابل این ملت به وعده‌ی خود وفا کرد. خدای متعال وعده کرده است که اگر با ایمان، در میدان سعی و مجاهدت قدم بردارید، به شما کمک خواهد کرد و به شما نصرت خواهد داد: «إِنْ

**رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها<sup>۵۹</sup>** و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه‌بیافرینید  
و اما توصیه‌ها:

---

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا فَلَا غٰلِبَ لَكُمۡ وَاِنَّ مَعَكُمْ اِلٰهًا عَظِيْمًا ﴿١﴾  
الهی است؛ این وعده را ملت ما و جوانان امروز ما در مقابل چشم دارند می‌بینند.»

۵۹. **بیانات در خطبه نماز جمعه تهران، ۲۶/۰۹/۱۳۷۸:** « دل انسان غمگین می‌شود و می‌شکند به‌خاطر اینکه چرا کسانی که نان انقلاب را خوردند، نان اسلام را خوردند، نان امام زمان را خوردند، دم از امام زمان زدند، دم از ائمه‌ی معصومین زدند، حالا طوری مشی کنند که اسرائیل و امریکا و سیا و هرکسی که در هر گوشه‌ی دنیا با اسلام دشمن است، **برایشان کف بزنند!** این، انسان را غصه‌دار می‌کند. ولی به شما عرض کنم، بشارتهای الهی این‌قدر زیاد است که هر غمی را از دل پاک می‌کند. بشارتهای الهی خیلی زیاد است. نباید خیال کرد که اگر چهار نفر آدمی که سابقه‌ی انقلابی دارند، از کاروان انقلاب کنار رفتند، پس انقلاب غریب ماند. نه آقا، **همه‌ی انقلابها، همه‌ی فکرها، همه‌ی جریانهای گوناگون اجتماعی، هم ریزش دارند، هم رویش دارند؛** ریزش در کنار رویش.

شما به **صدر اسلام نگاه کنید**، ببینید آن کسانی که در دوران غربت اسلام و غربت علی، از امیر المؤمنین دفاع کردند، چه کسانی بودند؟ این‌ها سابقه‌داران اسلام نبودند. سابقه‌داران اسلام، جناب طلحه و جناب زبیر و جناب سعد بن ابی وقاص و امثال این‌ها بودند. بعضی از این‌ها علی را تنها گذاشتند؛ بعضی از این‌ها در مقابل علی ایستادند. این‌ها ریزش‌ها بودند. اما رویش کدام است؟ **رویش، عبد الله بن عباس است؛ محمد بن ابی بکر است؛ مالک اشتر است؛ میثم تمار است. این‌ها رویش‌های جدیدند. این‌ها که در زمان پیامبر نبودند؛ این‌ها در همان دوران غربت اسلام روییدند؛ این‌ها نهالهای تازه‌اند.** شما ببینید یک مالک اشتر در همه‌ی تاریخ اسلام چقدر مؤثر است. بله؛ ممکن است کسانی ریزش پیدا کنند که البته مایه‌ی تأسف است. وقتی به امیر المؤمنین شمشیر زبیر را دادند، گریه کرد. همان‌طور که گفتم، غصه دارد. غصه دارد کسانی ریزش پیدا کنند که یک روز پای سفره‌ی انقلاب، پای سفره‌ی امام زمان، پای سفره‌ی اسلام و قرآن نشستند و نان و نمک اسلام را خوردند؛ اما در کنار آن ریزش‌ها، مالک اشترها هستند؛ عبد الله بن عباسها هستند. امیر المؤمنین هر جا در میدانهای جنگ احتیاج به زبان داشت، عبد الله بن عباس می‌رفت و امیر المؤمنین را یاری می‌کرد. هر جا احتیاج به شمشیر داشت، مالک اشتر بود. مثل مالک اشتر، مثل عبد الله بن عباس، مثل محمد بن ابی بکر مثل این رجال نه یکی، نه ده نفر، نه هزار نفر که هزاران نفر بودند. این‌طور نیست که شما خیال کنید حالا چهار نفر آدمی که از راه برگشتند و نیرویشان تمام شد، معنایش این است که نیروی این گردونه‌ی عظیم تمام شده است..... جا دارد که در باره‌ی این ریزش‌ها و رویش‌ها، از دیدگاه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی و تاریخی، کار و بحث کنند.»

## (۱) علم و پژوهش :

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو بیست‌ساله<sup>۶۰</sup> فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد<sup>۶۲</sup>. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه

۶۰. بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴: «ما تأکید می‌کنیم روی علم. این تأکید، جدی است؛ تعارف نیست؛ از روی یک احساس کاذب تشریفاتی موسمی نیست؛ بلکه از یک تشخیص عمیق و محاسبه‌شده برمی‌خیزد. زورگویی در دنیا زیاد است. زورگویان متکی به قدرتشان هستند. آن قدرت و آن ثروت و آن امکانات، برخاسته از دانش آنهاست. بدون دانش نمی‌شود مقابله کرد، نمی‌شود مواجهه کرد. من یک وقتی این حدیث را خوانده‌ام: «العلم سلطان»؛ علم عبارت است از اقتدار. علم، خودش یک اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشت، می‌تواند حرکت کند؛ هر کسی، هر ملتی، هر جامعه‌ای که نداشت، مجبور است از اقتدار دیگران پیروی کند. بنابراین، این یک محاسبه‌ی دقیق است.»

۶۱. بیانات در دیدار ارتشیان، به مناسبت روز ارتش، ۱۳۷۳/۱۰/۲۴: «شاید بشود گفت از دو بیست سال پیش - مبارزه‌ای از طرف قدرتمندان تشنه‌ی ثروت و قدرت بیشتر، که می‌خواستند همه‌ی مناطق دنیا را در اختیار بگیرند، بر ملت ایران تحمیل شد. آنها می‌خواستند اگر منابع طبیعی هست، اگر میراث فرهنگی هست، اگر وسیله‌ی کسب علم هست و اگر استعداد هست، ببرند و در خدمت تمدن و سیاستی که تازه در اروپا به وجود آمده بود - یعنی همین تمدن صنعتی و تشکیلات سیاسی مترتب بر تمدن صنعتی و نظایر آن - قرار دهند. آنها مبارزه‌ای را بر همه‌ی ملت‌هایی که می‌شد از آنها استفاده‌ای کرد، بی آن که خود آن ملت‌ها بخواهند، تحمیل کردند. اروپا محیط کوچکی بود که در آن عطش قدرت زیادی وجود داشت. عمده‌ی ثروت‌های دنیا هم، نه در اروپا که در آسیا و افریقا نهفته بود. تشنگان ثروت و قدرت برای به دست آوردن چنان ثروت‌هایی مجبور بودند راه‌های دور و دراز را بپیمایند و با قبضه کردن مناطق ثروت خیز دنیا، آن ثروت‌ها را در جسم نظام‌های سیاسی‌ای که آن روز در اروپا، تازه طعم پیشرفت علمی و صنعتی را چشیده و مزمه می‌کردند، تزریق کنند. بدین ترتیب بود که به جان ثروت‌های آسیا و افریقا افتادند که هر کس کتابهای تاریخ معاصر جهان را خوانده باشد، بقیه‌ی داستان را می‌داند. هندوستان طعمه‌ی استعمار شد. چین طعمه‌ی استعمار شد. ژاپن و تمام مناطق شرق آسیا هم طعمه‌ی استعمار شدند و استرالیا یکبارہ بلعیده شد!»

۶۲. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹/۰۹/۱۹: «بسیاری از مشکلاتی که به نظرمان می‌رسد در صحنه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و یا حتی سیاسی داریم، اگر کاوش کنیم، به مشکلات فرهنگی برمی‌گردد.»

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۰۹/۲۰: «فرهنگ خیلی اهمیت دارد. اگر ما دنبال استقلال هستیم، باید به فرهنگ مراجعه کنیم و روی فرهنگ کار کنیم. اگر دنبال خودکفایی و رفاه عمومی مردم هستیم، اگر به دنبال تدبیر مردم و یک تمدن بزرگ اسلامی هستیم - که باید باشیم و البته هستیم - باید بر روی مسأله‌ی فرهنگ تأمل و تلاش و توجه و سرمایه‌گذاری ویژه‌ای بکنیم.»

نمیکنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده<sup>۶۳</sup> و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه‌وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است.

---

بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۹/۰۶/۰۸: «سیاست در خدمت فرهنگ است، اقتصاد در خدمت فرهنگ است، هنر در خدمت فرهنگ است، برای فشار آوردن به فرهنگ داخلی ملت ما. آنها می‌دانند که اگر فرهنگ را عوض کردند، دیگر مبارزه‌ای باقی نمی‌ماند. اگر مبارزه‌ی با استکبار هست، اگر میل به ایستادگی و مقابله‌ی با دخالت اجنبی هست، به خاطر فرهنگ است. انسان یک فرهنگی دارد، همین فرهنگ را بیایند عوض کنند، همه چیز می‌شود مال خودشان؛ لذا همه‌ی فشار روی فرهنگ است.»

۶۳. بیانات در دیدار وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها ۱۳۸۳/۱۰/۱۷: «چند سال پیش، اول بار در دانشگاه امیرکبیر مسأله‌ی جنبش نرم افزاری را مطرح کردم. جنبش نرم افزاری، یعنی در زمینه‌ی علم، تولید علم و شکستن مرزهای علم، یک جنبش و یک حرکت عظیم به وجود بیاید. از این پیشنهاد استقبال شد و من امروز می‌بینم که در سخنان اساتید و مسؤولان دانشگاه‌ها روی این نکته تکیه می‌شود. البته تا مدتی بعضی‌ها می‌گفتند ما نمی‌دانیم اصلاً معنای این حرف چیست! عده‌ی هم شبیه می‌کردند که علم مگر تولیدکردنی است! البته بحث لغوی می‌کردند و می‌گفتند چرا گفته‌اید تولید علم! شما هر چه می‌خواهید اسمش را بگذارید؛ مقصود که معلوم است. جنبش نرم افزاری، یعنی در معرفت علمی ننشینید دست خود را دراز کنید تا دیگران بکارند و میوه چینی کنند و هر مقدار از میوه را که لازم نداشتند، بیاورند در دست شما بگذارند. برو بکار، برو آبیاری کن، برو روی بنایی که دیگران ساخته‌اند، بنا بساز؛ این هدف ما بود. عده‌ی می‌گفتند ما نمی‌فهمیم! الان هم از گوشه و کنار شنیده‌ام که عده‌ی سخنان یأس آفرین می‌زنند: مگر ما می‌توانیم؟ بله، می‌توانیم. ما در میدانهای گوناگون و در فضای معرفت علمی امروز دنیا می‌توانیم کارهایی بکنیم که هنوز در دنیا نو باشد؛ این در همه‌ی زمینه‌ها کاملاً امکان پذیر است.»

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹: «دانشگاه باید بتواند یک جنبش نرم افزاری همه‌جانبه و عمیق در اختیار این کشور و این ملت بگذارد تا کسانی که اهل کار و تلاش هستند، با پیشنهادها و با قالبها و نوآوریهای علمی خودی بتوانند بنای حقیقی یک جامعه آباد و عادلانه مبتنی بر تفکرات و ارزشهای اسلامی را بالا ببرند. امروز کشور ما از دانشگاه این را می‌خواهد. دانشگاه را مشغول چه کاری کنند که دانشجو و استاد را از این راه باز بدارند؟ یقین بدانید یکی از چیزهایی که امروز مورد توجه سرویسهای اطلاعاتی است، این نکته است که ببینند چگونه می‌توانند دانشجوی بیدار و دانشگاه آگاه ایرانی را از آن راهی که می‌تواند به اعتلای کشور بینجامد، منصرف کنند و مانع بشوند.»

ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیّتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ **باید به قلّه‌ها دست یابیم**<sup>۶۴</sup>. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدّت بالا ادامه یابد تا آن عقب‌افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدّی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان

---

۶۴. **بیانات در دیدار نخبگان استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۹:** «استعدادهای انسانی، عنصر انسانی و ظرفیت انسانی، خیلی خیلی بالاست. هدف، باید همان چیزی باشد که من بارها گفته‌ام. کشور باید در علم، در دانش و به تبع علم و دانش، در آنچه که مترتب بر علم است، در رتبه‌های اول جهان قرار بگیرد. نمی‌گویم پنج سال دیگر، ده سال دیگر؛ نه، هدف را بگیرد پنج سال دیگر؛ اما باید برویم و برسیم و این، به همت احتیاج دارد و من به شما عرض بکنم: مطمئن باشید این ملت، آن ملتی است که اگر این حرکت را بکند، خواهد رسید. همه‌ی ملتها این‌طور نیستند؛ بعضی ملتها این استعداد را ندارند؛ بعضی ملتها این موقعیت جغرافیایی را ندارند؛ بعضی ملتها این گذشته‌ی فرهنگی را ندارند؛ این میراث عظیم و غنی را ندارند؛ بعضی ملتها استعداد انسانی‌شان این قدر نیست.»

**دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانش آموزان، ۱۳۹۵/۰۲/۰۱:** «کشور به شما احتیاج دارد؛ کشور به این میلیون‌ها دانش‌آموز و دانشجویی که امروز ما در کشور داریم احتیاج مبرم دارد. ما به جوان مؤمن، وفادار، امیدوار، بانشاط، فعال، با ابتکار احتیاج داریم، کشور احتیاج دارد، آینده‌ی کشور احتیاج دارد. درست است که ۳۷ سال از عمر جمهوری اسلامی گذشته است و دشمن در این ۳۷ سال با همه‌ی تلاشها هیچ غلطی نتوانسته بکند؛ این درست است اما «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد»؛ برنامه‌های درازمدت دارند. همین‌طور که ما می‌گوییم پنجاه سال دیگر - [مثلاً] من سه چهار سال قبل از این گفتم، که برنامه‌ی ما برای پنجاه سال دیگر در زمینه‌ی علمی این است - یعنی ما برای پنجاه سال آینده فکر می‌کنیم، او هم برای پنجاه سال آینده فکر میکند؛ او هم درصدد است، در فکر است که تداوم این حرکت را - که این حرکت در ایران منحصر نماند، محصور نماند، تداوم پیدا کرد و در جاهای مختلف و به شکل‌های مختلف گسترش پیدا کرد - در هم بشکند؛ ما بایستی نگذاریم؛ چه کسی باید نگذارد؟ شما؛ شما جوانها؛ فردا مال شما است. هم خودتان را به معنای واقعی کلمه بسازید، هم ثابت‌قدم بمانید. فردا شما می‌روید دانشگاه، حضور در دانشگاه بایستی آن هویت دینی و انقلابی را در شما تقویت کند، نه اینکه تضعیف کند. بعضی‌ها این‌جوری‌اند؛ تا قبل از رفتن به دانشگاه یک جور هستند، وقتی رفتند دانشگاه یک جور دیگر میشوند! نه، باید این هویت تقویت پیدا کند. دانشگاه هم، دانشگاه اسلامی است؛ دانشگاه هم متعلّق به اسلام است؛ دانشگاه متعلّق به انقلاب است، متعلّق به همین ملت انقلابی است. [این هویت] تداوم پیدا کند؛ ثابت قدم پیدا کنید. این ثابت قدم خیلی مهم است.»

داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی<sup>۵</sup> شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.

## ۲) معنویت و اخلاق:

معنویت به معنی<sup>۶۶</sup> برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی<sup>۷</sup> رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها<sup>۶۸</sup>

۶۵. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۱/۰۴/۱۳۹۳: «جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام می‌گیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است. آن وقت معنای مدیریت جهادی در اینجا این است که توجه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور و پیشرفت علمی کشور مواجه است با یک چالش خصمانه، که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیرید، شما که استادی، شما که دانشجو هستید، باید بایستید؛ این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ چه مدیریت دانشگاه، چه مدیریت وزارت، چه مدیریت هر بخشی از بخشهای گوناگون این عرصه‌ی عظیم، خواهد شد مدیریت جهادی.»

۶۶. بیانات در دیدار مسئولان کشوری و لشکری، ۱/۰۱/۱۳۶۹: «معنویت جنبه رابطه با خدا، جنبه اتصال و ارتباط قلب به خداست.» بیانات در مجمع فرماندهان و مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۷/۰۶/۱۳۷۰: «معنویت: فریب ظواهر را نخوردن و دلبستگی به زر و زیور دنیا و ذخارف دنیا پیدا نکردن.» بیانات در دانشکده علوم دریایی نوشهر، ۱۴/۰۷/۱۳۸۸: «اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی ایمان است؛ ایمان به خدا، توکل به خدا، حسن ظن به خدا.»

۶۷. دیدار با بسیجیان، ۰۶/۱۱/۱۳۸۵: «اخلاق نیکو هم فقط خوش اخلاقی با مردم نیست؛ بلکه به معنای پروراندن صفات نیکو و خلقیات فاضله در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود است.» بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین به مناسبت هفته‌ی بسیج، ۰۶/۰۹/۱۳۹۳: «اخلاق یعنی چه؟ یعنی حلم و بردباری، صبر و مقاومت، صدق و صفا، شجاعت و فداکاری، طهارت و پاک‌دامنی.»

۶۸. بیانات در دیدار با انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان سراسر کشور، ۱۹/۰۲/۱۳۸۶: «ملت ایران پرچم حاکمیت معنویت و دین را بر زندگی بشری برافراشته و در دست گرفته. این، خیلی مهم است. پرچم معنویت را در دست گرفته، می‌گوید من می‌خواهم انسان‌ها را در سایه معنویت به سعادت، به خوشبختی، به رفاه، به امنیت، به پیشرفت علمی و به استقلال برسانم؛ و ثابت کرده که این، شدنی است. این یک هم‌اوردطلبی بزرگ نسبت به استکبار جهانی است و فلسفه‌های آنها را باطل می‌کند؛ روش‌های

و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداري مادی، جهنم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها<sup>۶۹</sup> توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد

---

آن‌ها را یکسره زیر سؤال می‌برد. اگر این ملت بتواند خودش را به قله‌های پیشرفت و علم و ترقی برساند، یک دروازه‌ی عظیمی جلوی راه ملت‌ها برای رفتن به سمت معنویت باز می‌شود»

بیانات در دیدار میهمانان شرکت‌کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۲۸/۰۵/۱۳۸۶: «معنویت در اسلامی که در مکتب اهل بیت معرفی می‌شود به جامع و کاملی وجود دارد. معنویت بدون انزوا، بدون جدایی از زندگی، معنویت همراه با سیاست و عرفان، همراه با فعالیت اجتماعی، همراه با تضرع و گریه پیش خدای متعال و همراه با جهاد.»

بیانات در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در مرقد مطهر، ۱۴/۰۳/۱۳۷۴: «وجهه‌ی جهانی و بین‌المللی انقلاب، عبارت از پیام معنویت در سطح جهان است ... پیام انقلاب اسلامی، پیام معنویت، توجه به معنویت، وارد کردن عنصر معنویت در زندگی انسان و توجه به اخلاق و خداست. هر جا که نام و پیام امام نفوذ کرد، معنویت را در آنجا به همراه برد. حتی اگر به جوامع مسیحی و غیر مسلمان که به انقلاب اسلامی روی خوشی نشان دادند، از آن درسی طلب کردند و بهره‌ای بردند نگاه کنید، معنویت را در آنجا مشاهده خواهید کرد. رد پای انقلاب بزرگ اسلامی ما معنویت است و این معنویت، اولین پیام این انقلاب و امام معنوی است؛ امامی که خود یک انسان والا و معنوی، عارف، فقیه، دین‌شناس، متعبد و قائم باللیل بود. امام، کسی بود که نیمه‌شب با خدا خلوت می‌کرد و تضرع می‌نمود.»

۶۹. بیانات در دیدار ائمه‌المرکز مختلف مردم به مناسبت عید غدیر، ۳۰/۰۶/۱۳۹۵: «مسیر دین آن‌وقتی تغییر پیدا میکند که آن نقطه‌ی اصلی، آن هسته‌ی اصلی تغییر پیدا کند؛ یعنی هسته‌ی قدرت، هسته‌ی مدیریت، هسته‌ی ریاست؛ اگر تغییر پیدا کند، همه چیز تغییر می‌کند.»

جلسات روزانه ماه مبارک رمضان در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد مقدس، ۱۹/۰۷/۱۳۵۳ (کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن جلسه بیست و سوم): «چگونه پیغمبر انسان‌ها را می‌سازد؟ مدرسه درست می‌کند؟ مکتب فلسفی درست می‌کند؟ صومعه و جایگاه عبادت درست می‌کند؟ نه؛ پیغمبر برای ساخت انسان کار خانه انسان سازی درست می‌کند. پیغمبر ترجیح می‌دهد ده سال، بیست سال دیر تر موفق بشود، اما آنچه می‌سازد یک انسان و دو انسان و بیست انسان نباشد کارخانه انسان سازی درست کند. که به طور خودکار انسان کامل پیغمبر پسند تحویل دهد. پس پیغمبر برای ساختن انسان‌ها و به قوام آوردن مایه انسان، از کارخانه انسان سازی استفاده می‌کند. کارخانه انسان سازی چیست آقا؟ کارخانه انسان سازی جامعه و نظام اسلامی است.»



کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛

با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب! جهنمی کنند.

۷۰. بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۵/۰۳/۰۳ : «اینکه گفتیم جوانهای مؤمن و حزب‌اللهی و انقلابی کارهای فرهنگی خودجوش را رها نکنند و دنبال بکنند، و همه‌ی دستگاه‌های فرهنگی کشور را دعوت کردیم و میکنیم که در این جهت حرکت کنند، این، بخش فرهنگی این عدم تبعیت است، این جهاد بزرگ است، جهاد کبیر است. اینکه از همه‌ی استعدادهای موجود کشور دعوت میکنیم که استعدادهای خودشان را در خدمت پیشرفت این کشور به کار بیندازند و به صحنه بیاورند و به میدان بیاورند و از مسئولان دولتی و سایر مسئولان دعوت می‌کنیم که از این استعدادهای استقبال بکنند، این آن بخش فعال اجتماعی این جهاد کبیر است. این جهاد کبیر ابعادی دارد: جهدهم به جهاداً کبیراً.»

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۰۱/۰۱ : «این مجموعه‌های خودجوش مردمی که کار فرهنگی میکنند - که الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه‌ی خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار میکنند، خودشان فکر میکنند، خودشان تلاش میکنند و کار فرهنگی میکنند - روزبه‌روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به اینها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آنهایی که مربوط به فرهنگند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزشهای اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچه‌مسلمانها، به روی جوانهای مؤمن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌اللهی باز کنند؛ اینها میتوانند کار کنند و دارند کار میکنند؛ کارهای فرهنگی باارزشی دارد انجام میگیرد. در همه‌ی زمینه‌ها جوانان انقلابی ما میتوانند تلاش کنند، کار کنند.»

۷۱. بیانات در دیدار مردم استان ایلام در سالروز ولادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، ۱۳۹۳/۰۲/۲۳ : «امیرالمؤمنین فرمود: اگر از من اطاعت کنید، من شما را به بهشت می‌رسانم. عبارت امیرالمؤمنین در خطبه‌ی نهج‌البلاغه این است؛ می‌فرماید:

« فَاَنْ اطَعْتُمُونِي فَاَنْتُمْ حَامِلِكُمْ اِنْ شَاءَ اللهُ عَلٰى سَبِيْلِ الْجَنَّةِ » فرمود: اگر آنچه من می‌گویم، گوش کنید و عمل کنید، من شما را به بهشت خواهم رساند، ان شاء الله؛ « وَ اَنْ كَانَ ذَا مَشَقَّةٍ شَدِيْدَةٍ وَ مَذَاقَةٍ مَّرِيْرَةٍ »؛ اگرچه این کار، بسیار دشوار است، بسیار سخت است، تلخ است. این حرکت، حرکت کوچکی نیست، حرکت آسانی نیست؛ این هدف امیرالمؤمنین [است]. رساندن انسانها به بهشت، هم در زمینه‌ی فکری مردم، [هم] در زمینه‌ی روحی و قلبی مردم، [هم] در حیات اجتماعی مردم، نقش می‌آفریند. من از این جهت روی این تکیه می‌کنم که گاهی شنیده می‌شود کسانی در گوشه‌وکنار وقتی صحبت از هدایت و راهنمایی و بیان حقایق دینی و مانند اینها می‌شود، می‌گویند آقا، مگر ما موظفیم مردم را به بهشت برسانیم؟ خب بله؛ بله، همین است. فرق حاکم اسلامی با حاکم دیگر در همین است: حاکم اسلامی می‌خواهد کاری کند که مردم به بهشت برسند؛ به سعادت حقیقی و اخروی و عقباتی برسند؛ [نذا] راه‌ها را باید هموار کند. اینجا بحث زور و فشار و تحمیل نیست؛ بحث کمک کردن است. فطرت انسانها متمایل به سعادت است، ما باید راه را باز کنیم؛ ما باید کار را تسهیل کنیم برای مردم تا بتوانند خودشان را به بهشت برسانند؛ این وظیفه‌ی ما است، این کاری است که امیرالمؤمنین بار آن را بر دوش خود گرفته است و احساس وظیفه می‌کند که مردم را به بهشت برساند. جامعه‌ی اسلامی جامعه‌ای است که اگر از لحاظ جنبه‌های مادی به اسلام عمل بکنند، بدون تردید در قلّه قرار خواهد گرفت؛ از لحاظ علم، از

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی<sup>۷۲</sup> در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم<sup>۷۳</sup> روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی<sup>۷۴</sup> نیست.

لحاظ صنعت لازم، از لحاظ معیشت، از لحاظ روابط اجتماعی، از لحاظ عزت و شرف دنیائی و عمومی و ملی و بین‌المللی در اوج قرار می‌گیرد؛ اما این همه‌ی کارها نیست، همه‌ی هدفها نیست. اگر زندگی ما در دنیا زندگی خوبی باشد، اما لحظه‌ی مرگ ما لحظه‌ی بدبختی و روسیاهی ما باشد، چه فایده دارد؟»

۷۲. بیانات در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸: «امروز مهم‌ترین ابزار جنگ بین قدرتها در دنیا رسانه است و امروز حتی قدرتهای بزرگ هم با رسانه‌ها دارند کار می‌کنند. امروز تأثیر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها و هنرها و این شبکه‌های عظیم اطلاع‌رسانی اینترنتی و ... از سلاح و از موشک و از بمب اتم بیشتر است. امروز دنیا، یک چنین دنیایی است.»

بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۵/۰۲/۲۶: «عوامل استکبار، امروز فیلم بد درست می‌کنند، نوار بد درست می‌کنند، حرفهای بد درست می‌کنند، شعر بد می‌گویند، داستان بد می‌نویسند و این همه را، در داخل کشور، بین نوجوانان، جوانان و مردم عادی پخش و منتشر می‌کنند و یا از طریق ماهواره، رواج می‌دهند. این مورد اخیر- ماهواره- واقعاً گنداب فساد است که تیرهای زهر آگین خود را به سمت ملتها و کشورها هدف‌گیری می‌کند.»

۷۳. بیانات در دیدار فرماندهان گردانها، گروهانها و دسته‌های عاشورای نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲: «دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک «تهاجم فرهنگی» بلکه باید گفت یک «شبیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند.»

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۲/۰۶/۱۹: «امروز حتی اروپایی‌ها هم احساس می‌کنند که از سوی امریکا مورد تعرض و تجاوز اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قرار گرفته‌اند و این یک واقعیت است.»

۷۴. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۰۳/۱۷: «من تشکلهایی را می‌گویم که تحت هر نامی، معتقد به انقلابند، معتقد به دینند، معتقد به نظام اسلامی‌اند، معتقد به این مبارزه‌ی عظیمند؛ تحت هر نامی که هستند فرق نمی‌کند؛ خطابم به آنها است... توصیه‌ی بعدی؛ تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه. نگویید در دانشگاه دیگر نمیشود کاری کرد؛ شنفتیم این را که بعضی‌ها می‌گویند که «آقا، دیگر در دانشگاه نمیشود کاری کرد»؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی میشود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد. چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما. شما تشکلهای هستید که در دانشگاه باید کار بکنید. البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتباً می‌گویم: هر کدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور میدهد، اما

در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت<sup>۵</sup> جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاء‌الله.

### ۳) اقتصاد:

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور<sup>۶</sup> است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است.

اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار می‌دهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس می‌کنید دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمیتواند درست مدیریت کند، آنجا آتش‌به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید. گاهی اوقات انسان احساس میکند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلالند، دچار تعطیلند؛ واقعاً آدم گاهی اوقات احساس میکند. حالا مثلاً فرض بفرمایید این همه ما مسئله‌ی فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ده مسئله‌ی اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل است؛ فرض کنید مسئله‌ی سینما، یک مسئله‌ی مهم است، [یعنی] مسئله‌ی فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه جوری اداره میشود، از کجا پشتیبانی میشود - حالا پشتیبانی خارجی هم پیدا میکنند برای فیلم‌ها - اداره‌ی هنر کشور و سینما که چیز کوچکی نیست؛ مثلاً فرض کنید ده مسئله‌ی این جوری میشود پیدا کرد، [اما] ناگهان می‌بینید مثلاً فرض کنید اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، میشود مسئله‌ی اصلی؛ نامه‌نگاری میکنند! (خنده‌ی حضار) پیدا است که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله‌ی اصلی را از مسئله‌ی فرعی تشخیص نمیدهد و یک مسئله‌ی اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی، درشت میکنند. وقتی این جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان آتش‌به‌اختیاری است که عرض کردم. (خنده‌ی حضار)

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۶/۰۴/۰۵: «آتش‌به‌اختیار، به معنی کار فرهنگی خودجوش و تمیز است؛ آنچه ما گفتیم معنایش این است که در تمام کشور، جوانها و صاحبان اندیشه و فکر، صاحبان همت، خودشان با ابتکار خودشان، کار را - کارهای فرهنگی را - پیش ببرند، منافذ فرهنگی را بشناسند و در مقابل آنها، کار انجام بدهند؛ آتش‌به‌اختیار، به معنای بی‌قانونی و فحاشی و طلبکار کردن مدعیان پوچ‌اندیش و مدیون کردن جریان انقلابی کشور نیست. نیروهای انقلابی بیش از همه باید مراقب نظم کشور، مراقب آرامش کشور، مراقب عدم سوءاستفاده‌ی دشمنان از وضعیت کشور، و مراقب حفظ قوانین [باشند]؛ این مراقبتها در درجه‌ی اول متوجه به نیروهای انقلاب است که دلسوزند، علاقه‌مندند و مایلند که کشور به سمت هدفهای خود حرکت بکند.»

۷۵. باید برنامه‌های کوتاه مدت و میان مدت داشت اما برای تشخیص مشکلات و ریشه‌یابی آنها نگاه بلند مدت لازم است: بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۰۹/۲۰: «به نظر من علاج مشکلات این کشور را چیز دیگری جز اصلاح فرهنگی نمی‌تواند بکند. ما یک تصحیح فرهنگی لازم داریم. قدم اول هم این است که یک مرکز بینای هوشیار نگاه کند و ببیند مشکلات فرهنگی جامعه چیست. به مشکلات کوتاه مدت هم توجه نکند.»

۷۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۴/۰۶/۱۸: «باید ما قوی بشویم؛ باید در داخل، خودمان را قوی کنیم. بنده مکرر عرض کرده‌ام این قوتی که برای کشور لازم است چه جوری تأمین می‌شود؛ اولاً از راه یک اقتصاد قوی؛ همین اقتصاد مقاومتی که سیاست‌های آن ابلاغ شده است و بر روی زمین و به‌صورت کار عملی و عملیاتی و اجرائی هم باید با شدت هرچه تمام‌تر و بدون فوت

فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست<sup>۷۷</sup>، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد. انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر<sup>۷۸</sup> خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی است.

---

وقت دنبال بشود... سه عامل اساسی اقتدار ملی این‌ها است: اقتصاد قوی و مقاوم، علم پیشرفته و روزافزون، و حفظ روحیه‌ی انقلابیگری در همه‌ی بخصوص در جوان‌ها؛ این‌ها است که می‌تواند کشور را حفظ کند؛ آن‌وقت دشمن مأیوس خواهد شد.»

۷۷. بیانات در دیدار اقتصاددانان شرکت‌کننده در اجلاس بانک توسعه‌ی اسلامی، ۲۵ / ۰۶ / ۱۳۸۳: «گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتدالی اقتصادی جزو هدف‌های اسلامی است؛ لذا شما ملاحظه می‌کنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب‌مانده‌ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای متمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله‌ی تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفت‌های مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمی‌گوید که ما معنویت را ملاحظه کنیم، اما از متن زندگی جامعه‌ی انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه‌ی تدابیر لازم را به کار ببریم، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مسأله‌ی اقتصاد است. بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتدالی جنبه‌ی اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدف‌های اسلامی است.»

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹ / ۰۹ / ۱۳۹۲: «فرهنگ هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگند؛ به این باید توجه کرد. نمی‌توانیم فرهنگ را از عرصه‌های دیگر منفک کنیم.»

۷۸. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۹۶: «دشمن خارجی هست، اما این موجب نشود که از ضعف‌های خودمان غافل بشویم. ما هم ضعف داریم، ما هم یک جاهایی اشکال و نارسایی و نابسامانی در کارمان هست؛ این جور نیست که ما هیچ اشکالی نداریم، هیچ مشکلی در کار ماها نیست، فقط دشمن خارجی است که دارد [مشکل ایجاد میکند]؛ نه، مگس روی زخم می‌نشیند؛ زخم را خوب کنید، زخم را نگذارید به وجود بیاید. ما اگر مشکل داخلی نداشته باشیم، نه این شبکه‌ها میتوانند اثر بگذارند، نه آمریکا میتواند هیچ غلطی بکند. ما مشکلاتمان را باید خودمان حل کنیم؛ مشکلات داخلی را باید حل کنیم، ضعف‌هایمان را باید حل کنیم؛ ما ضعف داریم. دفاع از حقوق مظلومین وظیفه‌ی همه‌ی ما است؛ بخصوص [دفاع از] ضعفا و از حقوق ملت وظیفه‌ی ما است،

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی<sup>۷۹</sup> برای همه‌ی بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک

---

بخصوص [دفاع از] طبقات ضعیف ملت؛ همه بایستی مراقب باشیم. حالا طبقاتی هستند که مرقه‌بند، مشکلات زندگی آنها را فشار نمیده؛ اما یک گروه مهمی هم در کشور هستند که فشارهای زندگی، آنها را زیر فشار قرار میدهد. باید همه‌ی همت ما این باشد که اینها را از زیر فشار خارج کنیم؛ تلاشمان باید این باشد.»

۷۹. [بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴](#): «در واقع رهبری، یک مدیریت کلان ارزشی است. همین طور که اشاره کردم، گاهی اوقات فشارها، مضیقه‌ها و ضرورت‌ها، مدیریت‌های گوناگون را به بعضی از **انعطاف‌های غیر لازم** یا غیر جائز وادار میکند؛ رهبری بایستی مراقب باشد، نگذارد چنین اتفاقی بیفتد. این مسئولیت بسیار سنگینی است. این مسئولیت، مسئولیت اجرائی نیست؛ دخالت در کارها هم نیست. حالا بعضیها دوست میدارند همین طور بگویند؛ فلان تصمیمها بدون نظر رهبری گرفته نمیشود. نه، اینطور نیست. مسئولین در بخش‌های مختلف، مسئولیتهای مشخصی دارند. در بخش اقتصادی، در بخش سیاسی، در بخش دیپلماسی، نمایندگان مجلس در بخش‌های خودشان، مسئولان قوه‌ی قضائیه در بخش خودشان، مسئولیتهای مشخصی دارند. در همه‌ی اینها رهبری نه میتواند دخالت کند، نه حق دارد دخالت کند، نه قادر است دخالت کند؛ اصلاً امکان ندارد. خیلی از تصمیمهای اقتصادی ممکن است گرفته شود، **رهبری قبول هم نداشته باشد**، اما دخالت نمیکند؛ مسئولینی دارد، مسئولینش باید عمل کنند. بله، آنجائی که اتخاذ یک سیاستی منتهی خواهد شد به کج شدن راه انقلاب، رهبری مسئولیت پیدا میکند. در تصمیم و عمل رهبری باید عقلانیت در خدمت اصول قرار بگیرد، واقع‌بینی در خدمت آرمان‌گراییها قرار بگیرد.»

[بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۰۹/۲۶](#): «مهمترین وظیفه‌ی رهبری در قانون اساسی، **تنظیم سیاست‌های کلی** است.»

مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت<sup>۸۰</sup> خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری<sup>۸۱</sup> و تسلیم نشدن

۸۰. **بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۰۶/۰۶/۱۳۹۲:** «شاخصهای دولتی که در این روزگار دولت مطلوب محسوب می‌شود:

**اولین** شاخص، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - به‌خصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود. به هر حال این یکی از شاخص‌ها است: اعتماد [به خدا] و انس با معنویات...

**شاخص دوم**، مسئله‌ی خدمت به خلق است؛ روحیه‌ی خدمت، که این گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است؛ اصلاً فلسفه‌ی وجود ما جز این نیست؛ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند...

**شاخص سوم**، مسئله‌ی عدالت است. بنده بارها عرض کرده‌ام - در جلسات خصوصی با بعضی از شماها در طول این سالها - معتقد نیستم به پیشرفت بدون عدالت...

شاخص بعدی که شاخص **چهارم** است، سلامت اقتصادی و مبارزه‌ی با فساد است...

**شاخص بعدی**، مسئله‌ی قانون‌گرایی است. خب قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد...

یک شاخص **دیگر**، مسئله‌ی حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر...

یک شاخص **دیگر هم** عرض بکنیم، این بخش را من دیگر ادامه ندهم بیشتر از این؛ تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد...»

۸۱. **بیانات در دیدار دانش‌آموزان، ۱۲/۰۸/۱۳۹۵:** «**دو خطا** را امروز می‌خواهم تصحیح کنم. دو اشتباه دارد تزریق می‌شود به افکار

عمومی مردم ما. عامل این تزریق هم در درجه‌ی اول خود دستگاه استکبار و آمریکا هستند، و درجه‌ی دوم بعضی آدم‌ها در داخل؛ آدم‌هایی که - من همه را متهم نمی‌کنم - بعضی‌شان وابسته‌ی به تشکیلات سرویس‌های جاسوسی یا سیاسی یا مراکز خاص آمریکایی هستند، بعضی‌شان هم نه، وابستگی ندارند؛ از نفس افتاده‌ها، پشیمان‌شده‌ها، بوی لذت دنیا به مشامشان رسیده‌ها. آن‌ها این فکر را، این دو خطا را دارند حواله می‌دهند به اینها، اینها هم در منبرهای مختلف، در جایگاه‌های مختلف، این را توسعه می‌دهند و گسترش می‌دهند؛ داخل دانشگاه، بیرون دانشگاه، در مطبوعات و جاهای مختلف. من این دو خطا را امروز می‌خواهم تصحیح کنم.

**یکی اینکه** این جور تبلیغ می‌کنند که اینکه امام فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید - که امروز هم همین حکم جاری است - از سر تعصب و غرور است یعنی منطقی پشت سرش نیست؛ این را می‌خواهند ترویج کنند. .... درحالی‌که درست ۱۸۰ درجه

در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما

قضیه عکس است. اینکه فرمود هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بزنید، پشتش یک منطق محکم وجود دارد. آن منطق این است که اساس سیاست آمریکا بر افزون‌طلبی و دست‌اندازی است. تاریخ آمریکا در این ۲۵۰ سالی که از عمر آن میگذرد، این را نشان میدهد - البته اوایل خیلی کمتر، از حدود صد سال پیش یا اندکی کمتر از صد سال پیش، خیلی بیشتر - سیاست کلی آمریکا این است که امنیت داخلی‌اش را به‌وسیله‌ی دست‌اندازی به کشورهای جهان و تصرف مناطق نفوذ فراوان تأمین کند؛ این جور عمل میکنند؛ این سیاست آنها است ... اندکی غفلت بعد از پیروزی انقلاب موجب میشد که دشمنی که از در بیرونش کردیم، از پنجره برگردد؛ امام نگذاشت و جلوی این را گرفت. اینکه گفتند در مقابل آمریکا بایستید، هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید، به‌معنای دفاع از ارزشها است؛ نه فقط ارزشهای مخصوص مسلمان‌ها، دفاع از ارزشهای انسانی ... ارزشهای انسانی در آنجا لگدمال شده است؛ تبعیض، اختلاف، نژادپرستی، لگدمال کردن حقوق بشر. «مرگ بر آمریکا» که شما فریاد می‌زنید، اینکه گفتند «هرچه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید»، یعنی مرگ بر این چیزها. امام به‌خاطر همین چیزها گفت که هرچه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید. اینها همه یک طرف، یک طرف دیگر قضیه و یک عامل مهم دیگر قضیه هم این است که اینها همان روزهای اول، زمینه‌ی یک ضربه‌ی بزرگ به ملت ایران را فراهم کردند، یعنی محمدرضا را پناه دادند در آمریکا، برای اینکه او را نگه دارند، زمینه را فراهم کنند، عواملش را در اینجا تقویت کنند، ... بنابراین این شعار ضد آمریکایی، این فریاد کشیدن بر سر آمریکا از روی تعصب نیست، از روی جهالت نیست، از روی لجبازی نیست؛ از روی منطق است؛ متکی به یک پشتوانه و عقبه‌ی منطقی و فکری است ... این تصحیح خطای اول.

**خطای دوم؛ فکر غلط و خطائی که این هم باز دارد به‌نحوی از سوی آمریکایی‌ها تزیق میشود و کسانی هم در داخل آن را ترویج میکنند و از اولی خطرناک‌تر است، این است که اگر ما با آمریکا سازش کنیم، مشکلات کشورمان حل خواهد شد.**

[این] از آن اشتباهات عجیب و غریب و بسیار خطرناک [است]. [می‌گویند] اگر ما با آمریکا سازش کردیم، مشکلات کشور حل میشود. خب، حالا ده تا دلیل می‌شود شمرد برای اینکه این حرف غلط است، این حرف دروغ است، این حرف فریب است. سازش با آمریکا مشکلات کشور را به‌هیچ‌وجه حل نمیکند؛ نه مشکلات اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را، بلکه بدتر خواهد کرد. ده پانزده دلیل وجود دارد و میشود شمرد و ردیف کرد برای این قضیه؛ آخری‌اش همین قضیه‌ی برجام است. من چقدر در طول مذاکرات گفتم که اینها بدعهدند، اینها دروغگویند، اینها پای حرفشان نمی‌ایستند؛ حالا ملاحظه میکنید! امروز آن کسی که دارد میگوید آنها بدعهدند دیگر من [فقط] نیستم؛ مسئولین محترم کشور، خود مذاکره‌کنندگان ما که این‌همه زحمت کشیدند، یک سال و خرده‌ای مذاکره کردند، رفتند، نشستند، برخاستند؛ ده روز، پانزده روز، بیست روز خارج از کشور، پشت میز مذاکره با آن‌همه زحمت، عرق ریختند، زحمت کشیدند، آنها دارند می‌گویند.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۰/۰۸/۱۳۷۴: «امروز مظهر نظام سلطه، امریکا است. هر سیئه‌ای که در دنیا براساس نظام سلطه به وجود آید، حتماً بخشی از گناه آن به گردن امریکا است.»

## منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه‌ی خارجی<sup>۸۲</sup> است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.

۸۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۵ / ۰۶ / ۱۳۹۴: «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم‌اهمیت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم‌اهمیت‌ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است. نفوذ امنیتی عوامل خودش را دارد، مسئولین گوناگون- از جمله خود سپاه- جلوی نفوذ امنیتی دشمن را با کمال قدرت ان‌شاءالله می‌گیرند. در زمینه‌های اقتصادی، چشم‌های بینای مسئولین اقتصادی بایستی باز باشد و مواظب باشند که [دشمنان] نفوذ اقتصادی پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه‌ی اقتصاد محکم را متزلزل می‌کند. آنجاهایی که نفوذ اقتصادی کردند، آنجاهایی که توانستند خودشان را بر اقتصاد کشورها و ملت‌ها مثل یک بختکی سوار بکنند، پدر آن کشورها درآمد. اینجا ده پانزده سال قبل از این، رئیس یکی از همین کشورهایی که جزو کشورهای پیشرفته‌ی منطقه‌ی ما بود، در سفری که به تهران داشت و پیش ما آمد به من گفت آقا ما به خاطر نفوذ اقتصادی در ظرف یک شب تبدیل شدیم به فقیر، به گدا؛ راست می‌گفت. فلان سرمایه‌دار، به خاطر فلان خصوصیت اراده می‌کند این کشور را به زانو در بیاورد؛ سرمایه‌ی خودش را میکشد بیرون یا تصرفاتی میکند که اقتصاد آن کشور به زانو در بیاید. این هم البته خیلی مهم است؛ ... و از همه مهم‌تر، نفوذ سیاسی و نفوذ فرهنگی است. دشمن سعی میکند در زمینه‌ی فرهنگی، باورهای جامعه را دگرگون کند؛ و آن باورهایی را که توانسته این جامعه را سرپا نگه دارد جابه‌جا کند، خدشه در آنها وارد کند، اختلال و رخنه در آنها به‌وجود بیاورد. خرجها میکنند؛ میلیاردها خرج میکنند برای این مقصود؛ این رخنه و نفوذ فرهنگی است.

نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده‌ی مستکبرین انجام خواهد گرفت؛ یعنی مجبور میشوند. وقتی یک کشوری تحت نفوذ سیاسی قرار گرفت، حرکت آن کشور، جهت‌گیری آن کشور در دستگاه‌های مدیریتی، بر طبق اراده‌ی آنها است؛ آنها هم همین را میخواهند. آنها دوست نمیدارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بکنند، مثل آن چیزی که در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست در هند این کار را کردند؛ از خودشان آنجا مأمور داشتند؛ یک نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان‌پذیر نیست؛ برای آنها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها اراده کنند، مثل آنها و بر طبق مصالح آنها تصمیم بگیرند؛ این نفوذ سیاسی است. [هدف این است که] در مراکز تصمیم‌گیری نفوذ کنند، اگر نتوانستند در مراکز تصمیم‌سازی [نفوذ کنند]؛ زیرا جاهایی هست که تصمیم‌سازی میکند. اینها کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد.»

بیانات در دیدار مردم استان قم، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۸۳: «ببینید امروز دنیا در پنجه‌ی خونریز استکبار جهانی در چه وضعیتی است. امروز همان داستان استعمار است، منتها با شیوه‌ی نو. یک روز استعمار کهنه بود- استعماری که بعدها اسمش را گذاشتند استعمار کهنه و کهن- می‌رفتند بر کشورها تسلط پیدا می‌کردند؛ مثل هند، مثل الجزایر، مثل خیلی از کشورهای دیگر. با بیداری ملتها این استعمار از بین رفت و دیگر نتوانستند ادامه دهند. البته در سالهای دوران استعمار، ملتها را فشرده و واقعاً رُمق آن‌ها را گرفتند؛ ولی به‌رحال استعمار کهن از بین رفت و جای آن، استعمار نو را آوردند. استعمار نو این بود که در رأس کشورها بیگانگان نمی‌آمدند حکومت کنند؛ مثل دوران استعمار قدیم نبود که حاکم انگلیسی برود در هند حکومت کند؛ نه، از خود کشورها کسانی را می‌گماشتند؛ مثل رژیم طاغوت، مثل رضا خان و پسرش، و مثل بسیاری از دولتهای دیگر کشورهای جهان سوم- به قول خودشان- و از جمله کشورهای



## ۴) عدالت و مبارزه با فساد:

این دو لازم و ملزوم یکدیگرند<sup>۸۳</sup>. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای

اسلامی. سالهای متمادی ملت‌ها را فشرده؛ مستبدان را آوردند؛ نظامی‌های کودتاچی را سرکار آوردند و هرطور توانستند، از حضور ملت‌ها مانع شدند. امروز می‌بینند این هم بُردی ندارد؛ لذا راه دیگری را برای تسلط بر کشورها در پیش گرفته‌اند و آن، نفوذ در ملت‌هاست؛ که این همان چیزی است که من چندی پیش گفتم استعمار فرانو. بالاتر از استعمار نو، یک نوع استعمار دیگر است. ایادی خودشان را به کشورها بفرستند و با پول و تبلیغات و اغواگری‌های گوناگون و رنگین نشان دادن و موجه نشان دادن چهره‌ی مستکبران ظالم عالم، بخشی از ملت‌ها را اغوا و تحریک کنند. البته این هم به جایی نخواهد رسید؛ چون چهره‌ی استعمار و استکبار زشت‌تر از این حرف‌هاست ... دوران نظام استکباری- که مبنای آن بر ظلم به ملت‌ها و تسلط بر جان و مال و ناموس و منابع آنهاست- به سرآمده است. البته ممکن است ملت‌ها دوره‌های سختی را تجربه کنند، اما دوران زورگویی و قلدری در باطن انسانها و در باطن عالم به سررسیده؛ بیشتر از این نمی‌توانند.»

۸۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۰۶ / ۰۶ / ۱۳۹۲: « ما این دهه را اسم گذاشتیم به «دهه‌ی پیشرفت و عدالت». پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تمدن پر جلوه‌ی غرب، امروز دارید مشاهد می‌کنید. ثروت و قدرت و علم و فناوری، بیشتر از آن چیزی که اینها دارند برای این دوره تصور نمی‌شده؛ اینها حداکثر را دارند، اما در عین حال شما ملاحظه کنید آنجا عدالت وجود ندارد. حالا در زمینه‌ی عدالت قضایی، در تبلیغات سینمایی و داستانی و مانند اینها، حرف زیاد می‌زنند- که غالباً، یعنی صدی هشتاد، دروغ است؛ اطلاعاتی که انسان در زمینه‌های قضایی دارد هم [نتیجه می‌دهد که] این خبرها نیست در غرب- اما در زمینه‌ی اقتصادی که کاملاً واضح است. کسانی هستند که از گرسنگی می‌میرند، کسانی هستند که در سرمای فرض کنید که ده درجه زیر صفر در فلان کشور می‌میرند، یا از گرمای چهل درجه می‌میرند! چرا انسان در گرمای چهل درجه به هلاکت بیفتد و بمیرد؟ جز این است که سر پناه ندارد، خانه ندارد، در گوشه‌ی خیابان است، [در] گرمای چهل درجه، آب هم به او نمی‌رسد، از بین می‌رود؟ اینها وجود دارد؛ و [از طرفی] ثروتهای انبوه افسانه‌ای هم امروز در غرب وجود دارد. این بی‌عدالتی است، ما این را نمی‌خواهیم، اسلام این را از ما نخواست. ما پیشرفت را لازم داریم، پیشرفت به همان معنایی که امروز در ادبیات غربی به‌عنوان توسعه یاد می‌شود، ما اسمش را می‌گذاریم پیشرفت؛ این پیشرفت، قطعاً بایستی همراه با عدالت باشد. .... شاخص بعدی [شاخص‌های دولت مطلوب] که شاخص چهارم است، سلامت اقتصادی و مبارزه‌ی با فساد است. ببینید منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ وسوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمی‌گذارد... شما باید مراقب باشید، شما باید چشم بصیر بینای خودتان را بر سرتاسر این دستگاهی که زیر اشراف شما است و تحت مدیریت شما است، آنچنان بگسترانید که نگذارید در یک گوشه‌ای ناسلامتی اقتصادی به‌وجود بیاید و این وسوسه‌ها کارگر بشود. حتی قبل از آنکه دستگاه‌های نظارتی وارد بشوند؛ خوب، ما دستگاه‌های نظارتی در کشور داریم، آنها وظیفه‌ای دارند؛ چه آنچه مربوط به مجلس است، چه آنچه مربوط به قوه‌ی قضائیه است، چه آنچه مربوط به خود قوه‌ی مجریه است- مثل بازرسی‌های قوه‌ی مجریه- لکن قبل از آنکه نوبت به آنها برسد، خود مدیر دستگاه مراقب سلامت [آن] باشد و این احتیاج دارد به نگاه دائم؛ غفلت نباید کرد.»

نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر<sup>۸۴</sup> از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطان حرص برحذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این‌باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع‌الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

---

۸۴. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان قزوین، ۲۶/۰۹/۱۳۸۲: «در اسلام مردم یک رکن مشروعیتند، نه همه‌ی پایه‌ی مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه‌ی اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه‌ی مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است.»

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۹/۰۴/۱۳۷۹: «در سطح رهبری از این‌ها هم بالاتر است؛ برای خاطر اینکه رهبری معنوی، تعهد معنوی دارد و خبرگان و مردم از او توقع دارند که حتی یک گناه نکند؛ اگر یک گناه کرد، بدون اینکه لازم باشد ساقطش کنند، ساقط شده است؛ حرفش نه در باره‌ی خودش حجت است، نه در باره‌ی مردم.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان اعزامی به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان، ۱۷/۱۱/۱۳۷۲: «امروز کدام کشور در دنیا وجود دارد - این را ما تحدی می‌کنیم - که مسؤولان آن در بالاترین سطوح، آن چنان که در جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار و به لطف الهی وجود دارد، این همه نسبت به زخارف و تعیش دنیا و لذات مادی بی اعتنا باشند؟! البته این، جز به اراده الهی نیست. در این مورد ما کاره‌ای نیستیم. هرچه هست از خدای متعال است؛ از اراده ذات مقدس ربوبی است. ما عجز محض هستیم. نه این که ما کاری کرده‌ایم؛ نه! مایی وجود ندارد. هر چه هست اوست. اراده و قدرت و خواست اوست که دل‌ها را نرم و جان‌ها را به حقایق متمایل می‌کند و نور معنویت را به بعضی دل‌ها می‌تاباند. کسانی را به عبودیت خدای متعال مبتهج می‌کند که دیگر هیچ چیز در دنیا برای آن‌ها لذت بنده خدا بودن را ندارد.»

## عدالت در صدر هدف‌های اولیّه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است<sup>۸۵</sup> و در جمهوری اسلامی نیز دارای

همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به‌صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولیّ عصر (ارواح‌نفاذ) میسر نخواهد شد ولی به‌صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدّی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیّت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدّت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، امّا تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به

---

۸۵. **بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲:** «بدیهی است که بدون معنویت و بدون عقلانیت، عدالت تحقق پیدا نمی‌کند؛ این را قبلاً هم عرض کرده‌ایم. اگر معنویت نشد، عدالت تبدیل می‌شود به ظاهرسازی و ریاکاری؛ اگر عقلانیت نشد، عدالت اصلاً تحقق پیدا نمی‌کند و آن چیزی که انسان تصور می‌کند عدالت است، می‌آید و جای عدالت واقعی را می‌گیرد. بنابراین معنویت و عقلانیت در تحقق عدالت شرط است.

اما بدون عدالت، پیشرفت مفهومی ندارد و بدون پیشرفت هم عدالت مفهوم درستی پیدا نمی‌کند؛ باید هم پیشرفت باشد و هم عدالت. اگر بخواهید الگو بشوید و این کشور برای کشورهای اسلامی الگو بشود، بایستی گفتمان حقیقی و هدف‌والایی که همه برای او کار می‌کنند، این باشد.»

**بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴:** «مکتب امام یک بسته‌ی کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است... بُعد سوم هم وجود دارد، که آن هم مانند معنویت و عقلانیت، از اسلام گرفته شده است... بُعد عدالت هم در مکتب امام بسیار برجسته است. اگر چه به یک معنا عدالت هم از همان عقلانیت و نیز از معنویت برمی‌خیزد، اما برجستگی بُعد عدالت در منظر امام بزرگوار، آن را به طور مشخص‌تری در مقابل ما قرار می‌دهد.»

**بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸:** «اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به‌شدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به‌خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، درحالی‌که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است... اگر عدالت را از معنویت جدا کنیم- یعنی عدالتی که با معنویت همراه نباشد- این هم عدالت نخواهد بود. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام‌های کمونیستی که شعارشان عدالت بود.»

ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان‌شاءالله.

## ۵) استقلال و آزادی:

استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت<sup>۸۶</sup> از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان

است.

۸۶. **بیانات در سالروز رحلت حضرت امام خمینی رحمه‌الله، ۱۴/۰۳/۱۳۹۴:** «یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، ردّ سلطه‌پذیری [است]... استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت؛ این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریمهای مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد! این اصلاً قابل فهم نیست، قابل قبول نیست. متأسفانه کسانی هستند که تئوری‌سازی میکنند برای نفی استقلال کشور، استقلال را گاهی به انزوا معنا میکنند، گاهی به این عنوان که امروز استقلال کشورها یک ارزش به حساب نمی‌آید، قلم‌زنی میکنند و حرف می‌زنند؛ این حرفها هم در بین جامعه پخش میشود. کسانی این جواری حرکت میکنند. این یک غلط بزرگ، یک خطای بسیار مهم و خطرناک است.»

**بیانات در دیدار مجلس خبرگان رهبری، ۱۲/۰۶/۱۳۹۴:** «این شعار معروف «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، تقریباً نوعی حرکت از خاص به عام است، یعنی ذکر عام بعد از خاص است؛ اول می‌گوییم «استقلال»، بعد می‌گوییم «آزادی». استقلال بخشی از آزادی است یعنی اگر چنانچه آزادی فردی را ملاحظه کنیم، این یک روی سکه است، اما آزادی از سلطه‌ی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها روی دیگر سکه است؛ این هم آزادی است؛ پس بنابراین استقلال جزو آزادی است و کسانی که آزادی می‌خواهند اگر چنانچه استقلال را نفی کنند- که متأسفانه آدم گاهی می‌بیند بعضی از روشنفکرانها مفهوم استقلال و مصادیق استقلال را با یک سفسطه‌های به‌ظاهر منطقی و در واقع ضدّ منطقی نفی میکنند- در واقع با آزادی مخالفند.»

**بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۶/۰۴/۱۳۹۳:** «یعنی چه استقلال - استقلال یعنی آزادی از اراده‌ی بیگانگان و اراده‌ی دیگران؛ این معنای استقلال است؛ این را هیچ عقلی می‌تواند انکار کند؟ معنای استقلال این است که یک ملّتی سرنوشت خودش را خودش تعیین کند. این کشور سالهای متمادی دچار استقلال نبود؛ استقلال ظاهری سیاسی بود، اما مغزافزار این نظام و این کشور دست دیگران بود؛ آنها بودند که تصمیم می‌گرفتند؛ آنها بودند که کار می‌کردند؛ افرادی هم در داخل بودند، بعضی دلبسته‌ی آنها، بعضی هم نه‌چندان دلبسته، اما مجبور و ناگزیر دنبال آنها راه می‌افتادند. استقلال، ایستادگی در مقابل یک چنین حالتی است.»

## و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری<sup>۸۷</sup> و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد

جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیّه‌ی الهی به انسان‌هاست و هیچ کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظّف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنها است. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آوردِ صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمر شجره‌ی طیّبه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظّف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید<sup>۸۸</sup> به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود،

۸۷. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۲/۰۶/۱۳۷۷: «در باب مفهوم آزادی، ما باید استقلال را که شعار دیگر ماست به کار گیریم؛ یعنی مستقل فکر کنیم؛ تقلیدی و تبعی فکر نکنیم. اگر در این مسئله که پایه‌ی بسیاری از مسائل و پیشرفتهای ماست، بنا شد از دیگران تقلید کنیم و چشم‌پایمان را فقط بر روی دریچه‌ای که تفکرات غربی را به ما می‌دهد، باز کنیم، خطای بزرگی مرتکب شده‌ایم و نتیجه‌ی تلخی در اختیار خواهد بود.

بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۲/۰۶/۱۳۷۷: «مسأله‌ی «آزادی» یکی از مقولاتی است که در قرآن کریم و در کلمات ائمه علیهم‌السلام به‌طور مؤکد و مکرر روی آن تأکید شده است. البته تعبیری که در اینجا از آزادی می‌کنیم، مرادمان آزادی مطلق نیست که هیچ طرف‌داری در دنیا ندارد. فکر نمی‌کنم کسی در دنیا باشد که به آزادی مطلق دعوت کند. مرادمان آزادی معنوی هم که در اسلام و بخصوص در سطوح راقی معارف اسلامی هست، نیست؛ آن محلّ بحث ما نیست. آزادی معنوی چیزی است که همه‌ی کسانی که معتقد به معنویاتند، آن را قبول دارند؛ محلّ رد و قبول نیست. منظور از «آزادی» که در اینجا بحث می‌کنیم «آزادی اجتماعی» است؛ آزادی به مثابه‌ی یک حقّ انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن و از این قبیل.»

بیانات در خطبه‌ی نماز جمعه‌ی تهران، ۲۰/۱۱/۱۳۶۸: «آزادی‌بی هم که امروز در نظام جمهوری اسلامی وجود دارد، در هیچ جا نیست. مردم آزادند و حرفشان را می‌زنند و آرای خود را اظهار می‌کنند. این توده‌ی مردمند که در نماز جمعه‌ها و راه‌پیمایی‌ها و در جنگ و مراسم گوناگون و در همه‌ی آن چیزهایی که مربوط به مسائل سیاسی و عمومی است، حضور داشتند و دارند. حرف مردم، همان حرفی است که ما از زبانشان می‌زنیم. حرف آن‌ها، همان چیزی است که مسئولان مورد اعتماد مردم، از زبان مردم می‌گویند. خود آن‌ها هم، همین‌ها را تکرار می‌کنند.»

۸۸. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۰/۱۱/۱۳۶۸: «امروز در جمهوری اسلامی، دو خصوصیتی که آرزوی همه‌ی ملت‌هاست، به بهترین وجهی وجود دارد: یکی استقلال و دیگری آزادی. استقلال جمهوری اسلامی در دنیا کم‌نظیر است؛ اگر نگوئیم بی‌نظیر. ما کشورهای قوی و بزرگی را می‌شناسیم که صنعتی و پُرادعا و دارای پیشرفتهای گوناگونند که با تمام این خصوصیات، با کشوری معامله‌ی کرده و چند قلم جنس به یک کشور فروخته و پولش را هم گرفته است؛ اما وقتی می‌خواهد جنس را تحویل بدهد، آمریکاییها از آن طرف دنیا اشاره می‌کنند که تحویل ندهد، این دولت هم دیگر جرأت نمی‌کند جنس را تحویل بدهد! این کشور، اروپایی و صنعتی و پیشرفته هم است و اگر به او بگوئید شما مستقل نیستی، رگهای گردنش بیرون می‌زند!

## و «آزادی» نباید<sup>۸۹</sup> در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

ما استقلال را درست معنا می‌کنیم. استقلال، یعنی جمهوری اسلامی و وضعیتی که ما امروز داریم. هیچ ابرقدرت و قدرتی در طول این یازده سال، در هیچ‌یک از امور و شئون، نتوانسته کوچک‌ترین چیزی را بر ما تحمیل کند. این، مفهوم استقلال است. هیچ کشوری این استقلال را ندارد. من می‌خواهم بگویم حتی کشورهای مثل آمریکا هم این استقلال را ندارند. لا بد بعضی تعجب خواهند کرد. نه، تعجب ندارد. دولت آمریکا هم به سرمایه‌دارهای صهیونیست بین‌المللی وابسته است. اگرچه ممکن است از لحاظ ملیت، خود آن سرمایه‌دارها هم آمریکایی باشند، اما دولت وابسته است. اگر یک رئیس‌جمهور در آمریکا، آنجایی که منافع سرمایه‌دارها ایجاب نمی‌کند، یک قدم کج بردارد- مثل کندی و امثال او- پایش را از دایره بیرون می‌کند و پدرش را درمی‌آورند. استقلال، یعنی آنچه که امروز در جمهوری اسلامی وجود دارد. هیچ قدرت و دولت و تشکیلاتی در دنیا نتوانست این نظام را وادار کند که برخلاف آنچه که تشخیص می‌دهد مصلحتش است- همانی که مسئولان تشخیص می‌دهند- قدمی بردارد.»

۸۹. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، ۱۲/۰۶/۱۳۷۷: «مقوله‌ی «آزادی» را اسلامی بدانید. البته به نظر من، دو گروه هستند که بر ضدّ اسلامی کردن و بومی کردن و خودی کردن مقوله‌ی «آزادی» باهم همکاری می‌کنند: یک گروه کسانی هستند که در کلماتشان، مرتب از گفته‌های فلاسفه‌ی دو، سه قرن اخیر غربی برای مسأله‌ی «آزادی» شاهد می‌آورند: فلان کس این‌طور گفته است، فلان کس آن‌طور گفته است. البته این‌ها نجیبه‌ها هستند که اسم این فلاسفه را می‌آورند؛ اما بعضی فیلسوف‌نماهای مطبوعاتی هم هستند که حرف «جان استوارت میل» و حرف فلان فیلسوف فرانسوی یا آلمانی یا آمریکایی را می‌آورند، ولی اسمش را نمی‌آورند؛ به نام خودشان می‌گویند! این‌ها هم تقلب می‌کنند، لیکن باز هم به اینکه این فکر به وجود آید که تفکر آزادی و مفهوم آزادی اجتماعی، یک فکر غربی و یک هدیه از سوی غرب برای ماست، کمک می‌کنند!

یک دسته‌ی دیگر هم که به این‌ها ندانسته کمک می‌کنند، کسانی هستند که تا مفهوم آزادی مطرح می‌شود، فوراً مرعوب می‌شوند، احساس وحشت می‌کنند و فریاد می‌کشند که آقا! دین از دست رفت! نه؛ دین بزرگترین پیام‌آور آزادی است. چرا دین از دست برود؟! آزادی درست و آزادی معقول، مهم‌ترین هدیه‌ی دین به یک ملت و به یک جامعه است. به برکت آزادی است که اندیشه‌ها رشد پیدا می‌کند و استعدادها شکوفا می‌شود. استبداد، ضدّ استعداد است. هر جا استبداد باشد، شکوفایی استعداد نیست. اسلام، شکوفایی انسانها را می‌خواهد. منابع عظیم انسانی بایستی مثل منابع طبیعی استخراج شوند، تا بتوانند دنیا را آباد کنند. بدون آزادی مگر ممکن است؟ با امر و نهی مگر ممکن است؟ بنابراین، این فکر هم غلط است که کسانی این‌گونه فکر کنند. این دو دسته‌ی غرب‌گرایان و احتیاط‌کنان این‌طوری اسمشان را بگذاریم در واقع بدون اینکه خودشان بدانند، باهم همدستی می‌کنند تا مفهوم «آزادی» را کاملاً از حوزه‌ی اسلامی خارج کنند؛ در حالی که چنین چیزی نیست و مفهوم «آزادی» یک مفهوم اسلامی است.»

## ۶) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن :

این هر سه، شاخه‌هایی از اصل « عزت، حکمت، و مصلحت»<sup>۹۰</sup> در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند:

### تحرك جديد نهضت بيداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت<sup>۹۱</sup>

۹۰. بیانات در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۸ / ۰۴ / ۱۳۷۰: «عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست: عزت: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»، «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً». ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرفه‌هایی که متأسفانه همه‌ی دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم ... ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی که خاصیت و شاخصه‌ی تفکر اسلامی است و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آن‌ها قائلیم ... ما بر اساس عزت اسلامی، عزت توحیدی و عزت ملت خودمان حرکت می‌کنیم. سراغ حکمت می‌آییم. حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هرآنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی می‌گویند حالا که حرف نسنجیده نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟! گویی که هیچ کار سنجیده نمی‌شود کرد! نه، اگر گفتیم ما باید حکیمانه کار کنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبادا غیر حکیمانه درآید! و اما مصلحت؛ مراد، مصلحت شخص من و شما نیست، که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود. نه، گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباش؛ چه اهمیتی دارد؟ مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما بخصوص شما شروع می‌شود. شما که مأمور وزارت خارجه هستید بخصوص سفرا که در خارج هستند، و در درجه‌ی دوم کسانی که به خارج رفت و آمد دارند کار و منش شخصی شما، با منش شخصی عضوی در یک وزارتخانه‌ی دیگر متفاوت است. شما رسول و پیام‌آورید.

۹۱. بیانات در مراسم اعطای نشان فتح به تعدادی از فرماندهان عملیات فتح المبین و بیت‌المقدس، ۰۳ / ۰۳ / ۱۳۶۹: «انقلاب اسلامی و ملت ایران، علی‌رغم میل قدرتهای جهان‌خوار، برای ملت‌ها الگو شده‌اند؛ الگویی زنده و آموزنده. اینکه شما می‌بینید در کشورهای دهه‌ها سال در قفس تنگ توهمات حزبی و ستم قومی گرفتار بودند، ملت‌ها مخصوصاً ملت‌های مسلمان و همچنین ملت‌های مظلوم بسیاری از کشورهای دیگر احساس هویت و شخصیت می‌کنند و حرفشان را می‌زنند و حقشان را مطالبه می‌کنند، این به برکت استقامت ملت ایران است. از روزی که ما شروع کردیم، تا روزی که ملت‌های دنیا الگو و نسخه‌ی ما را تکرار کردند، ده سال و بیشتر طول کشیده است. آنچه که در دنیا مشاهده می‌شود، الگوی مقاومت ملت ایران است.»

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان، ۱۷ / ۰۷ / ۱۳۹۲: «این حوادثی که دو سال پیش در منطقه‌ی ما پیش آمد، حوادث بسیار مهمی بود؛ می‌بینید غربی‌ها چه عکس‌العملی در مقابل آن نشان دادند. حوادث مصر، حوادث منطقه‌ی

شمال آفریقا، حوادث این طرف، حوادث بسیار مهمی بود؛ این بیدار شدن ملت‌ها با دست‌خالی، ایستادن در مقابل تحقیری که غرب و به‌خصوص آمریکا به وسیله‌ی عمال خودشان بر آنها تحمیل کرده بودند، حادثه‌ی بسیار بزرگی بود؛ البته تمام نشده؛ خیال می‌کنند که آن را سرکوب کردند، به نظر ما سرکوب نشده؛ یک پیچ تاریخی بود که منطقه در حال عبور از این پیچ تاریخی است؛ هنوز سرنوشت آن نهایی نشده؛ خود غربی‌ها هم می‌دانند، در تفسیرهای آنها هم همین هست؛ هنوز نگرانند، نمی‌دانند در منطقه چه دارد می‌گذرد. این به برکت قیام ملت ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و به برکت انقلاب اسلامی بود که بشارت‌دهنده‌ی ظهور یک قدرت ملی عمیق مؤمن پابرجای بااستعداد روبه‌رشد و اعتلا- یک چنین قدرتی- بود.

خطبه‌های نماز جمعه تهران+ ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰ / ۱۱ / ۱۴: «بی‌شک غرب می‌کوشد انقلاب‌ها را تبدیل به ضد انقلاب کرده و نهایتاً با بازسازی رژیم‌های قدیمی به شیوه‌ی جدید و تخلیه‌ی احساسات توده‌ها و جابه‌جائی اصول و فروع و تغییر مهره‌های خود و اصلاحات صوری و مصنوعی و ظاهرسازی دموکراتیک، دوباره برای ده‌ها سال دیگر سیطره‌ی خود را بر جهان عرب حفظ کند. غرب در دهه‌های بیداری اسلامی و بویژه سالهای اخیر پس از شکست‌های پیاپی از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و اینک مصر و تونس و ... کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند، تا عملیات تروریزم ضد مردمی را به جای «شهادت‌طلبی»، «تعصب و تحجر و خشونت» را به جای «اسلامگرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و امت‌گرایی»، «غریزدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی» را به جای «پیشرفت مستقل»، «سکولاریزم» را به جای «علم‌گرایی»، «سازشکاری» را به جای «عقلانیت»، «فساد و هرج و مرج» اخلاقی را به جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت»، «مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافیگری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب‌ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» قلمداد کند.

.... اگر انقلاب‌ها باذن‌الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله‌ی اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود؛ این همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است. در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی و استبداد و بی‌دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورهایتان را در کوتاه‌ترین زمانها ان‌شاءالله جبران کنید و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ی مردم‌سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کنید و تهدیدهای داخلی و خارجی را یک به یک از سر بگذرانید؛ چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیزم»، و «برابری» منهای «مارکسیزم»، و «نظم» منهای «فاشیزم غرب» را نهادینه کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت مترقی اسلام را حفظ کنید، بی‌آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی‌آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی‌آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی‌آنکه سکولاریزه و محافظه‌کار شوید. تعریف‌ها باید بازخوانی و اصلاح شوند. دو الگوی «اسلام تکفیری» و «اسلام لائیک» از سوی غرب به شما پیشنهاد شده و خواهد شد تا الگوی «اسلام اصولگرای معتدل و عقلانی» در میان انقلاب‌های منطقه تقویت نشود. کلمات را دوباره و بدقت تعریف کنید. «دموکرات بودن» اگر به معنای مردمی بودن و انتخابات آزاد در چارچوب اصول انقلاب‌هاست، همه دموکرات باشید؛ و اگر به معنای افتادن به دام لیبرال دموکراسی درجه‌ی دوم و تقلیدی باشد، هیچ یک دموکرات نباشید. «سلفی‌گری» اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیاء شریعت و نفی غریزدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت- که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند- سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد.

به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل می‌کند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بیرحمانه مواجه می‌شود، دست‌آستی به سوی آمریکا و ناتو دراز



در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم<sup>۹۲</sup> شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا<sup>۹۳</sup> و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه<sup>۹۴</sup>

می‌کند، ولی در داخل به جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی دامن می‌زند و اشدّاء با مؤمنین و رحماء با کفار است، اعتماد نکنید. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی می‌کشاند. در دهه‌های گذشته، هم نخبگان و هم حاکمان، به وابستگی بیشتر خود به فرانسه و انگلیس و آمریکا و یا شوروی افتخار می‌کردند و از سمبل‌های اسلامی می‌گریختند؛ و امروز همه چیز برعکس شده است.»

۹۲. **بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»**، ۱۰ / ۱۱ / ۱۳۹۰: «امروز در کشورهای اسلامی علیه دیکتاتورهای وابسته قیام شده است؛ این مقدمه‌ای است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین‌المللی، که عبارت است از دیکتاتوری شبکه‌ی فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرت‌های استکباری. امروز استبداد بین‌المللی و دیکتاتوری بین‌المللی متجسم است در دیکتاتوری آمریکا و پیروان آمریکا و شبکه‌ی شیطنی و خطرناک صهیونیستی.»

**بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر**، ۱ / ۱۲ / ۱۳۷۴: «در گذشته هم با اسلام، خیلی دشمنی و ستیزه شده است؛ اما امروز بیش از همیشه، این دشمنی خشن‌تر و صریح‌تر و ستیزه‌جویانه‌تر است. در رأس این دشمنان هم، **اتحاد شوم آمریکا و صهیونیسم** است. آمریکا به عنوان رأس قدرت استکباری عالم و صهیونیسم به عنوان عامل فساد سیاسی و اخلال در روابط مسلمین با یکدیگر و اخلال در روند حرکت رشد ملتها و کشورهای اسلامی، عمل می‌کنند. این دو، باهم متحدند.»

۹۳. **بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها**، ۲۲ / ۰۵ / ۱۳۹۱: «**من اصرار دارم** این منطقه را «غرب آسیا» بگویم، نه خاورمیانه. تعبیر خاور دور، خاور نزدیک، خاور میانه درست نیست. دور از کجا؟ از اروپا. نزدیک به کجا؟ به اروپا. یعنی مرکز دنیا اروپاست؛ هر جایی که از اروپا دورتر است، اسمش خاور دور است؛ هر جا نزدیکتر است، خاور نزدیک است؛ هر جا وسط است، خاورمیانه است! این تعریفی است که خود اروپائی‌ها کردند؛ نه، ما این را قبول نداریم. آسیا یک قاره‌ای است؛ شرقی دارد، غربی دارد، وسطی دارد؛ ما در غرب آسیا قرار داریم. بنابراین منطقه‌ی ما اسمش منطقه‌ی غرب آسیاست، نه منطقه‌ی خاورمیانه.»

۹۴. **سخنرانی در دیدار روحانیون، مسئولان و گروهی از اقشار مختلف مردم**، ۰۶ / ۱۰ / ۱۳۶۸: «امروز بر دنیا نظام سلطه حاکم است. **نظام سلطه یعنی** اینکه کسی در دنیا به اتکای سر نیزه و زور، قلدری بکند و شرم نکند و دیگران هم قلدری او را تحمل کنند. امروز، شما نمونه‌اش را مشاهده می‌کنید و رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، علی‌رغم چهره‌ی ملایمی که در اول کار به خود گرفته بود و تظاهر می‌کرد که با سیاست‌های ریگان مخالف است، نشان داد که این هم برادر اوست و باهم فرقی ندارند و سیاست، یک سیاست و استکبار، یک طبیعت است و نمی‌توانند طور دیگر باشند.»

**بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان**، ۱۰ / ۰۸ / ۱۳۷۴: «**معنای نظام سلطه** آن است که کشورها، ملتها و دولت‌ها یا باید **سلطه‌گر باشند**، یا **سلطه‌پذیر**. دنیا تا چند سال قبل، دوقطبی بود؛ یک طرف نظام غربی به سرپرستی و رهبری آمریکا بود، یک طرف هم نظام شرقی به سرپرستی شوروی. این دو نظام، در صد مسئله هم با یکدیگر توافق داشتند. یکی از آن مسائل حفظ نظام سلطه بود. یعنی هر دو این را پذیرفته بودند که دنیا به دو منطقه تقسیم می‌شود. باهم توافق کرده بودند که هر دو طرف به یکدیگر

اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر<sup>۹۵</sup> و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت

---

کاری نداشته باشند و هر کدام نظام سلطه را در مجموعه‌ی خودش مستقر کند. امروز هم که یکی از این دو قطب فروپاشید و از بین رفت، آن دیگری از فروپاشی رقیب عبرت نمی‌گیرد؛ بلکه در فکر دست‌اندازی و کسب میراث بازمانده از اوست.»

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۰/۰۸/۱۳۷۴: «امروز مظهر نظام سلطه، امریکا است. هر سیئه‌ای که در دنیا براساس نظام سلطه به وجود آید، حتماً بخشی از گناه آن به گردن امریکا است. معنای نظام سلطه آن است که اگر رژیم امریکا برای خود در نقطه‌ای از دنیا منافی فرض کرد، حق دارد در آن نقطه حضور قدرت‌مندان‌ی نظامی پیدا کند و هرکسی را که با منافعش مخالفت کند، بکوبد. موضوع بر سر مشروع یا نامشروع بودن این منافع نیست. برای نظام سلطه فرق نمی‌کند؛ و لو این منافع برخلاف همه‌ی پیمانهای بین‌المللی باشد.»

بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۲۴/۰۸/۱۳۷۹: «محور سلطه در دنیا، امروز دستگاه‌های بسیار خطرناک و بسیار بی‌رحمی هستند که مجموعه‌ی کارتلها و تراستها یعنی شرکتها و کمپانیهای اقتصادی را در سرتاسر دنیا تشکیل می‌دهند و بیشترین تسلط را هم این‌ها بر دولت امریکا دارند. اینکه ما امریکا را یک دولت مستکبر می‌دانیم؛ اینکه ما وقتی می‌گوییم استکبار جهانی، به ذهن همه دولت امریکا خطور می‌کند؛ این به خاطر آن است که تسلط دستگاه‌های استکباری سودجویی قدرت‌طلب زرسالار عالم بر آن حکومت از همه جا بیشتر است و همه‌ی ابزارهای علمی و تسلیحاتی و سیاسی آن دولت در راه استثمار ملتها به کار می‌رود.»

۹۵. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۲/۰۴/۱۳۹۵: «اولین تحریمها، اولین حمله‌ها، اولین خیانتها، اولین جاسوسی‌ها، اولین نفوذهای امنیتی، اولین تهاجمات وسیع و همه‌جانبه‌ی تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی از طرف غربی‌ها شد دیگر؛ از طرف امریکا و از طرف اروپا.»

بیانات در اجتماع مردم بجنورد، ۱۹/۰۷/۱۳۹۱: «مردم ما از خیلی از کشورهای اروپائی خاطره‌ی بدی ندارند. ما از فرانسه، از ایتالیا، از اسپانیا خاطره‌ی بدی نداریم. بله، از انگلیس خیلی خاطره‌ی بد داریم؛ انگلیس را می‌گوئیم «انگلیس خبیث»؛ لیکن کشورهای دیگر اروپائی نه. با این کاری که اینها دارند می‌کنند- همراهی با آمریکا- که به نظر ما کاملاً غیرخردمندانه است، دشمنی ملت ایران را به خود جلب می‌کنند؛ خودشان را در چشم ملت ایران منفور می‌کنند.»

بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱/۰۱/۱۳۹۲: «لانه‌ی اصلی توطئه علیه ملت ایران کجاست؟ پاسخ به این سؤال، دشوار نیست. امروز سی و چهار سال است که هرگاه نام «دشمن» برده میشود، ذهن ملت ایران متوجه دولت آمریکا میشود... ملت ایران در طول این سی و چند سال چیزهائی دیده است، مراحل را گذرانده است، که تا میگویند دشمن، ذهن ملت ایران متوجه به آمریکا میشود... مرکز توطئه اینجا است، اساس دشمنی اینجا است.»

البته دشمنهای دیگری هم هستند که ما اینها را در درجه‌ی اول و در ردیف اول به حساب نمی‌آوریم: دشمن صهیونیستی هم هست، منتها رژیم صهیونیستی در قواره و اندازه‌ی نیست که در صف دشمنان ملت ایران به چشم بیاید... دولت انگلیس خبیث هم با ملت ایران دشمنی می‌کند؛ این هم یکی از دشمنان سنتی و قدیمی ملت ایران است؛ منتها دولت انگلیس نقش مکمل امریکا را در این میدان بازی می‌کند. خود دولت انگلیس استقلالی ندارد که انسان او را یک دشمن مستقلی به حساب بیاورد؛ دنباله‌رو

جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؟ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد

---

آمریکا است. بعضی از دولتهای دیگر هم دشمنی‌هایی دارند. من اینجا مناسب می‌دانم که بگویم مسئولین دولت فرانسه هم در چند سال اخیر دشمنی‌های آشکاری با ملت ایران کرده‌اند؛ این یک ناهوشمندی از سوی دولتمردان فرانسه است. انسان عاقل، به خصوص سیاستمدار عاقل، هرگز نباید انگیزه‌ی این را داشته باشد که موجودی را که دشمن او نیست، تبدیل به دشمن کند. ما با دولت فرانسه، با کشور فرانسه مشکلی نداشتیم؛ نه در طول تاریخ مشکلی داشتیم، نه در دوران حاضر؛ اما سیاست غلط از زمان سارکوزی - که دولت امروز فرانسه هم متأسفانه همان راه را می‌رود - دشمنی با ملت ایران است. به نظر ما این کار غلطی است، کار غیرمدبرانه و غیرعاقلانه‌ای است، کار ناهوشمندانه‌ای است.»

۹۶. **بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی: ۱۳۹۷/۱۱/۲۹:** «دشمن ما هم امروز ضعیف است. ببینید، نمیخواهیم ساده‌لوحی به خرج بدهیم؛ بنده بارها تکرار کرده‌ام و گفته‌ام: «دشمن نتوان ضعیف و بیچاره شمرد»، یعنی این جور نیست که ما از نقاط قوت دشمن غفلت کنیم اما وقتی که درست نگاه میکنیم، می‌بینیم دشمن گرفتار است؛ دشمن اصلی نظام جمهوری اسلامی که استکبار است، مظهرش رژیم متجاوز آمریکا است که امروز گرفتار است؛ هم گرفتار مسائل داخلی‌اش است، هم گرفتار مسائل خارجی‌اش است؛ گرفتار درگیری میان سران کشور است؛ با همدیگر اختلاف دارند سر قضایای مختلف که در خبرها می‌بینید... همین گرفتاری‌ها اینها را عصبانی میکند و آن وقت شما می‌بینید آن دولتمردان ضعیف‌العقل یا واقعاً - همان‌طور که گفتیم - احمق درجه یک، عصبانی میشوند و علیه ملت ایران بنا میکنند به فحاشی کردن، بدگویی کردن؛ خودشان را به در و دیوار میزنند، کنفرانس ورشو را تشکیل میدهند، به جایی نمی‌رسد؛ کشورهای همکار خودشان را، مزدورهای خودشان را، دولتهای مرعوب و ضعیف را دعوت میکنند به ورشو برای اینکه علیه جمهوری اسلامی ایران تصمیم‌گیری کنند، به نتیجه هم نمی‌رسد. اینها همه نشانه‌ی ضعف دشمن است. پس دشمن ضعیف است. وقتی دشمن ضعیف است، هارت و هورت زیاد میکند، جنجال زیاد میکند؛ این جنجال‌نایستی توی دل فلان مسئول را خالی کند یا فلان جوان را دچار اشتباه و خطا بکند، و خیال کند که حالا چه خبر است؛ نه. آن روزی که این انقلاب یک نهال ضعیفی بود، همه‌ی اینها دست به یکی کردند تا این نهال ضعیف را از زمین بکنند، نتوانستند؛ امروز آن نهال ضعیف به این درخت تناور، این شجره‌ی طیبه‌ی عظیم تبدیل شده، هیچ غلطی نمی‌کنند؛ همان جمله‌ای که حضرت زینب به یزید فرمود: کِدَ کَیْدَکَ وَ اَسْعَ سَعِیْکَ ... فَوَاللّٰهِ لَا تَمَحُو ذِکْرَنَا؛ (۹) هر غلطی میتوانی بکنی بکن، [اما] بدان که هیچ غلطی نمی‌توانی بکنی.»

## آمریکا<sup>۷</sup> حلّ هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت<sup>۹۸</sup>

### (۷) سبک زندگی :

سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم<sup>۹۹</sup> و به همین جمله اکتفا می‌کنم که

۹۷. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۹ / ۱۱ / ۱۵؛ «هدفهایی که آنها دنبال می‌کردند، در درجه‌ی اول، سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. **هدف اول، براندازی بود.**

**هدف بعدی** این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را **استحاله** کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه‌ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عده‌ای در داخل، به خاطر حب به نفس، حب به مقام- از این قبیل امراض خطرناک نفسانی- اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوم.

**هدف سوم** هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی می‌ماند، از عناصر ضعیف‌النفسی که می‌توان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد- عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد- در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینهاست.»

۹۸. بیانات در دیدار روحانیون و مبلغان، ۱۳۷۵ / ۰۲ / ۲۶؛ «ارتباط با دشمنان ملت و کشور، ارتباط و اتصال با کسانی که می‌خواهند بر کشور ما حکومت کنند؛ قصد دوستی با ما ندارند و می‌خواهند ثروت این مملکت را به نفع خودشان مصادره کنند، **جز ضرر و زیان حاصلی برای ملت ما ندارد.** ما در سایه‌ی جدایی و دوری از آمریکا و متحدینش، بحمد الله در این هفده سال، این همه پیشرفت کرده‌ایم که قابل مشاهده است.»

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۶ / ۱۰ / ۲۶؛ «وضع کنونی یعنی قطع رابطه‌ی ما با آمریکا اول این را بیان می‌کند که این وضع، نتیجه‌ی رفتار و وضع طبیعی استکبار امریکایی است؛ در واقع، نتیجه‌ی مظلومیت ملت ایران است. حرف دوم این است که مذاکره با آمریکا، هیچ فایده‌ای برای ملت ایران ندارد. حرف سوم این است که **مذاکره و رابطه با آمریکا، برای ملت ایران ضرر دارد.**»

بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران، ۱۳۷۹ / ۰۲ / ۰۱؛ «آمریکا به هیچ کشوری سود نمی‌رساند. اگر چند میلیون دلار به کشوری وام بدهد، چند برابر از او امکانات می‌گیرد! امروز اگر شما به این منطقه نگاه کنید، می‌بینید که این کشورهای اطراف ما دچار فقر و ضعف و استبداد و فساد و مشکلات فراوانی هستند. اینها مگر با آمریکا روابط ندارند؟! همه‌ی اینها با آمریکا روابط دارند. آمریکایی‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند، اما به آن‌ها استفاده نمی‌رسانند!»

۹۹. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱ / ۰۷ / ۲۳؛ «ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم- بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی<sup>۱۰۰</sup> در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است.

انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است- این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم...

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی- آن چیزی که ما می‌خواهیم عرضه کنیم- در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش ... می‌شود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخشهای سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته.»

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح «صالحین»، ۱۳۹۱/۰۹/۰۱: « بحث این است که خودمان، خودمان را عیارسنجی کنیم. رفتار ما در محیط کار چگونه است؟ رفتار ما با همسر و فرزند چگونه است؟ رفتار ما در محیط زندگی و محیط اجتماعی چگونه است؟ رفتار ما با زیردست چگونه است؟ با کسی که بالادست ماست، رفتار ما چگونه است؟ رفتار ما با دوست چگونه است؟ با دشمن چگونه است؟ اینها همه در اسلام اندازه و معیار دارد. خودمان را بسنجیم. این می‌شود عیار خویش را سنجیدن، خود را درست شناختن. اگر از اینجا شروع کردیم، بنیان زندگی ما، بنیان کار ما در همه‌ی بخشها، بخصوص در بسیج، که حالا محل بحث ماست، تقویت خواهد شد.»

۱۰۰. بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۱۳۷۹ / ۰۸ / ۲۴: «تسلط فرهنگی از تسلط اقتصادی و از تسلط سیاسی هم خطرناک‌تر است. چرا؟ چون وقتی یک ملت بر ملت دیگر تسلط فرهنگی پیدا کرد، هویت ملتی که زیر سلطه است، از بین می‌رود. شما فرض کنید یک انسان اصیل نجیب خانواده‌داری که دارای نیاکان و خانواده‌ی بسیار باشرفتی است. اگر کسی بخواهد از او نوکری بگیرد، به آسانی نمی‌تواند؛ چون او به شرافت خانوادگی خود متکی است و حاضر نیست کارهای پست انجام دهد. راه اینکه بتوانند او را به کارهای پست وادار کنند و از او نوکری بی‌مزد و منت بگیرند، این است که شخصیت او را، خانواده‌ی او را، سابقه‌ی او را، هویت او را و تاریخ او را از یاد او ببرند تا فراموش کند کیست و چه شخصیتی دارد. آن‌گاه همه‌گونه می‌توانند در او تصرف کنند؛ همه‌گونه

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخارانگیز و دشمن‌شکن ملت عزیز در بیست‌ودوم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکر میکنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق میسایم. سلام بر حضرت بقیه‌الله (ارواح‌نافه)؛ سلام بر ارواح طیبه‌ی شهیدان والامقام و روح مطهر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه‌ی ملت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.

دعاگوی شما

سیدعلی خامنه‌ای

۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷

می‌توانند بر سر او دست دراز کنند. یک ملت نیز همین‌طور است. اگر یک ملت را از تاریخش، از گذشته‌اش، از فرهنگش، از شخصیتش، از مفاخر علمی و دینی و سیاسی و فرهنگی‌اش جدا کردند و از یادش بردند زبانش را از او گرفتند، الفبایش را از او گرفتند، کتابش را از او گرفتند، سابقه‌ی فرهنگی‌اش را از او گرفتند این ملت آماده خواهد شد که هرچه می‌خواهند بر سرش بیاورند. این ملت دیگر جان پیدا نمی‌کند؛ مگر اینکه شخصیت‌های برجسته‌ای در آن ظهور کنند. این بلا را بر سر بسیاری از کشورها آورده‌اند.»

**بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹/۰۹/۱۹:** «بسیاری از مشکلاتی که به نظرمان می‌رسد در صحنه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و یا حتی سیاسی داریم، اگر کاوش کنیم، به مشکلات فرهنگی برمی‌گردد. با اینکه نظام جمهوری اسلامی، از آغاز بر یک مبنای فرهنگی بنیان شد و رهبر و پدیدآورنده‌ی این نظام، یک عنصر بیش از همه چیز فرهنگی بود و مسئولان این نظام هم در طول این مدت، تقریباً همیشه همین‌طور بوده‌اند، درعین حال باید اعتراف کنیم که در زمینه‌های فرهنگی، آن کار مطلوب و مورد انتظار را خیلی انجام نداده‌ایم. نه اینکه کس خاصی یا جمع خاصی مورد سؤال باشد. نه، مجموعاً در زمینه‌های فرهنگی، ما کم‌کاری داریم؛ حتماً این را باید قبول کنیم.»

**بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۵/۰۹/۲۰:** «به نظر من علاج مشکلات این کشور را چیز دیگری جز اصلاح فرهنگی نمی‌تواند بکند. ما یک تصحیح فرهنگی لازم داریم. قدم اول هم این است که یک مرکز بینای هوشیار نگاه کند و ببیند مشکلات فرهنگی جامعه چیست. به مشکلات کوتاه مدت هم توجه نکند.»

**بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵:** «امروز نفوذ دشمن یکی از تهدیدهای بزرگ است برای این کشور؛ دنبال نفوذند. نفوذ یعنی چه؟ نفوذ اقتصادی ممکن است، که البته کم‌اهمیت‌ترین آن نفوذ اقتصادی است؛ و ممکن است که جزو کم‌اهمیت‌ترین [هم] نفوذ امنیتی باشد. نفوذ امنیتی چیز کوچکی نیست اما در مقابل نفوذ فکری و فرهنگی و سیاسی، کم‌اهمیت است.»

**بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۶/۰۳/۲۲:** «منافع ملی بایستی با هویت ملی تطبیق داده بشود، نه اینکه هویت ملی تابع منافع ملی قرار بگیرد، که قهراً منافع تخیلی است... خب می‌گوییم «هویت ملت ایران»؛ این هویت چیست؟ هویت ملی ما چه‌جوری تعریف میشود؟ ما ملتی هستیم مسلمان، ریشه‌دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما، و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت ما را تشکیل میدهد.»

# تحلیل بیانیه

## در ده گام

تمرکز این نسخه فشرده که کمتر از دو هفته پس از انتشار متن بیانیه آماده گردید بر روی تنظیم حواشی صد گانه بوده است. گرچه اکنون جای بسیار مناسبی است که به یک تحلیل همه جانبه در سه لایه اندیشه‌های بنیادین و راهبردی و راهکارهای مصداقی پردازیم لکن به دلیل محدودیت زمانی، این مهم را به اثر تفصیلی با نام «درسنامه بیانیه» که در آینده تقدیم خواهد شد وا می‌نهیم و در این قسمت تنها در طی چند نکته سعی در تبیین اولیه‌ی نقاط مهم در تحلیل بیانیه با تمرکز بر سخنان مقام معظم رهبری و نظام فکری ایشان داریم، چراکه تحلیل موفق بیانیه را تحلیلی می‌دانیم که در بستر این نظام فکری و با استفاده حداکثری از تمام متون و بیانات ایشان انجام گیرد.

«یکی از دوستان می‌پرسند که به نظرات امام چگونه دست پیدا کنیم؟ به نظر من این کاملاً روشن است. نظرات امام یک مجموعه است و خوشبختانه بیانات امام ثبت شده است و همین است که هست. مثل همه‌ی متونی که از آن‌ها می‌شود تفکر گوینده را استنباط کرد؛ منتها با شیوه‌ی درست استنباط. شیوه‌ی درست استنباط این است که همه حرف‌ها را ببینند، آن‌ها را در کنار هم قرار بدهند، توی آن‌ها عام هست، خاص هست؛ مطلق هست، مقید هست. حرف‌ها را باید با همدیگر سنجید، تطبیق کرد؛ مجموع این حرف‌ها، نظر امام است. البته کار خیلی ساده‌ای نیست، اما روشن است که باید چه کار کنیم: یک کار اجتهادی است؛ اجتهادی است که از عهده‌ی شما جوانها برمی‌آید. بنشینند واقعاً گروه‌های کاری در زمینه‌های مختلف، نظر امام را استنباط کنند، از گفته‌های امام به دست بیاورند.»<sup>۱</sup>

۱. بیانات در دیدار دانشجویان سراسر کشور، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷

## گام اول: نظام فکری مقام معظم رهبری در دو ساحت بنیادین و راهبردی

به منظومه فکری حضرت آقا در دو ساحت می توان پرداخت، بدین شکل که ایشان را یکبار به سان دیگر مراجع و علمای حوزه نگاه کرد و به اندیشه های بنیادین ایشان در موضوعات مرسوم علوم اسلامی مانند: نگاه آقا به مباحث اعتقادی مانند توحید، امامت و ... و یا نظرات ایشان در موضوعات بنیادین اخلاقی و یا فقهی پرداخت، این رویکردی است که مختص ایشان نیست و با این رویکرد می توان به سراغ اندیشه علمای دیگر رفت اما ساحت دیگر تنها مختص ایشان و برخاسته از حیث رهبری جامعه و حکومت اسلامی است و با این رویکرد تنها می توان به سراغ اندیشه های رهبران انقلاب و یا افرادی که در چنین افقی دارای اندیشه هستند رفت.

وظیفه ویژه رهبر آن است که با توجه به مطالب بنیادین اسلامی و کشاندن آن ها به عرصه عمل و اقدام اجتماعی، به مدیریت و رهبری مصداقی نهادها، قشرها و گروه های مختلف جامعه پرداخته و آنها را به سمت کلان آرمان و هدف انقلاب اسلامی هدایت کند؛ می توان نام این ساحت و رویکرد خاص را بعد راهبردی اندیشه نامید.

در ساحت اندیشه های بنیادین مقام معظم رهبری بسیار می توان گفت و نوشت اما محل بحث ما پرداختن به نظام فکری ایشان در ساحت راهبردی است و اگر بخواهیم ترسیمی از نظام فکری بنیادین آقا داشته باشیم لازم است نظرات ایشان را در تمام علوم اسلامی و در بخش های متعدد اعتقادی، اخلاقی، فقهی و ... جمع آوری نموده و به نقشه کلان آن و ستون ها و محورهای آن بپردازیم، که مطمئنا محور کلان، لایه بنیادین نظام فکری امام و آقا مسئله «توحید» است و تمام اندیشه های بنیادین و راهبردی ایشان بسط یافته همین توحید در جلوه های مختلف حیات بشری است، که بسیاری از کتاب های حضرت امام پیش از آغاز نهضت و بسیاری از سخنرانی های حضرت آقا پیش از رهبری، مربوط به همین لایه بنیادین است که در مورد حضرت آقا کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن نمودار بسیار خوبی از اندیشه های بنیادین ایشان می باشد.<sup>۲</sup>

به عنوان نمونه در آثار حضرت امام به دو عبارت زیر اکتفا می نماییم:

« حقیقت توحید، که اصل اصول معارف است، و اکثر فروع ایمانیه و معارف الهیه و اوصاف کامله روحیه و صفات

نورانیّه قلبیه از آن منشعب شود»<sup>۳</sup>

۲. کتاب های متعددی در مورد اندیشه های بنیادین امام و آقا نگاشته شده، بطور مثال بسیاری از مباحث کتاب منظومه فکری امام و منظومه فکری مقام معظم رهبری، نگاشته جناب استاد خسرو پناه مربوط به همین لایه بنیادین است.

۳. امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۸۹



«ریشه و اصل همه آن عقاید- که مهمترین و با ارزش ترین اعتقادات ماست- اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد؛ و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند. و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند.»<sup>۴</sup>

از مقام معظم رهبری یک مقاله منسجم در موضوع توحید وجود دارد که به زیبایی ترسیم بنیاد فکری ایشان را با محوریت توحید نشان می دهد که نام آن «روح توحید نفی عبودیت غیر خدا» است که به برخی از عبارات آن مقاله اشاره می کنیم:

«روزی که پیامبر اسلام، گرانبار از رسالت نجات و رهائی انسان، شعار لاله الا الله را اعلام کرد، نخستین کسانی که با او بر سر ستیزه شدند و او را در آغاز، با ابتدائی ترین سلاح دشمنی یعنی استهزا و تخطئه زبانی و سپس به موازات شکل گیری هر چه بیشتر نهضت توحیدی، با ابزارها و سلاح های قاطعتر مورد هجوم قرار دادند، سران و اشراف قبائل بودند. دیگران زیر نفوذ و تاثیر آنان بود که با پیامبر و گروه وابستگان فکری او به خصومت برخاستند و منظره های شرم آور تاریخ در دوره سیزده ساله پیش از هجرت، تکرار شد.

این واقعیت تاریخی نمایانگر حقیقتی است که برای بازشناسی اسلام و به ویژه توحید که باید سخن اول و آخر اسلامش دانست در خور دقت بسیار است. در روزگار ما یکی از تاسف انگیزترین چیزها که باید برای همه پیام آوران رهاسازی انسان همچون فاجعه ای تلقی شود تحریف مفهوم توحید است؛ یعنی تحریف اصولی ترین محتوای ادیان؛ زیرا هیچ مفهوم دیگری را نمی توان نشان داد که در سراسر تاریخ بدین اندازه به کار رهاسازی انسان آمده و مبشر نجات خلق های ستمدیده باشد. در تاریخ، تا آنجا که دانسته ایم، بعثت ها و نبوت ها عموماً تحولاتی بوده اند در جهت سودمندی انسان و نجات مستضعفان و فرودستان، و بر ضد ستم ها و تبعیض ها و تجاوزها....

این آرمان ها همه در اصل توحید خلاصه شده اند. پیامبران با شعار توحید هم تمامی مقصود خود را مطرح می ساخته اند و هم به دنبال مبارزهای که با طرح این شعار در می گرفت آن مقصود را در عالم واقعیت پیاده می کرده و یا آن را به تحقق نزدیک می نموده اند. در این صورت ناشناخته ماندن یا تحریف معما و محتوای توحید و اکتفا به یک برداشت سطحی و صرفاً ذهنی در روزگاری که همان آرمان ها فوری تر و ضروری تر از همیشه مطرح است، به

راستی باید موضوعی تأسف آور تلقی شود، نه فقط برای معتقدان به جهانبینی توحید، که برای همه پی‌جویان و مدعیان آن آرمان‌ها.

گفتیم که جبهه بندی‌های آغاز طلوع اسلام می‌تواند حقیقت مهمی را درباره توحید روشن سازد، آن حقیقت این است: شعار، «لا اله الا الله» ضربه این شعار، در درجه نخست، متوجه همان کسانی بوده است که با آن به خصومت کمر بسته اند؛ یعنی طبقه مسلط و قدرتمند جامعه. همواره عکس العمل‌های خصومت آمیز در برابر یک فکر و یک نهضت، مفسر گویائی است برای جهنگیری‌های اجتماعی آن و ضریب عمق و تاثیر این جهنگیری‌ها، از راه مطالعه در چهره دشمنان این نهضت و وابستگی‌های طبقاتی آنان، می‌توان جهنگیری طبقاتی و اجتماعی آن نهضت را دانست و از مطالعه در شدت و جدیت دشمنی‌هایشان می‌توان عمق و تأثیر آن را اندازه‌گیری کرد. و بدین سبب است که برای درست شناختن دعوت‌های الهی، یکی از راه‌های قابل اطمینان، مطالعه در جبهه طرفداران و جبهه دشمنان این نهضت‌ها است...

برای آنکه بتوانیم توحید را از این دیدگاه، از دیدگاه تعرضش بر سلطه‌های اجتماعی، مورد تعمق قرار دهیم لازم است قبلاً بدانیم که توحید بر خلاف برداشت عامیانه رایج که آن را صرفاً یک نظریه فلسفی و ذهنی تلقی می‌کنند یک نظریه زیربنائی در مورد انسان و جهان، و نیز یک دکترین اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است. در میان واژه‌های مذهبی و غیر مذهبی، کمتر واژه‌های را می‌توان یافت که تا این حد پربار از مفاهیم انقلابی و سازنده و ناظر به ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی و تاریخی انسان باشد. تصادفی نبوده است که همه دعوت‌ها و نهضت‌های الهی در طول تاریخ، با اعلان یگانگی خدا و ربوبیت و الوهیت انحصاری او، آغاز می‌گردیده است.<sup>۵</sup>

این روح توحید محوری در تمام سخنان ایشان به وضوح موج می‌زند که تنها به عنوان یک نمونه به فرمایش زیر اشاره می‌کنیم:

«انسان در انتخاب جهان‌بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، یک بصیرتی پیدا میکند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است: با نگاه توحیدی، این جهان یک مجموعه‌ی نظام‌مند است، یک مجموعه‌ی قانون‌مدار است، طبیعت هدفدار است؛ ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان، پیدایشمان و زندگی‌مان هدفدار است؛ بی‌هدف به دنیا نیامدیم. این، لازمه‌ی نگاه توحیدی است. معنای اعتقاد به وجود خداوند عالم و قادر این است. وقتی فهمیدیم هدفدار هستیم، آنگاه در جستجوی آن هدف برمی‌آئیم. خود این جستجو، یک تلاش امیدوارانه است. تلاش می‌کنیم آن هدف را پیدا کنیم. بعد که هدف را یافتیم، فهمیدیم هدف چیست، تلاشی شروع میشود برای رسیدن به آن هدف. در این صورت همه‌ی زندگی میشود تلاش؛ آن هم تلاش جهتدار و هدفدار.

---

۵. کتاب روح توحید نفی عبودیت غیر خدا، نشر صهبا.

از آن طرف این را هم میدانیم که با نگاه توحیدی، هر گونه تلاش و مجاهدتی در راه هدف، انسان را قطعاً به نتیجه میرساند. این نتایج مراتبی دارد؛ یقیناً به یک نتیجه‌ی مطلوب میرساند. با این نگاه، در زندگی انسان دیگر یأس، ناامیدی، سرخوردگی و افسردگی معنی ندارد. وقتی شما می‌دانید وجود شما، پیدایش شما، حیات شما، تنفس شما با یک هدفی تحقق پیدا کرده است، دنبال آن هدف می‌گردید و برای رسیدن به آن هدف، تکاپو و تلاش میکنید. از نظر خدای متعال که آفریننده‌ی هستی است، خود این تکاپو هم اجر و پاداش دارد. به هر نقطه‌ای که رسیدید، در واقع به هدف رسیدید. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. فرمود: «ما لنا آلا احدی الحسنین»؛ یکی از دو بهترین در انتظار ماست؛ یا در این راه کشته می‌شویم، که این بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه برمی‌داریم و به مقصود می‌رسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضرری وجود ندارد. درست نقطه‌ی مقابل، نگاه مادی است.<sup>۶</sup>

بطور قطع می‌توان گفت محور کلان نظام فکری امام و آقا در ساحت اندیشه‌های راهبردی، «تمدن» می‌باشد، در واقع نظام فکری راهبردی امام و آقا امتداد و بسط اندیشه‌های بنیادین ایشان در مصادیق امروزی که نیازهای روز اسلام و اقامه امر اهل البیت در عصر حاضر می‌باشد. پس همان طور که توحید محور اساسی تمام اندیشه‌های بنیادین امام و آقا است، بسط نهایی توحید در دنیا خود را به شکل تمدن متجلی می‌نماید و در یک کلام می‌توان گفت تمدن تنزیل دین در مستوای تدبیر جامعه بشری است.

کلان ترین اهداف اسلام در نگاه مقام معظم رهبری و نسبت توحید و تمدن در سخنرانی زیر بطور منسجم خلاصه شده است:

« حفظ انقلاب به معنای حفظ وضع موجود نیست. چرا؟ چون انقلاب در ذات یک حرکت پیشرونده است، آن هم پیشرفت پرشتاب. به کجا؟ به سمت هدفهای ترسیم شده. هدفها عوض نمیشوند. این اصول و ارزشهایی که بر روی آن بایستی ایستادگی کرد و برای آن جان داد، اصول و ارزشهایی هستند که در اهداف، مشخص شده‌اند؛ هدف نهایی تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پایین تر از آن انسان سازی است. هدف پایین تر از آن ایجاد جامعه اسلامی است ... این ها اهداف هستند، این اهداف عوض نشدنی است.»<sup>۷</sup>

۶. بیانات در دیدار دانشجویان و جوانان استان قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۴

۷. بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳۹۰/۰۴/۱۳

## گام دوم: «تمدن»؛ راهبردی ترین محور در نظام فکری رهبر معظم انقلاب

پس از تتبع دقیق در بیانات حضرت امام و مقام معظم رهبری به طور واضح و صریح می‌توان تنها یک مسئله را به عنوان اصلی ترین هدف راهبردی انقلاب اسلامی مطرح کرد و آن مسئله «تمدن نوین اسلامی» است.

حضرت آقا در این زمینه سخنرانی‌های متعددی دارند، که در اینجا تنها به توضیح و تبیین چندی از بیانات ایشان، در باب تمدن نوین اسلامی می‌پردازیم؛ یکی از سال‌هایی که ایشان پر بسامد و بیش از سال‌های دیگر روی مسئله تمدن اسلامی تمرکز دارند، سال هفتاد و نه می‌باشد؛ در واقع آنجا اولین سالی است که ایشان به طور منسجم به بیان کامل مراحل پنج‌گانه تحقق تمدن پرداخته‌اند؛ شاید بتوان گفت سرآغاز سخنان ایشان در بحث تمدن، در جمع اساتید، فضلا و طلباب حوزه علمیه قم و در مدرسه فیضیه می‌باشد که می‌فرمایند:

«مطلب اول این است که خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. این یک پاسخ کلی و قابل توضیح و تشریح است... سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند.»<sup>۱</sup>

پس از این سخنرانی و در حدود دو ماه بعد در دیدار با برگزاران نظام برای اولین بار مراحل پنج‌گانه رسیدن به تمدن اسلامی را مطرح می‌کنند که در گام چهارم به آن خواهیم پرداخت. البته در سال‌های قبل از هفتاد و نه نیز به هدف بودن تمدن اسلامی<sup>۲</sup> اشاره فرموده‌اند:

---

۸. بیانات در دیدار با جمع اساتید، فضلا و طلباب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴  
۹. ایشان واژه حیات طیبیه اسلامی را اصطلاحی قرآنی و هم معنا و مترادف با تمدن نوین اسلامی بکار می‌برند، به عنوان نمونه: بیانات در مراسم بیعت ائمه‌ی جمعه، ۱۳۶۸/۰۴/۱۲: «ملت ما به فضل پروردگار خواهد توانست حیات طیبیه‌ی اسلامی را که دنیا و آخرت و ماده و معنا و علم و عبادت و رفاه در آن جمع شده است، به وجود آورد.» بیانات در دیدار با میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم دهه‌ی فجر و کنفرانس اندیشه‌ی اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۱۲: «هدف از همه‌ی مبارزاتی که ملت ایران به

« ما در حال پیشرفت و سازندگی و در حال بنای یک تمدن هستیم. من این را می‌خواهم به شما بگویم؛ مسأله ما این نیست که زندگی خودمان را نجات دهیم و گلیم خودمان را از آب بکشیم. مسأله این است که ملت ایران - همچنان که شأن اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است.»<sup>۱۰</sup>

« قضیه بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، قضیه‌ای جدی است. آن را جدی بگیرید... به فضل پروردگار در طول سالهای آینده و دهها سال آینده، چنان بنای تمدن رفیعی در این جا و بسی جاهای دیگر، شالوده‌ریزی خواهد شد و چنان عظمتی از اسلام و مسلمین آشکار خواهد شد که دیگر حقیقت و واقعیتی برای استکبار جهانی باقی نخواهد ماند و دیگر استکباری وجود نخواهد داشت.»<sup>۱۱</sup>

« ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ باعظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.»<sup>۱۲</sup>

« این کشور باید ساخته شود، این کشور باید پیش برود. این ملت بزرگ بایستی استعدادهایش شکوفا گردد؛ بایستی در دنیا بدرخشد و بالاخره آن تمدن عظیم اسلامی را در مقابل چشم جهانیان بگذارد و نشان دهد. ما هنوز اول راه هستیم. ما در ابتدای راهیم. انقلاب، موانع را برداشت، ما را به راه انداخت و ما راه افتادیم. هنوز اوایل راهیم.»<sup>۱۳</sup>

اکنون که جملات سال هفتاد و نه به قبل را مرور کردیم مناسب است که برخی از جملات اساسی ایشان در ابعاد بحث تمدن در سال‌های بعد از هفتاد و نه نیز اشاره شود.

---

رهبری امام بزرگوار انجام داد تا انقلاب به پیروزی رسید و همه‌ی تلاش‌هایی که بعد از پیروزی انقلاب در این کشور انجام شد، تشکیل حیات طیبه‌ی اسلامی بود.»

۱۰. پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳ شمسی، ۱۳۷۳/۰۱/۰۱

۱۱. بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۳/۰۸/۱۱

۱۲. بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

۱۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۷/۰۱/۲۷

« باید امروز درصدد ساختن تمدن خود باشیم و باور کنیم که ممکن است.»<sup>۱۴</sup>

« ما این شاء الله خواهیم توانست تمدن اسلامی متعلق به ملت ایران را برای این دوره و برای امت اسلامی در این زمان بار دیگر سر دست بیاوریم و الگوئی را برای حرکت امت اسلامی این شاء الله ارائه بدهیم.»<sup>۱۵</sup>

« ما آمدیم برای اینکه یک جامعه‌ی اسلامی به وجود بیاوریم؛ ما آمدیم تا حیات طیبه‌ی اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم. و اگر بخواهیم با یک نگاه وسیعتر نگاه کنیم، چون بازتولید حیات طیبه‌ی اسلامی در کشور ما می‌تواند و می‌توانست و می‌تواند همچنان الگوئی برای دنیای اسلام شود، در واقع آمدیم برای اینکه دنیای اسلام را متوجه به این حقیقت و این شجره‌ی طیبه بکنیم؛ ما برای این آمدیم. هدف، جز این چیز دیگری نبود، الان هم هدف جز این چیز دیگری نیست.»<sup>۱۶</sup>

« هدف نهائی را باید امت واحده‌ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه‌ی دین و عقلا نیت و علم و اخلاق، قرار داد.»<sup>۱۷</sup>

« اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است.»<sup>۱۸</sup>

« آنچه ما تصور می‌کنیم که وظیفه‌ی ما است، وظیفه‌ی مجموعه‌ی مسئولان کشور است، وظیفه‌ی دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلفه‌ی بزرگ را برای همه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و همه‌ی اقدام‌ها در نظر داشته باشند:

مؤلفه‌ی اول عبارت است از آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ ...؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله‌ی کوتاه ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد.»<sup>۱۹</sup>

۱۴ . بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۱/۰۷/۰۳

۱۵ . بیانات در دیدار نخبگان و فرهیختگان استان فارس، ۱۳۸۷/۰۲/۱۷

۱۶ . بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان و مدیران بخشهای مختلف نظام، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹

۱۷ . بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۹۰/۰۶/۲۶

۱۸ . بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

۱۹ . بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در پایان اجلاس دور روزه‌ی خبرگان، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴

« جوان ها! بدانید، بدون هیچ‌گونه تردیدی آینده‌ی روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلق به شما است؛ شما خواهید توانست کشورتان و ملتتان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه‌ی کامل تمدن نوین اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید؛ برای اینکه بتوانید این وظائف بزرگ را انجام بدهید، بایستی دین را، تقوا را، عفت را، پاکیزگی روحی را در میان خودتان هرچه بیشتر ترویج کنید و تقویت کنید.»<sup>۲۰</sup>

«ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود.»<sup>۲۱</sup>

«حالا آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، حیات طیبه است.»<sup>۲۲</sup>

«آرمان‌ها چه هستند؟ جزو چیزهایی که بنده اینجا یادداشت کردم به عنوان آرمان‌ها، یکی مسئله‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است.»<sup>۲۳</sup>

« عزیزان من! کشور می‌تواند پیش برود، اینکه من بارها می‌گویم تمدن اسلامی و بارها می‌گویم ایران می‌تواند قلّه‌ی تمدن اسلامی قرار بگیرد، شعار و رجزخوانی نیست، این نگاه به واقعیت‌های کشور است. ما می‌توانیم؛ ما می‌توانیم اقتصادمان را پیشرفت بدهیم، صنعتمان را پیشرفت بدهیم، کشاورزی‌مان را پیشرفت بدهیم و خودکفایی را در آنجایی که خودکفایی لازم است به وجود بیاوریم؛ مسئولین باید تلاش کنند. همان‌طور که اول گفتیم، هرکس مسئول است حق آن مسئولیت را اداء کند و تلاش لازم را انجام بدهد.»<sup>۲۴</sup>

«خداوند متعال اگر اراده نکرده بود که این کار پیش برود، این مقدمات را فراهم نمی‌کرد. امام بزرگوار در یک برهه‌ای -متأسفانه جزئیات یادم نیست- از اینکه یک کاری بسهولت انجام گرفته است، استنتاج کرده بودند که خدای متعال

---

۲۰. بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

۲۱. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

۲۲. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵

۲۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

۲۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۰۲/۰۸

میخواهد این کار انجام بگیرد: *إِذَا أَرَادَ اللَّهُ شَيْئًا هَيَّا أَسْبَابَهُ*؛ مقدمات کار که فراهم میشود، پیدا است خدای متعال اراده فرموده است این کار انجام بگیرد. **مقدمات کار، ایجاد انقلاب است، تشکیل جمهوری اسلامی است، تشکیل نظام اسلامی است؛ اینها مقدمات کار است برای ایجاد آن تمدن اسلامی متناسب با این زمان و با این قرن.** اینها مقدماتی است که خدای متعال فراهم کرده است که به آنجا برسیم و ان شاءالله خواهیم رسید.<sup>۲۵</sup>

اکنون که چکیده‌ای از بیانات ایشان در بحث تمدن از مقابل دیدگانتان گذشت، ضروری است توجه به این نکته شود که بحث از تمدن و ابعاد آن در نگاه حضرت امام و آقا مبحث بسیار اساسی و مفصلی است که صاحب این قلم در حال نگارش کتاب مستقلی در این مورد با عنوان «تمدن تنها مسیر ظهور» است، چراکه باید بطور دقیق نشان داد که، اولاً چگونه توحید محور نظام فکری بنیادین امام و آقا است، ثانیاً چگونه توحید در اندیشه‌های راهبردی امام و آقا بسط می‌یابد و تبدیل به اندیشه تمدنی می‌گردد و ثالثاً چگونه این توحید امتداد یافته‌ی در تمدن، در تمام سخنان اصلی امام و آقا با نهادها و قشرهای مختلف مردم ایران و مسلمین جهان خود را متجلی می‌کند، نتیجه بررسی این سه مطلب را در یک کلام می‌توان اینگونه توصیف کرد که هدف رهبری امام و آقا بسان انبیا و اولیاء معصوم علیهم السلام بسط توحید در تمام ابعاد حیات انسانی است. البته عصری که ما در آن به سر می‌بریم ویژگی خاصی نیز دارد که به این بسط توحید و تمدن در زندگی اجتماعی بشر رنگ و بویی ویژه می‌بخشد، چراکه در عصر غیبت امام معصوم، بسط حقیقی توحید در جامعه منتهی به زمینه سازی ظهور حضرت حجت می‌گردد لذا است که بسط توحید در اجتماع و مساله تمدن سازی پیوندی ریشه‌ای با زمینه سازی ظهور حضرت خواهند داشت.

در پایان مناسب است به برخی از بیانات و مکتوبات حضرت امام اشاره کنیم که ایشان نیز تمدن را به عنوان یک محور و هدف راهبردی بیان می‌کنند البته در برخورد با بیانات حضرت امام باید توجه داشت که ایشان کمتر به طور مستقیم از واژه تمدن استفاده کرده‌اند بلکه از تعبیرات دیگری مانند اتحاد کشورهای اسلامی و ... بهره جسته‌اند:

«هدف اسلام است؛ استقلال مملکت است؛ طرد عمال اسرائیل است، اتحاد با کشورهای اسلامی است.»<sup>۲۶</sup>

۲۵. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

۲۶. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۶۷



« ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، **اتحاد ممالک اسلامی** است، برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم پیمانی با تمام دول اسلامی است در سراسر جهان مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمارطلب.»<sup>۲۷</sup>

« من امیدوارم که همه ملت های اسلام که به واسطه تبلیغاتی که، فعالیت هایی که از اجانب شد و این ها را از هم متفرق کردند و مقابل هم قرار دادند، بیدار بشوند و همه با هم بشوند. یک **دولت بزرگ اسلامی**، یک دولت زیر پرچم «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» تشکیل بدهند و این دولت بر همه دنیا غلبه بکند.»<sup>۲۸</sup>

« همه با هم به جلو برویم. همه با هم به [سوی] یک **تمدن صحیح**، نه «تمدن محمد رضایی»! تمدن الهی، تمدن رسول الهی»<sup>۲۹</sup>

« و شما ای مستضعفان جهان وای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان ترسید و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می کنند از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید. و به **سوی یک دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل به پیش روید** که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.»<sup>۳۰</sup>

## گام سوم: تمدن تنها مسیر ظهور

در تمامی اعصار می توان مهمترین وظیفه هر شخص را تکلیف او در نسبت با ولیّ حیّ او دانست که سایر وظایف او در نسبت با مفاهیم دیگر دینی در طول آن قرار می گیرند، در عصر حاضر می توان این وظیفه را در زمینه

۲۷. صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۳۶

۲۸. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۳۴

۲۹. صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۴۳

۳۰. صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۴۴۸ (وصیت نامه سیاسی-الهی امام)

سازی ظهور منجی بشریت عجل الله تعالی فرجه الشریف خلاصه کرد، معمولاً زمانی که صحبت از زمینه سازی ظهور به میان می‌آید، آنچه که به غالب اذهان خطور می‌کند، خودسازی، تقوا، دعا و ... می‌باشد گرچه در لزوم این موارد شکی نیست لکن با دقت نظر و تاملی چند می‌توان متوجه ضرورت کار ویژه‌ای در یک گستره اجتماعی و حکومتی شد، این کار ویژه همانی است که در کلمات امام و رهبری به عنوان یک طرح عملیاتی عینی در راستای زمینه سازی ظهور از آن به «تمدن نوین اسلامی» یعنی «تمدن زمینه ساز ظهور» تعبیر شده است.<sup>۳۱</sup> در ادامه به چند سخنرانی از حضرت امام در این زمینه اشاره می‌کنیم:

«انقلاب اسلامی ایران با تأیید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است، و ان شاء الله با گسترش آن، قدرتهای شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد و حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخر الزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - مهیا خواهد شد.»<sup>۳۲</sup>

«و آخرین سختم در اینجا با شما اینکه به جمهوری اسلامی، که ثمره خون پدرانمان است، تا پای جان وفادار بمانید؛ و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیا و الاولیا، حضرت بقیة الله - روحی فدا - فراهم سازید.»<sup>۳۳</sup>

«مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فدا - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آن‌ها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.»<sup>۳۴</sup>

---

۳۱. تمدنی که مقام معظم رهبری از آن تعبیر می‌کنند، تمدن زمینه ساز ظهور است و تمدنی که بعد از ظهور، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل می‌دهند همان تمدن آرمانی و مدینه فاضله بشریت است.

۳۲. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۴۹

۳۳. صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۹

۳۴. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷

«از خداوند تعالی مسألت می‌کنم که ظهور ولی عصر- سلام الله علیه- را نزدیک فرماید و چشم‌های ما را به جمال مقدسش روشن. ما همه انتظار فرج داریم، و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند، و مقدمات ظهور آن شاء الله تهیه بشود.»<sup>۳۵</sup>

«ما امروز دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم و جنبشی که از طرف مستضعفان و مظلومان جهان علیه مستکبران و زورمندان شروع شده و در حال گسترش است، امیدبخش آتیه روشن است و وعده خداوند تعالی را نزدیک و نزدیکتر می‌نماید. گویی جهان مهیا می‌شود برای طلوع آفتاب ولایت از افق مکه معظمه و کعبه آمال محرومان و حکومت مستضعفان.»<sup>۳۶</sup>

حضرت امام در وصیت نامه الهی سیاسی خویش راهکار عملی زمینه سازی ظهور را اتحاد تمدنی کشورهای اسلامی بیان می‌نمایند، معمولاً حضرت امام از واژه تمدن استفاده نمی‌نماید بلکه همان محتوی را در غالب عباراتی مانند اتحاد همه جانبه کشور های اسلامی بیان می‌نمایند.

«و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان ترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.»<sup>۳۷</sup>

مقام معظم رهبری نیز در زمینه زمینه سازی ظهور توسط تمدن نوین اسلامی می‌فرمایند:

---

۳۵. صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۷۴  
۳۶. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۸۱  
۳۷. وصیت نامه امام خمینی، صفحه ۸۸

«اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی‌امر و ولی‌عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد.»<sup>۳۸</sup>

در سخنرانی مذکور، زمینه‌سازی ظهور حضرت ولی‌عصر ارواحنا له الفداء متوقف بر رسیدن به یک نقطه موعود شده است، با توجه به توضیحات گذشته و با رجوع به دیگر بیانات حضرت آقا بطور واضح متوجه می‌شویم که آن نقطه موعود همان هدف محوری یعنی «ایجاد تمدن نوین اسلامی» است.<sup>۳۹</sup>

«مطلب اول این است که خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. این یک پاسخ کلی و قابل توضیح و تشریح... آری؛ بیشک تمدن اسلامی میتواند وارد میدان شود و با همان شیوه‌ای که تمدنهای بزرگ تاریخ توانسته‌اند وارد میدان زندگی بشر شوند و منطقه‌ای را - بزرگ یا کوچک - تصرف کنند و برکات خود یا صدمات خود را به آنها برسانند، این فرآیند پیچیده و طولانی و پرکار را ببینید و به آن نقطه برسید البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال میکنند دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، آخر دنیاست! من عرض میکنم دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، اول دنیاست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر؛ ... این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه، معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک میکنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند. این امری است که شننی است.»<sup>۴۱</sup>

۳۸. بیانات در دیدار با مردم قم، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

۳۹. در اینجا دو سؤال پیش می‌آید که در جای خود باید بررسی شود: ۱. «تمدن اسلامی چطور می‌خواهد زمینه‌سازی ظهور باشد؟»

۲. «چرا تمدن نوین اسلامی تنها مسیر زمینه‌سازی ظهور است؟»

۴۰. منظور، اغلب کشورهای اسلامی اند.

۴۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

همچنین زاویه نگاه ایشان به مساله مهدویت در فهم و تبیین چرایی ضرورت تمدن برای زمینه سازی ظهور بسیار راهگشا است.

«امام زمان می آید انجام می دهد، یعنی چه؟! امروز تکلیف شما چیست؟ شما امروز باید چه بکنی؟ شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمی شود شروع کرد! جامعه ای می تواند پذیرای مهدی موعود ارواحنا فداه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و آلا مثل انبیا و اولیای طول تاریخ می شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدیها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه ها آماده نبود. چرا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه الصلاه و السلام در زمان خودش؛ در همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن نیروی اراده، با آن زیباییها و درخشندگی هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه های پیامبر اکرم در باره ی او توانست ریشه ی بدی را بخشکاند؟»<sup>۴۲</sup>

«ما آن وقتی می توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است. همان طور که عرض کردم، فرموده اند: «و الله لتمحصن» و «و الله لتغربن»؛ این تمحیص و این امتحان بزرگ که مریدان و شیعیان ولی عصر (ارواحنا فداه) با آن مواجه هستند، همان امتحان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید؛ ملت بزرگ ما این یک قدم را برداشتند.»<sup>۴۳</sup>

البته یک سوال مهم با توجه به منابع دینی می توان گفت: هدف نهایی تعالی و قرب الهی است در این صورت چرا بحث تمدن باید به عنوان مهمترین هدف جامعه اسلامی قرار گیرد؟ حضرت آقا در یکی از بیاناتشان به این پرسش بدین گونه پاسخ می دهند:

«هدف نهایی تعالی و تکامل و قرب الهی است. هدف پایین تر از آن انسان سازی است. هدف پایین تر از آن ایجاد جامعه اسلامی است ... این ها اهداف هستند، این اهداف عوض نشدنی است.»<sup>۴۴</sup>

۱۴۶. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۲۵/۰۹/۱۳۷۶

۴۳. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۳۰/۱۱/۱۳۷۰

۴۴. بیانات در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

شاید همین مقدار از بیانات ایشان برای پاسخ کافی باشد لکن برای توضیح بیشتر به تبیین مختصری از این بیان می پردازیم، در اینجا ایشان به سه مرحله ای اشاره می کنند که هر کدام مقدمه دیگری است، مرحله اول همان تمدن نوین اسلامی است که از آن به جامعه اسلامی تعبیر کرده اند که خود مقدمه ای است برای مطلبی دیگر یعنی انسان سازی و انسان سازی نیز مقدمه است برای قرب الهی.

انسان سازی توسط ایجاد تمدنی اسلامی روشی است بر خواسته از روش تربیتی انبیاء، که حضرت آقا در برخی از سخنرانی هایشان اینگونه به آن اشاره فرموده اند:

« انبیا فقط یک پاسخ دارند به این سوال که چگونه می توان انسان ها را ساخت؟ چگونه می توان انسان ها را بر طبق الگوهای صحیح الهی تربیت کرد؟ یک جواب دارند، ... انبیا می گویند اگر بخواهیم ما یکی یکی آدم ها را درست کنیم، شب می شود و عمر می گذرد؛ جامعه لازم است، نظام لازم است، باید در منگنه یک نظام، انسان ها به شکل دلخواه ساخته بشوند و بس، فقط همین است و بس»<sup>۴۵</sup>

« از چه راهی و از چه وسیله ای پیغمبر استفاده می کند برای ساختن انسان ها؟ چه جوری انسان ها را پیغمبر می سازد؟ مدرسه درست می کند؟ مکتب فلسفی درست می کند؟ پیغمبر صومعه و جایگاه عبادت درست می کند؟ گفتیم که نه؛ پیغمبر برای ساختن انسان، کارخانه انسان سازی درست می کند، ... کارخانه انسان سازی چیست آقا؟ کارخانه انسان سازی، جامعه و نظام اسلامی است.»<sup>۴۶</sup>

با توجه به سخنان حضرت آقا دو زاویه نگاه ایشان به تمدن اسلامی برای ما روشن می شود، اول آنکه تمدن نوین اسلامی همان راهکار عملیاتی زمینه سازی ظهور است و دیگر آنکه تمدن اسلامی، عظیم ترین کارخانه تربیت بشری یعنی والا هدف انبیا می باشد.

## گام چهارم: پنج مرحله کلان تا تحقق تمدن نوین اسلامی

---

۴۵ . جلسات روزانه ماه مبارک رمضان در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد مقدس، ۱۳۵۳/۰۷/۱۳ (مخاطبان برای دیدن کامل متن این سخنرانی می توانند به کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن جلسه هفدهم مراجعه نمایند).

۴۶ . جلسات روزانه ماه مبارک رمضان در مسجد امام حسن علیه السلام مشهد مقدس، ۱۳۵۳/۰۷/۱۹ (مخاطبان برای دیدن کامل متن این سخنرانی می توانند به کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن جلسه بیست و سوم مراجعه نمایند).

سال هفتاد و نه اولین سالی است که ایشان به طور منسجم به بیان کامل مراحل پنج گانه تحقق تمدن پرداخته‌اند؛ شاید بتوان گفت یکی از مهمترین سخنرانی‌های ایشان در بحث تمدن، بیانات ایشان در آن سال و در جمع کارگزاران نظام است که چنین فرموده‌اند:

« ما می‌خواهیم... آن حکومتی را که بتوان این هدف‌ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرایند طولانی و دشواری دارد و **شروعش از انقلاب اسلامی** است. البته انقلاب که می‌گوییم، حتماً به معنای زدوخورد و شلوغ کاری و امثال این‌ها نیست؛ برخلاف آن برداشتهایی است که می‌بینیم در بعضی از نوشته‌ها خوششان می‌آید با کلمه‌ی انقلاب بازی کنند! ... انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالشهای دشوار و بدون زورآزمایی، امکان پذیر نیست؛ ... انقلاب آنجایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق **نظام اسلامی** است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی. بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمده، نوبت به تشکیل **دولت اسلامی** به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه‌ی اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. ... این مرحله‌ی سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه. مرحله‌ی چهارم که بعد از این است **کشور اسلامی** است... از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، **دنیای اسلامی** است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید. **ما در کدام مرحله‌ایم؟ ما در مرحله‌ی سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است.**»<sup>۴۷</sup>

این سخنرانی برای شخص ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است چراکه در سال‌های بعد بارها به این صحبت مهم ارجاع می‌دهند، به عنوان نمونه:

«من سال گذشته عرض کردم فرایند تحقق هدف‌های اسلامی یک فرایند طولانی و البته دشواری است...»<sup>۴۸</sup>

۴۷. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

۴۸. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

«بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتیم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله‌ی بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است.»<sup>۴۹</sup>

«من چند سال قبل عرض کردم که مرحله بعد از نظام اسلامی دولت اسلامی است...»<sup>۵۰</sup>

این پنج مرحله کلان‌ترین نقشه تحقق اهداف اسلامی و مسیر راهبردی آن است که در سالیان متعدد مورد تاکید و تصریح ایشان تا به امروز قرار گرفته است که به عنوان نمونه به یکی از سخنان سال‌های اخیر ایشان که دارای نکات جدید و مهمی است اشاره می‌کنیم:

«انقلاب مرحله‌ی دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله‌ی اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و با لغت نو، با تعابیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله‌ی اول انقلاب بود. بعد در مرحله‌ی دوم، این نظام بایستی ارزشها را محقق کند؛ این ارزشها و آرمانهایی که حالا اشاره می‌کنم و بعضی را می‌گوییم، باید در جامعه تحقق بیخشد. به این ارزشها اگر بخواهد تحقق بیخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی. بنابراین **مرحله‌ی بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است**، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله‌ی اجرائیات درست -قانون درست، اجرای درست- این آرمانها و ارزشهایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه میشود **جامعه‌ی انقلابی**؛ یک جامعه‌ی انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله‌ی چهارم است. **حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعه‌ی انقلابی**؛ این چهارم [است]. بعد که جامعه‌ی انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد **تمدن انقلابی و اسلامی** به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای **کلمه‌ی «انقلابی» میتوانید کلمه‌ی «اسلامی» بگذارید**؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مرحله‌ی است که وجود دارد.»<sup>۵۱</sup>

۴۹. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶

۵۰. بیانات در خطبه نماز جمعه، ۱۳۸۴/۰۸/۲۵

۵۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷



## گام پنجم: تدریجی و زمان بر بودن تحقق تمدن (چرا امید بزرگترین جهاد است؟)

بررسی تاریخ تمدن‌های بزرگ عالم نشان از آن دارد که سر برآوردن یک تمدن جدید در هر دوره‌ای نیاز به استقامت چند نسل پی در پی و حرکت تدریجی به سمت آن تمدن دارد، بر همین اساس است که زنده نگه داشتن امید در تمام مراحل و خصوصاً در مراحل میانی این حرکت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه آنها که در میانه راهاند نه شوق احساس گونه مراحل اولیه را دارند نه خود را آنقدر نزدیک به انتهای مسیر می‌بینند و دقیقاً در همین فضا است که صبر فرا نسلی کلید اساسی تحقق آرمان‌ها است.

«فرایند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرایند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک میشود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است. قدم اول که پرهیجان‌تر و پرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است. قدم بعدی، ترتیب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی - که از این‌ها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه‌ی کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است.»<sup>۵۲</sup>

«خب، چهل سال [از انقلاب] گذشته است. چهل سال زمان زیادی نیست؛ برای عمر تمدن‌ها چهل سالگی آغاز بلوغ و حرکت فکری است. چهل سالگی دوران پیری نیست [بلکه] دوران شکوفایی است و این شکوفایی ان شاءالله وجود خواهد داشت.»<sup>۵۳</sup>

«در تاریخ عالم، عمر ملت‌ها یک ساعت است. به نظر ما طولانی می‌آید؛ اما وقتی که به گذر جریان تاریخ نگاه می‌کنید، هر کدام از این ملت‌ها ساعتی هستند و می‌آیند و می‌روند. این ساعت را طولانی کردن، خوب کردن و با افتخار به وجود آوردن، به دست آحاد ملت‌هاست. قرآن، این را به ما درس داده است. تجربه‌ی آن هم سخت است؛ لذا ملت‌ها غالباً تجربه نمی‌کنند و توسریش را می‌خورند و سختی‌هایش را هم تحمل می‌کنند. اما ملت ما این تجربه را انجام داد. این را قدر بدانید؛ خیلی عظیم است.»<sup>۵۴</sup>

۵۲. بیانات در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱

۵۳. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

۵۴. بیانات در دیدار دیدار ایثارگران، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

دقیقا در همین فضا است که مقام معظم رهبری در دیدار با نهادها و اقشار تمدن ساز سخن از اهداف بلند مدت پنجاه ساله می کنند.

«استعدادهای انسانی، عنصر انسانی و ظرفیت انسانی، خیلی خیلی بالاست. هدف، باید همان چیزی باشد که من بارها گفته‌ام. کشور باید در علم، در دانش و به تبع علم و دانش، در آنچه که مترتب بر علم است، در رتبه‌های اول جهان قرار بگیرد. نمی‌گویم پنج سال دیگر، ده سال دیگر؛ نه، هدف را بگیرید پنجاه سال دیگر؛ اما باید برویم و برسیم و این، به همت احتیاج دارد و من به شما عرض بکنم: مطمئن باشید این ملت، آن ملتی است که اگر این حرکت را بکند، خواهد رسید. همه‌ی ملتها این‌طور نیستند؛ بعضی ملتها این استعداد را ندارند؛ بعضی ملتها این موقعیت جغرافیایی را ندارند؛ بعضی ملتها این گذشته‌ی فرهنگی را ندارند؛ این میراث عظیم و غنی را ندارند؛ بعضی ملتها استعداد انسانی‌شان این قدر نیست.»<sup>۵۵</sup>

« شما جوان‌ها خودتان را در قبال مسئله‌ی پیشرفت کشور مسئول بدانید. برنامه‌ی پیشرفت، برنامه‌ی مشخصی است، برنامه‌ی فکرشده و سنجیده‌ای است. ملاحظه کردید، الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی که تا پنجاه سال می‌تواند قالب حرکت این کشور در جهات مختلف باشد، تبیین شده و تعیین شده و آماده‌شده است، در اختیار صاحب نظران است که آن را ورز بدهند و تکمیل کنند و کامل کنند. شما خودتان را جزئی از فعالان این نقشه‌ی وسیع و همه‌جانبه بدانید و برای آن خودتان را آماده کنید. این آمادگی، یک روز با درس خواندن است، یک روز با تحقیق کردن است، یک روز با ساختن است، یک روز با کار و ابتکار است، یک روز با اتخاذ مواضع درست سیاسی است، یک روز با حضور در میدان سیاست است؛ هر روزی، هر دوره‌ای از زندگی شما یکی از این اقتضانات را دارد. خودتان را در همه‌ی احوال موظف بدانید که در قبال پیشرفت کشور، خودتان را سهیم و مسئول بدانید.»<sup>۵۶</sup>

## گام ششم: «مردم، جوانان و بسیجیان» عظیم‌ترین سرمایه در مسیر تمدن سازی

۵۵. بیانات در دیدار نخبگان استان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۹

۵۶. بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲

تمدن اسلامی که هدف نهایی اش رسیدن به کارخانه انسان سازی است به این معنا که تمدن عظیم ترین گهواره تربیت ساختاری نسل ها خواهد شد چه در مرحله ساخت تمدن و چه در مراحل مدیریت و صدور آن نگاه اصلی اش به مردم به عنوان مهمترین عنصر موثر در تمدن و مهمترین محصول و خروجی آن است.

« **محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می‌شود: اسلام و مردم.** »<sup>۵۷</sup>

«هر جایی که به خدا تکیه کردیم، به نیروی مردم تکیه کردیم و حاضر به حرکت جهادی شدیم، پیروز شدیم؛ نگاه کنید شما از اول انقلاب تا حالا، هر جا ما مردم را آوردیم وسط کار، به نام خدا شروع کردیم و حرکتان حرکت جهادی بود، ما در آنجا پیروز شدیم. در **خود اصل انقلاب این اتفاق افتاد، مردم آمدند، مردم خیابانها را پر کردند، قشربهای مختلف مردم آمدند وسط میدان، و حرکت حرکت جهادی بود. در دفاع هشت ساله - هشت سال جنگ شوخی نیست؛ هشت سال جنگ را بر این مملکت تحمیل کردند - مردم آمدند وسط کار. امام (رضوان الله تعالی علیه) - که روح مطهر این مرد بزرگ شاد باد و با انبیاء و اولیاء محشور باد - راز قضیه را فهمید که باید چه کار بکند؛ خدا به او الهام کرد، او را هدایت کرد، مردم را آورد وسط میدان و نام خدا را سردست گرفت و حرکت کرد. در جنگ هشت ساله ما پیروز شدیم؛ در همه‌ی موارد دیگری که مردم آمدند و خدای متعال بر زبان و دل مردم حاکم بود و کار کار جهادی بود، ما پیروز شدیم؛ این هم یک واقعیتی است.»<sup>۵۸</sup>**

در میان اقشار مختلف مردم جوانان از ویژگی‌های ممتازی بر خوردارند که خصوصاً بار اصلی تمدن سازی را متوجه خویش می نمایند و به همین دلیل است که سالها پیش نیز مقام معظم رهبری وظیفه جوانان را حرکت به سمت تمدن سازی فرموده‌اند:

« ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمکهای معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت های معنوی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شمامست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.»<sup>۵۹</sup>

۵۷. بیانات در سالگرد ارتحال امام، ۱۳۸۲/۰۳/۱۴

۵۸. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵

۵۹. بیانات در دیدار ایثارگران، در سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

و به همین دلیل است که مقام معظم رهبری از هم اکنون نیز مخاطب خویش را نسل فرزادهای بعد قرار می دهند:

«بعد از رحلت امام، ما هرجا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هرجا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است. بنده در این سالها خودم مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این حقیر هم هست؛ هرجا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛ هرجا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. میتوانیم برسیم به شرط اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی پیش برویم. مخاطب این سخن، نسل امروز و نسل فردا و نسل فرزادهای بعد است؛ مخاطب این سخن، همه‌ی ما هستیم؛ مسئولان مخاطبند؛ فعالان سیاسی، فعالان فرهنگی، فعالان اجتماعی، همه مخاطب این سخنند؛ جوانان، دانشگاهیان، حوزویان، پیشه‌وران، روستاییان، شهریان، همه مخاطب این سخنند؛ همه باید بدانند میتوان این راه را با شیوه‌ی انقلابی حرکت کرد و آن وقت، پیشرفت قطعی است؛ و میتوان به شیوه‌ی دیگری حرکت کرد و آن وقت سرنوشت سرنوشت رقت‌آوری خواهد بود. امام تعبیر رایجی داشتند، مکرر در مواردی می‌گفتند: «اسلام سیلی خواهد خورد». اگر راه را عوض کردیم، ملت ایران سیلی خواهد خورد، اسلام هم سیلی خواهد خورد.»<sup>۶۰</sup>

دلیل این تاکید مقام معظم رهبری را در منظومه فکری ایشان در مساله جوان می توان جستجو کرد که در ادامه به برخی از مهمترین بیانات ایشان در مساله جوانان می پردازیم.

«من اساساً در بین این خصوصیات مهمی که جوانان دارند، سه خصوصیت را خیلی بارز می‌بینم، که اگر آن‌ها مشخص گردد، و اگر آن‌ها به سمت درستی هدایت شود، به نظر می‌آید که می‌شود به این سؤال شما پاسخ داد. آن سه خصوصیت عبارت است از: انرژی، امید، ابتکار. این‌ها سه خصوصیت برجسته در جوان است. اگر واقعاً رسانه‌ها در کمک‌های فرهنگی که به ما می‌کنند چه گویندگان مذهبی، چه گویندگان مسائل فکری و فرهنگی، چه صدا و سیما و چه مدرسه‌ها بتوانند این سه خصوصیت عمده را درست هدایت کنند، من خیال می‌کنم که خیلی راحت می‌شود یک جوان راه اسلامی را پیدا کند؛ چون اسلام هم چیزی که از ما می‌خواهد این است که ما استعدادهای خودمان را به فعلیت برسانیم.»<sup>۶۱</sup>

۶۰. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴:

۶۱. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷

«جوانان در هر برهه‌ای از تاریخ کشورها و ملت‌ها، می‌توانند یکی از مهم‌ترین مراکز سعادت یک ملت باشند. علت هم این است که جوان از طهارت فطری برخوردار است. جوان، پاک و نالوده است. آلودگی‌هایی که در طول زندگی به سراغ انسانها می‌آید و زنجیرهایی بر دست و پای روح آنان می‌بندد و آنان را از حرکت و عروج و تکامل بازمی‌دارد، در مورد جوانان یا وجود ندارد و یا بسیار کم است. جوان، مهبط لطف پروردگار است و در بسیاری موارد دل او محلّ جلوه‌ی عنایات ویژه‌ی الهی است. جوانان باید قدر این موهبت را بدانند. صفایی که می‌تواند روح انسان به دست بیاورد و با آن از لایه‌های گرفتاری مادی و آلودگیها و پلیدیها عبور کند و دامن خود را پاک نگه دارد، در جوانان بیش از همه‌ی انسان‌هاست.»<sup>۶۲</sup>

نسل جوان در هر جامعه، **موتور حرکت تحولات اجتماعی** و تحولات سیاسی است؛ به‌خصوص جوان دانشجو؛ طبیعتش این است.»<sup>۶۳</sup>

«جمعیت جوان و بالاستعداد ما، یک فرصت دیگر است. مایه‌ی تأسف است که بعضیها از کثرت افراد جوان در کشور ما به‌عنوان یک نعمت یاد نمی‌کنند؛ درحالی‌که این بزرگترین سرمایه است. این همه جوان تشنه‌ی کار و فعالیت، چیز بسیار باارزشی است.»<sup>۶۴</sup>

«جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه‌اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگرانند و دست آن‌ها کارآمدتر از دست دیگران است. حتی در حرکت انبیای الهی هم از جمله حرکت صدر اسلام محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند. آن کشورهایی که جوان کم دارند کمالینکه بعضی از کشورها امروز به خاطر بعضی از سیاستهای تنظیم نسل و خانواده و از این حرفها، دچار کمبود نسل جوان هستند و لو در علم و تکنولوژی و ترقیات جلو باشند، کارشان لنگ است؛ مجبورند از کشورهای دیگر جوان قرض بگیرند! جوان و جوانی، یکی از درخشندگی‌های آفرینش الهی است. دشمنان جوامع از جمله جوامع اسلامی این نکته را خوب تشخیص داده‌اند و بخصوص روی آن انگشت گذاشته‌اند. این مربوط به امروز نیست؛ از یک قرن پیش تاکنون این‌گونه بوده است.»<sup>۶۵</sup>

۶۲. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۴/۰۸/۱۰

۶۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

۶۴. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

۶۵. سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵

«یک لشکری از جوانهای مؤمن و انقلابی لازم است که وارد میدان بشوند، مطالبه کنند آرمانها را و خودشان کمک کنند به تحقق این آرمانها که البته اینکه حالا چه جوری کمک کنند، جای بحث دارد؛ حالا شاید من اگر به آن بخش دُوم رسیده، میتوانیم راجع به این هم نکاتی را عرض بکنیم.»<sup>۶۶</sup>

«امروز هم جوان ما آماده است برای اینکه در راههای بزرگ، در کارهای بزرگ سینه سپر کند، وارد بشود، وارد میدان بشود؛ من عرض میکنم ما در داخل کشور میلیون‌ها جوان داریم که اگر تجربه‌ای مثل تجربه‌ی سالهای ۶۰ برای کشور پیش بیاید، قطعاً آنها با کمال قدرت، با کمال عزت نفس، با کمال دل‌آوری و عزم وارد میدان میشوند و کشور را حفظ میکنند و نگه می‌دارند.»<sup>۶۷</sup>

اما در میان جوانان نیز بطور خاص جوانان انقلابی و جهادی با روحیه‌های بسیجی همان عده‌ای هستند که شانه‌هایشان بار انقلاب را به دوش کشیده و خواهد کشید.

«تا وقتی در این مملکت، یک عده - نمی‌گوییم خیلی زیاد - انسان مومن وجود دارند که حاضرند جانشان را بر سر این کار بگذارند این بنا محکم ایستاده است؛ من بخش مهمی از همتم این است که این ستون‌های محکمی را که زیر این خیمه قرار دارند موربانه نخورد. من مرتب به مراعات زهد و مثل آن توصیه می‌کنیم «به دنیا آلوده نشویم» و اینها را به شما می‌گوییم. این از جهت این است که قضیه مهم است. بحث این است که ما خیمه‌ای داریم که با ستون‌های برافراشته است اگر خلایی نکرده موربانه در این ستون‌ها افتاد دیگر آن را نمی‌شود کاری کرد. اگر میخ‌ها کنده شوند مهم نیست. گوشه‌ای از بدنه خیمه جر بخور می‌دوزیمش مهم نیست. اما ستون‌ها، آن پایه‌های محکمی که این بنا را روی دوش خودشان گرفته‌اند نباید بلرزد. لزومی ندارد وجه بد قضا یا را زیادی ببینید و مبالغه کنید؛ نه، بحمد الله پایه انقلاب بسیار مستحکم است.»<sup>۶۸</sup>

«دستگاه‌های دولتی، آنهایی که مربوط به فرهنگند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزشهای اسلامی را [باز کنند]، آغوش خود را به روی بچه‌مسلمان‌ها، به روی جوان‌های مؤمن، به روی بچه‌های انقلابی، به روی بچه‌های حزب‌اللهی باز کنند؛ اینها می‌توانند کار کنند و دارند کار می‌کنند؛ کارهای فرهنگی بالارزشی دارد انجام می‌گیرد. در همه‌ی زمینه‌ها جوانان انقلابی ما میتوانند تلاش

۶۶. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

۶۷. بیانات در مراسم رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۹۶/۰۳/۱۴

۶۸. ۱۳۷۶/۱۲/۱۴، به نقل از کتاب بصیرت و استقامت، صهبا، ویرایش دوم، ص ۸۷

کننده کار کنند. جوانان عزیز! کشور مال شما است، فردا مال شما است، امروز هم مال شما است؛ بدانید شما اگر در میدان باشید، شما اگر با ایمان به خدا و توکل به خدا حرکت کنید، شما اگر باور به خود داشته باشید، آمریکا و بزرگتر از آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکنند.»<sup>۶۹</sup>

در یک جمع بندی فشرده از جهت گیری عبارات بیانیه گام دوم می‌توان سمت و سوی تمام عبارات آن را منتهی به سه عنصر «جهاد»، «تمدن»، «جوان» دانست که در واقع در مسیر پر فراز و نشیب رسیدن به هدف جمهوری اسلامی که رسیدن به تمدن زمینه ساز ظهور است، بار مسئولیت اصلی در پیش رفت این مسیر همواره بر دوش جوانانی است که با روحیه جهادی و انقلابی حرکت کنند و اکنون که چهل سال از انقلاب می‌گذرد نوبت به حضور نسلی جدید از مسئولان و مدیران و عناصر فعال رسیده است که در واقع می‌توان از آن تعبیر به جابه جایی قدرت میان نسل‌ها تعبیر نمود.

« شما جوان‌ها خودتان را در قبال مسئله‌ی پیشرفت کشور مسئول بدانید. برنامه‌ی پیشرفت، برنامه‌ی مشخصی است، برنامه‌ی فکر شده و سنجیده‌ای است. ملاحظه کردید، الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی که تا پنجاه سال می‌تواند قالب حرکت این کشور در جهات مختلف باشد، تبیین شده و تعیین شده و آماده شده است، در اختیار صاحب نظران است که آن را ورز بدهند و تکمیل کنند و کامل کنند. شما خودتان را جزئی از فعالان این نقشه‌ی وسیع و همه‌جانبه بدانید و برای آن خودتان را آماده کنید. این آمادگی، یک روز با درس خواندن است، یک روز با تحقیق کردن است، یک روز با ساختن است، یک روز با کار و ابتکار است، یک روز با اتخاذ مواضع درست سیاسی است، یک روز با حضور در میدان سیاست است؛ هر روزی، هر دوره‌ای از زندگی شما یکی از این اقتضائات را دارد. خودتان را در همه‌ی احوال موظف بدانید که در قبال پیشرفت کشور، خودتان را سهیم و مسئول بدانید.»<sup>۷۰</sup>

## گام هفتم: «روحیه انقلابی و عمل جهادی» کلان راهبرد جاری در تمام مراحل تمدن سازی

تا اینجا دیدیم که مسیر تمدن سازی چیست و تمدن سازان چه کسانی هستند، اکنون باید تاکید بر صفت بنیادینی نمود که هم تمدن و هم تمدن سازان جز با آن صفت ره به مقصود نمی‌برند یعنی هم تمدن باید انقلابی و جهادی باشد و هم تمدن سازان.

۶۹. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۵/۰۱/۰۱:

۷۰. بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۸/۱۲:

مقام معظم رهبری در مورد «تمدن انقلابی» چنین فرموده اند:

«در مجموعه‌ی انقلاب، از اول انقلاب یک تفکر غلطی وجود داشت و آن این بود که انقلاب، تا وقت تشکیل نظام است؛ وقتی که نظام تشکیل شد و نهادها و مقررات و دیوان‌سالاری و مانند اینها مستقر شد، دیگر انقلاب برود دنبال کارش؛ دیگر کاری با انقلاب نداریم؛ انقلاب را هم معنا میکنند به تنش و دعوا و سروصدا و کارهای غیر قانونی و از این حرفها. یک چنین تفکری مال امروز نیست و از روز اول پیروزی انقلاب یک چنین تفکری وجود داشت؛ این تفکر، غلط است. انقلاب مرحله‌ی دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله‌ی اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمانها و ارزشهای نو و با لغت نو، با تعابیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله‌ی اول انقلاب بود. بعد در مرحله‌ی دوم، این نظام بایستی ارزشها را محقق کند؛ این ارزشها و آرمانهایی که حالا اشاره می‌کنم و بعضی را می‌گوییم، باید در جامعه تحقق بیخشد. به این ارزشها اگر بخواهد تحقق بیخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت انقلابی. بنابراین مرحله‌ی بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آن وقت بایستی به وسیله‌ی اجرائیات درست قانون درست، اجرای درست - این آرمانها و ارزشهایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه میشود جامعه‌ی انقلابی؛ یک جامعه‌ی انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله‌ی چهارم است. حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعه‌ی انقلابی؛ این چهارم است. بعد که جامعه‌ی انقلابی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه‌ی «انقلابی» میتوانی کلمه‌ی «اسلامی» بگذاری؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مرحله‌ی است که وجود دارد.»<sup>۷۱</sup>

مقام معظم رهبری در مورد «تمدن سازان انقلابی و جهادی» چنین فرموده اند:

«بعد از رحلت امام، ما هر جا انقلابی عمل کردیم پیش رفتیم و هر جا از انقلابیگری و حرکت جهادی غفلت کردیم، عقب ماندیم و ناکام شدیم؛ این یک واقعیتی است. بنده در این سالها خودم مسئول بودم؛ اگر تقصیری در این مطلب باشد، متوجه این حقیر هم هست؛ هر جا انقلابی بودیم، جهادی حرکت کردیم، بر روی آن ریل حرکت کردیم، پیش رفتیم؛ هر جا کوتاهی کردیم و غفلت کردیم، عقب ماندیم. میتوانیم برسیم به شرط

۷۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷



اینکه انقلابی حرکت کنیم و انقلابی پیش برویم. **مخاطب این سخن، نسل امروز و نسل فردا و نسل فرداهای بعد است؛ مخاطب این سخن، همه‌ی ما هستیم؛ مسئولان مخاطبند؛ فعالان سیاسی، فعالان فرهنگی، فعالان اجتماعی، همه مخاطب این سخنند؛ جوانان، دانشگاهیان، حوزویان، پیشه‌وران، روستاییان، شهریان، همه مخاطب این سخنند؛ همه باید بدانند میتوان این راه را با شیوه‌ی انقلابی حرکت کرد و آن وقت، پیشرفت قطعی است؛ و میتوان به شیوه‌ی دیگری حرکت کرد و آن وقت سرنوشت سرنوشت رقت‌آوری خواهد بود. امام تعبیر رایجی داشتند، مکرر در مواردی می‌گفتند: «اسلام سیلی خواهد خورد». اگر راه را عوض کردیم، ملت ایران سیلی خواهد خورد، اسلام هم سیلی خواهد خورد.»<sup>۷۲</sup>**

«جهاد مداوم که نیاز یک کشور و یک امت و یک تاریخ است. ... نیاز همه است. همه‌ی پیشرفت‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، این‌ها می‌شود کفران نعمت الهی؛ «ألم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا و احووا قومهم دار البوار» این نباید بشود.»<sup>۷۳</sup>

«ما از اول انقلاب، هر کار بزرگی که توانسته‌ایم انجام بدهیم، به برکت اعتماد به نفس و بلندپروازی و کار جهادی بوده است. جوانان جهاد سازندگی آن روزی کارهای بزرگ را در این کشور شروع کردند که حتی آن کسانی که جلوی چشم‌شان این کارهای بزرگ انجام می‌گرفت، باور نمی‌کردند که جوان ایرانی قادر به این کارهاست. در دوران رژیم طاغوت، گندم را از امریکا می‌خریدند و سیلو را روس‌ها برایشان می‌ساختند؛ آنها سیلو را هم نمی‌توانستند بسازند؛ باید روس‌ها می‌آوردند؛ این صنعت در ایران نبود. در سال‌های اول انقلاب، این جوانان جهاد دانشگاهی آمدند و گفتند امام دستور داده‌اند مردم گندم بکارند؛ خوب، گندم سیلو لازم دارد؛ در خانه‌ی چه کسی برویم، جز در خانه‌ی همت و ابتکار خودمان؛ شروع کردند افرادی می‌دیدند که این سیلو بالا می‌رود - البته در روز اول، با ظرفیت کم - اما باور نمی‌کردند؛ و امروز کشور ما یکی از کشورهای مطرح از لحاظ سیلوسازی در دنیاست؛ به برکت همین جوان‌ها. کار جهادی، این است. در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه‌ی جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم. روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «ما می‌توانیم». و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها. الان در همین بخش انرژی هسته‌یی

۷۲. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴:

۷۳. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

که این همه دنیای استکبار را سراسیمه کرده، اکثر کسانی که در آن جا مشغول کار هستند، جوان‌های تحصیلکرده‌اند؛ صدها جوان کم‌سال و تحصیلکرده، این چرخ را می‌چرخانند و این عزت را برای کشور پدید آورده‌اند. در همه‌ی بخش‌ها همین‌طور است. به نیروهای بالاستعداد، چه از جوان‌ها باشند و چه از انسان‌های با تجربه، اعتماد کند. اعتماد به این افراد و توکل به خدای متعال و اخلاص نیت برای خدا، اساس کار است.»<sup>۷۴</sup>

مقام معظم رهبری به زیبایی ویژگی‌ها و شاخص‌های انقلابی بودن را چنین بیان نموده اند:

**«برای انقلابی بودن شاخصهایی وجود دارد. من پنج شاخص را در اینجا ذکر میکنم. البته بیش از اینها می‌شود خصوصیات را گفت لکن من فعلاً پنج شاخص برای انقلابیگری ذکر میکنم که ما باید سعی کنیم در خودمان این پنج شاخص را ایجاد کنیم و حفظ کنیم، هر جا هستیم؛ یکی در کار هنر است، یکی در کار صنعت است، یکی در کار فعالیت سیاسی است، یکی در کار فعالیت علمی است، یکی در کار فعالیت اقتصادی و بازرگانی است؛ فرقی نمی‌کند؛ این شاخصها در همه‌ی افراد ما ملت ایران میتواند وجود داشته باشد. پنج شاخص که اینها را شرح خواهم داد [عبارتند از]: **شاخص اول**، پایداری به مبانی و ارزشهای اساسی انقلاب؛ **شاخص دوم**، هدف‌گیری آرمانهای انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها که آرمانهای انقلاب و اهداف بلند انقلاب را در نظر بگیریم و همت برای رسیدن به آنها داشته باشیم؛ **شاخص سوم**، پایداری به استقلال همه‌جانبه‌ی کشور، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی - که مهم‌تر از همه است - و استقلال امنیتی؛ **شاخص چهارم**، حساسیت در برابر دشمن و کار دشمن و نقشه‌ی دشمن و عدم تبعیت از او، که البته باید دشمن را شناخت، نقشه‌ی او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد - عرض کردیم که قرآن این عدم تبعیت را «جهاد کبیر» نام نهاده است؛ من این چند وقت دو سه بار در این باره صحبت کردم - **شاخص پنجم**، تقوای دینی و سیاسی که این بسیار مهم است. این پنج شاخص اگر در کسی وجود داشته باشد، قطعاً انقلابی است؛ حالا درجات انقلابی بودن، همان‌طور که عرض کردیم، مختلف است.»<sup>۷۵</sup>**

## گام هشتم: گام‌های راهبردی برای حرکت بسوی تمدن

مساله اصلی در این قسمت تبیین نسبت مباحث مربوط به نظام فکری مقام معظم رهبری با بیانیه گام دوم است یعنی آنچه در نکته چهارم به عنوان پنج مرحله کلان تحقق اهداف اسلامی و رسیدن به تمدن نوین

۷۴. بیانات در دیدار کشاورزان، ۱۳۸۴/۱۰/۱۴

۷۵. بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)؛ ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

اسلامی آمد چه نسبتی با بیانیه گام دوم و بطور کلی گام های متعدد حرکت به سمت تمدن دارد که بطور اجمال باید گفت که سعی شد در دو محوری که برای نمودار هندسه بیانیه در ابتدای کتاب آوردیم این نسبت را مشخص نماییم و در یک کلمه می توان گفت تمرکز بیانیه گام دوم روی روند عملی تحقق اهداف است. اما مباحث نکته اول تا چهارم نقشه ای کلان از لایه های اهداف می باشد. به بیان دیگر تمرکز بیانیه گام دوم برت مجموعه راهبرد های عملیاتی حرکت برای تحقق هرچه بیشتر مراحل رسیدن به تمدن است که حضرت آقا در سخنرانی زیر به تفکیک لایه اهداف از لایه راهبردهای تحقق اهداف تاکید کرده اند:

« ما در سطوح مختلف تصمیم گیری و تصمیم سازی نظام، وظیفه داریم به مسائل گوناگون کشور با نگاه کلان و جامع نگاه کنیم. ... آنچه ما تصور می کنیم که وظیفه ما است، وظیفه مجموعه مسئولان کشور است، وظیفه دولت جمهوری اسلامی است، این است که این سه مؤلفه ی بزرگ را برای همه ی تصمیم گیری ها و همه ی اقدامها در نظر داشته باشند:

مؤلفه ی اول عبارت است از آرمانها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ که این اهداف و آرمانها مطلقاً نایستی از نظر دور بشود؛ که آرمان نظام جمهوری اسلامی را می شود در جمله ی کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد. تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.

مؤلفه ی دوم عبارت است از راههایی که ما را به این اهداف می رساند؛ راهبردهای عمومی و کلی؛ این راهبردها را بایستی شناخت، تکیه ی بر اسلامیت، ملاحظه ی ظالم نبودن و مظلوم نشدن در تعاملات گوناگون؛ اینکه فرمود: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً»، این یک وظیفه است، این یک راهبرد کلی است. راهبرد تکیه ی به آراء مردم و آنچه که مردم سالاری را تشکیل می دهد و راهبردهایی از این قبیل؛ اینها سیاستهای کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمانها؛ کار عمومی، تلاش عمومی، ابتکار عمومی، وحدت ملی، و از این قبیل چیزهایی که وجود دارد. [مؤلفه ی سوم] واقعیات، واقعیات را هم باید دید. ...»<sup>۷۶</sup>

اکنون به یک سوال مهم می توان اجمالاً پاسخ گفت و آن اینکه گام اول چه بود و گام های بعدی کدام است، در مورد گام اول همان طور که در متن بیانیه هم آمده مرحله تحقق اصل انقلاب اسلامی و تشکیل نهادها و قوانین

۷۶. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری در پایان اجلاس دور روزهی خبرگان، ۱۴/۰۶/۱۳۹۲

ساختاری و مدیریتی آن و رفع موانع تا تثبیت نهایی نظام جمهوری اسلامی بود که به تصریح مقام معظم رهبری اکنون در میانه مرحله سوم از مراحل پنج گانه هستیم یعنی دولت اسلامی انقلابی.

«باید این مطلب را عرض کنم که **اولین قدم** برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه)، به‌وسیله‌ی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.»<sup>۷۷</sup>

«ما در کدام مرحله‌ایم؟ ما در مرحله‌ی سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است.»<sup>۷۸</sup>

و اکنون نوبت که نوبت گام دوم رسیده تمرکز راهبردی توصیه‌های آقا بر حضور لشکری از جوانان مومن و کاردان در ساختار مدیریتی به عنوان مسئولان کلان جمهوری اسلامی است تا با حضور آنها مرحله سوم را به سلامت طی نماییم.

«یک لشکری از جوانهای مؤمن و انقلابی لازم است که وارد میدان بشوند، مطالبه کنند آرمانها را و خودشان کمک کنند به تحقق این آرمانها که البته اینکه حالا چه‌جوری کمک کنند، جای بحث دارد.»<sup>۷۹</sup>

که بیانیه گام دوم مکمل این سخنرانی است. در واقع بیانیه گام دوم حلقه‌ای از سلسله گام‌هایی است که در عصر اسلام و عصر امام خمینی در دوران معاصر به سوی زمینه‌سازی حضرت باید برداشت.

«همه‌ی چشم‌های تیزبین، از همان آغاز تشخیص دادند که با پیروزی این انقلاب عظیم، عصر جدیدی در مناسبات عالم پدید آمده است. این عصر را باید «عصر امام خمینی» نامید و ویژگی آن، عبارت است از بیداری و جرأت و اعتماد به نفس ملت‌ها در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و شکستن بت‌های قدرت ظالمانه و بالندگی نهال قدرت واقعی انسانها و سر برآوردن ارزشهای معنوی و الهی.»<sup>۸۰</sup>

---

۷۷. بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۷۰

۷۸. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۹ / ۱۲ / ۱۳۷۹

۷۹. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۳ / ۰۷ / ۱۳۹۷

۸۰. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۰ / ۰۳ / ۱۳۶۹:

اما در مورد گام های بعد بسیار جای سخن و گفتگوست که آن را به «درسنامه بیانیه» موکول می کنیم و در اینجا تنها به کلام نورانی حضرت امام در انتهای وصیت جاودانشان اشاره می نمایم.

« و شما ای مستضعفان جهان وای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان ترسید و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می کنند از کشور خود برانید و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پر افتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید. و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.»<sup>۸۱</sup>

## گام نهم: ویژگی های بیانیه گام دوم انقلاب

با تامل در بیانیه گام دوم چند ویژگی مهم جلب توجه می نماید که به چند مورد محدود فهرست وار اشاره می نمایم و تبیین مفصل تمام ویژگی ها را به نسخه «درسنامه بیانیه» موکول می نمایم:

### یک) چرا تمرکز بر مردم و جوانان است و نه نهادسازی؟

نکته اساسی در پاسخ به این پرسش آن است که سه سطح از وظایف کلان رهبر که عبارت اند از ریاست، مدیریت و تربیت باید به درستی از یکدیگر تمیز داده شود تا مشخص گردد که هدف این بیانیه منشور تربیت تمدن سازان آینده است و نه نهاد های ساختاری مدیریتی و یا دستورات ریاستی که هر کدام از این دو وظیفه در مواقع دیگر جلوه گر می شود مانند ابلاغ ساسیت های کلی نظام یا ...

### دو) چرا تمرکز بر جوانان انقلابی است؟

تبیین این مطلب در نکته ششم بطور مفصل آورده شد و خلاصه آنکه برای حرکت های عظیم تمدنی و اجتماعی همواره عده ای پیشتاز ساختن آینده اند که اگر آن عده درست تربیت شوند استمرار و بقای این حرکت تضمین خواهد شد.

### سه) چرا تمرکز بر ایران است نه جهان اسلام؟

۸۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۴۴۸ (وصیت نامه سیاسی-الهی امام)

اهداف انقلاب اسلامی در سه حیطه ایران، جهان اسلام و مستضعفین جهان متفاوت است، یعنی برای هر سه حیطه راهبردها و اهداف و برنامه‌های مشخص و ویژه ای دارد که مقام معظم رهبری در سخنان متعدد به اینها پرداخته‌اند اما بیانیه گام دوم بطور مشخص متمرکز بر یکی از این سه حیطه یعنی ایران شده است چراکه هسته اصلی تمدن در مراحل پنج‌گانه آن محوریت یافتن یک کشور به عنوان ام‌القرای تمدنی جهان اسلام است و تمام تلاش جمهوری اسلامی آن است که ایران اسلامی قلب تمدن نوین اسلامی گردد اما این بدان معنا نیست که از دو حیطه دیگر غفلت شود بلکه سخنرانی‌های بسیار مفصل و محوری از مقام معظم رهبری در مورد جهان اسلام و یا در مورد مستضعفین عالم وجود دارد که بطور مستقل باید بدان‌ها پرداخت تا به عنوان مکمل این بیانیه به طور جامع ترسیم نقشه راه کلان تمدن نوین اسلامی شود که البته جای پرداختن به آن در این مختصر نیست.

اما اشاره وار می‌توان چنین گفت که کلان طرح‌های انقلاب اسلامی برای جهان اسلام غالباً در سخنرانی‌هایی که مخاطب آن کل مسلمین عالم‌اند بیان شده است مانند پیام‌های حج یا سخنان مربوط به بیداری اسلامی خصوصاً خطبه‌های عربی نماز جمعه یا ... و کلان طرح‌های انقلاب اسلامی برای مستضعفین جهان غالباً در سخنرانی‌هایی که مخاطب آن کشورهای مستقل عالم و دیدار مسئولین آن‌ها است بیان شده است مانند جنبش عدم تعهد یا نامه به جوانان آمریکا یا ... اما آن سخنرانی‌هایی که مخاطب آن بطور ویژه مردم ایران اند تمرکز آنها نیز بر اهداف انقلاب در حیطه کشور ایران است مخصوصاً سخنان به مناسبت ۲۲ بهمن که این بیانیه نیز دقیقاً در همین تاریخ نگاشته شده است و مقام معظم رهبری در سال ۷۷ نیز یک پیام مشابه به مناسبت بیست سالگی انقلاب با تمرکز بر مخاطب ایرانی داشته‌اند.

در ادامه به برخی از این سخنان که سرچشمه‌های اندیشه ایشان در آنها گنجانده شده و قطعه‌های کلان نقشه راهبردی انقلاب اسلامی‌اند و باید به هرکدام به عنوان مکمل بیانیه گام دوم نگریست اشاره می‌شود:

سخنانی که تمرکز آنها روی جهان اسلام است.

*«امروز در کشورهای اسلامی علیه دیکتاتوری‌های وابسته قیام شده است؛ این مقدمه‌ای است برای قیام علیه دیکتاتوری جهانی و دیکتاتوری بین‌المللی، که عبارت است از دیکتاتوری شبکه‌ی فاسد و خبیث صهیونیستی و قدرت‌های استکباری. امروز استبداد بین‌المللی و دیکتاتوری بین‌المللی متجسم است در دیکتاتوری آمریکا و پیروان آمریکا و شبکه‌ی شیطانی و خطرناک صهیونیستی.»<sup>۸۲</sup>*

---

۸۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی»، ۱۰/۱۱/۱۳۹۰

« ما حق داریم و می‌توانیم تحقیر و تکبر دولت‌های سلطه‌گر را به خودشان برگردانیم؛ این احساس صادق ملت‌های ما و نسل کنونی دنیای اسلام از شرق آسیا تا قلب آفریقا است و این، میدان جهادی پیچیده و متنوع و دشوار و بلندمدت است، و اگر فلسطین را پرچم این جهاد بنامیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم، امروز همه‌ی دنیای اسلام باید قضیه‌ی فلسطین را قضیه‌ی خود بداند؛ این، **کلید رمزآلودی است که درهای فرج را به روی امت اسلامی می‌گشاید.**»<sup>۸۳</sup>

« حمایت از فلسطین، انتفاضه و مبارزه با صهیونیسم و حامیانش از **ارکان اصلی سیاست‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران است.**»<sup>۸۴</sup>

«دو قطبی سرمایه‌داری و کمونیسم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیسم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سوم وجود ندارد.»<sup>۸۵</sup>

«امروز به نظر ما **مصداق مجاهدت** که در مقابل ما مسلمانها، ما پیروان اهل بیت قرار دارد، عبارت است از مبارزه‌ی با نقشه‌های استکبار در منطقه‌ی اسلامی؛ امروز بزرگ‌ترین مجاهدت این است. با نقشه‌های استکبار باید مبارزه کرد. این نقشه‌ها را باید اول شناخت، ...

نقشه‌ی این دشمن در این منطقه عمدتاً بر دو پایه استوار است - البته شعب زیادی دارد لکن عمده این دوتا است - یکی عبارت است از ایجاد اختلاف، دومی عبارت است از نفوذ. این، اساس نقشه‌ی دشمن در این منطقه است:

۱. ایجاد اختلاف: اختلاف بین دولت‌ها و بعد اختلاف بین ملت‌ها، که **خطرناک‌تر از اختلاف دولت‌ها، اختلاف ملت‌ها است؛** یعنی دل‌های ملت‌ها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند و عصیت بیافرینند؛ با نام‌های مختلف؛ حالا یک وقت مسئله‌ی پان‌ایرانیسم و پان‌عربیسم و پان‌ترکیسم و این حرف‌ها بود، یک روز هم مسئله‌ی سنی و شیعه و تکفیر و مانند اینها است؛ به هر عنوانی که بتوانند، ایجاد اختلاف کنند. این یک قلم از کارهای اینها است که به شدت دارند روی این کار میکنند. البته متخصص این کار انگلیس‌ها بودند؛ آنها در ایجاد اختلاف مذهبی تخصص دارند و

۸۳. بیانات در سومین کنفرانس بین‌المللی قدس و حمایت از حقوق مردم فلسطین، ۱۳۸۵ / ۰۱ / ۲۵

۸۴. بیانات در مراسم گشایش کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین، ۱۳۸۰ / ۰۲ / ۰۴

۸۵. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰ / ۱۱ / ۱۴

آمریکایی‌ها هم از آنها یاد گرفتند و با همه‌ی وجود، امروز دارند کار میکنند. این گروه‌های تکفیری که مشاهده میکنید همه ساخته‌ی دست اینها هستند. ما این را البته از چند سال پیش گفتیم، بعضی‌ها تردید داشتند...

۲. نقشه‌ی دوّم دشمن نفوذ است: **می‌خواهند در کشورهای اسلامی و در کشورهای این منطقه، یک نفوذی به‌وجود بیاورند که تا ده‌ها سال ادامه داشته باشد.** امروز آمریکا آبروی گذشته را در این منطقه ندارد؛ میخواهند این را بازسازی کنند. در کشور ما هم قصدشان همین است؛ در ایران هم نیشان این است... ما از مقاومت در منطقه دفاع میکنیم؛ از مقاومت فلسطین - که یکی از برجسته‌ترین فصول تاریخ امت اسلامی، در طول این سالها مقاومت فلسطین است - دفاع میکنیم. هر کسی با اسرائیل مبارزه کند و رژیم صهیونیستی را **بگوید** و مقاومت را تأیید کند، ما از او حمایت میکنیم؛ انواع حمایتهایی که برای ما ممکن باشد؛ همه‌جور حمایتی که برای ما ممکن است، از هر کسی که با رژیم صهیونیستی مقابله کند، خواهیم کرد. از مقاومت حمایت میکنیم، از تمامیت ارضی کشورها حمایت میکنیم؛ از همه‌ی کسانی که در مقابله‌ی با سیاستهای تفرقه‌افکنانه‌ی آمریکا ایستادگی میکنند حمایت میکنیم؛ با همه‌ی کسانی که این تفرقه‌افکنی را به‌وجود می‌آورند طرفیم و مقابلیم. ما **تشییعی را که مرکز و پایگاه تبلیغاتش لندن است قبول نداریم؛ این تشییعی نیست که اتمه (علیهم‌السلام) آن را ترویج کردند و آن را خواستند.** تشییعی که بر پایه‌ی ایجاد اختلاف، بر پایه‌ی تمهید و صاف کردن جاده برای حضور دشمنهای اسلام است، این تشییع، تشییع نیست؛ این انحراف است. تشییع مظهر تام اسلام ناب است، مظهر قرآن است. ما از کسانی که کمک به وحدت میکنند حمایت میکنیم، با کسانی که ضدّ وحدت عمل میکنند مخالفت میکنیم، از همه‌ی مظلومان دفاع میکنیم»<sup>۸۶</sup>

البته سخنانی مانند سخنرانی بالا که تمرکز آنها بر شناخت دشمن و طرح‌های آن علیه تمدن اسلامی است نمونه‌های فراوانی دارد که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

«آن بلای بزرگ در جهان امروز، عبارت است از چیزی که بنده می‌توانم آن را به نام «**استبداد بین‌المللی**» و «**دیکتاتوری جهانی**» معرفی کنم. این اسم، برای آنچه که امروز بر ملتها می‌گذرد، اسم مناسبی است. **استبداد بین‌المللی، مرتبه‌ی اعلاّی استکبار بین‌المللی و جهانی است.** استکبار جهانی معنایش این است که دولتها و قدرتهایی در دنیا هستند که نسبت به ملت‌های دیگر، با برخورد استکباری مواجه می‌شوند؛ ثروت آنها را می‌برند، در حکومت‌های آنها به دخالت می‌پردازند، در سیاست‌های آنها اعمال نظر می‌کنند و آنها را به این سمت و آن سمت می‌کشانند. این، استکبار بین‌المللی است. همان چیزی که در قرن هجدهم و نوزدهم، با استعمار

۸۶. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴/۰۵/۲۶



**شروع شد و بعد در قرن بیستم به استعمار نوین مبدل گردید، و امروز، یا در دوران اوج قدرتهای استکباری، به شکل استکبار جهانی درآمد، که دنیا را بین دو قطب و دو قدرت تقسیم کرده بودند و هر کدام به نحوی ملتی را می‌دوشیدند و در پنجه‌ی خود می‌فشرده‌اند»<sup>۸۷</sup>**

بطور مشخص در مورد کلان طرح‌های استکبار در مورد ایران می‌توان از موارد زیر یاد کرد:

«**هدف‌هایی که آنها دنبال می‌کردند**، در درجه‌ی اول، سقوط انقلاب و سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول، **براندازی** بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را **استحاله** کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه‌ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عده‌ای در داخل، به خاطر حب به نفس، حب به مقام- از این قبیل امراض خطرناک نفسانی- اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوم. هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی می‌ماند، از عناصر ضعیف‌النفسی که می‌توان در آنها **نفوذ** کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفه‌های اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد- عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد- در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینهاست.»<sup>۸۸</sup>

«**دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب می‌کند. اول**، عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکپارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. **دوم**، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از یک ملت عقب‌افتاده‌ی توسری‌خور، به یک ملت پیشرو و شجاع و میدان‌دار در دنیا تبدیل کرد، بپردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهایی انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمی‌کرد و این ملت پیش نمی‌رفت. دشمن می‌خواهد این باورها را در ذهن ملت ما تخریب کند. **سوم**، تخریب روح امید

۸۷. بیانات در دیدار دانش‌آموزان، دانشجویان، معلمان و پرستاران، ۱۳/۰۸/۱۳۷۱:

۸۸. بیانات در خطبه نماز جمعه تهران، ۱۵/۱۱/۱۳۸۹:

**و تخریب آینده در ذهن مردم.** پس، سه تخریب، مورد نظر دشمن است: تخریب وحدت ملی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت‌بخش، و تخریب روح امید»<sup>۸۹</sup>

در نهایت در یک جمع بندی نهایی ایشان چنین فرموده‌اند:

« بنده به عنوان کسی که از اول این انقلاب تا امروز در مسائل گوناگون و در عرصه‌های مختلف این نظام، با جوانب و جریانهای گوناگون مواجه بوده‌ام؛ هم آدم‌ها را می‌شناسم، هم حرفها را می‌شناسم و هم با تبلیغات رسانهای دنیا آشنا هستم؛ به یک جمع‌بندی رسیده‌ام که به‌طور خلاصه این است: **یک طرح همه‌جانبه‌ی امریکایی برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی طراحی شد و جوانب آن از همه جهت سنجیده شد. این طرح، طرح بازسازی‌شده‌ای است از آنچه که در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد.** به نظر خودشان می‌خواهند همان طرح را در ایران اجرا کنند. ... این‌ها در چند مورد اشتباه کردند: اشتباه اولشان این است که آقای خاتمی، گورباچف نیست. اشتباه دومشان این است که اسلام، کمونیسم نیست. اشتباه سومشان این است که نظام مردمی جمهوری اسلامی، نظام دیکتاتوری پرولتاریا نیست. اشتباه چهارمشان این است که ایران یکپارچه، شوروی مشکل از سرزمینهای به هم سنجاق شده نیست. اشتباه پنجمشان این است که **نقش بی‌بدیل رهبری دینی و معنوی در ایران، شوخی نیست.** ... گورباچف وقتی در سال ۱۹۸۵ حدود سالهای ۶۴ و ۶۵ سر کار آمد، یک عنصر جوان در قبال دبیرکل‌های پیر قدیمی بود. روشن فکر و خوش‌برخورد بود؛ شعاری که او مطرح کرد، شعار پروستریکا در وجهی اول و گلاسنوست در درجه‌ی دوم بود. تعبیر فارسی پروستریکا، بازسازی و اصلاحات اقتصادی است؛ و گلاسنوست یعنی اصلاحات در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، آزادی بیان و امثال این‌ها. در یکی، دو سال اول، به وسیله‌ی رسانه‌ها، آواری از حرف و تحلیل و تفسیر و تشویق و جهت‌دهی و پیشنهاد بر سر گورباچف فروریخت و کار به جایی رسید که توسط مراکز امریکایی، گورباچف به عنوان مرد سال معرفی شد! این در همان دوران جنگ سرد هم بود؛ یعنی در دورانی که آمریکاییها شیخ هر موقفیتی را در شوروی با تیر می‌زدند! قبل از گورباچف، اگر واقعیتهای خوبی هم در شوروی وجود داشت، به شدت آن را انکار می‌کردند و علیه آن تهاجم تبلیغاتی راه می‌انداختند. اما ناگهان نسبت به گورباچف چنین وضعی را پیش گرفتند! این آغوش باز غرب، به‌عنوان یک مشوق بزرگ، گورباچف را فریب داد! من نمی‌توانم ادعا کنم که گورباچف کسی بود که غربی‌ها یا دستگاه‌های سیا او را سر کار آورده بودند آن‌چنان که بعضی کسان در دنیا ادعا می‌کردند من نشانه‌های این را واقعاً نمی‌بینم و البته خبری هم از پشت پرده ندارم؛ اما آنچه که مسلم است، آغوش باز، چهره‌ی باز، چهره‌ی خندان، تجلیل و تبجیل و

۸۹. بیانات خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۲۶ / ۰۹ / ۱۳۷۸:

تشویق و احترام غربی‌ها، گورباچف را فریب داد. او به غربی‌ها و آمریکایی‌ها اعتماد کرد؛ اما فریب خورد ... شعارهای گورباچف یکی، دو سال رو به اوج بود؛ اما بعداً ناگهان یک عنصر دیگر به نام یلتسین در کنار گورباچف پیدا شد. نقش یلتسین، نقش تعیین‌کننده است. نقش او این است که مرتب پا به زمین بکوبد و بگوید که این شعارها فایده‌ای ندارد؛ این شتاب کم است؛ دیر شد؛ اصلاحات عقب افتاد! اگر آدم عاقل مدبری به جای گورباچف بود، شاید در طول بیست سال می‌توانست آن اصلاحات را بی‌دغدغه انجام دهد همچنان که این کار در چین اتفاق افتاد اما همین مقدار خودداری و خویش‌داری را هم از دست گورباچف بیرون کشید. کار به جایی رسید که گورباچف معاون خود یلتسین را عزل کرد؛ اما رسانه‌های آمریکایی و غربی نه فقط عزلش نکردند، بلکه تقویتش کردند! ... حال بعد از گذشت هفتاد و سه سال، بناست اولین انتخابات در جمهوری روسیه نه همه‌ی شوروی انجام گیرد. کاندیدا کیست؟ آقای یلتسین! با رأی بالایی یلتسین یعنی همان عنصر تندرو رئیس‌جمهور شد. از اینجا داستان شیرینی است. از روزی که یلتسین در ژوئن ۱۹۹۱ یعنی ۱۳۷۰/۳/۲۴ رئیس‌جمهور شد، تا حدود چهارم یا پنجم دی‌ماه که رسماً شوروی منحل شد، حدود هفت ماه طول کشید. یعنی این چند سال صرف مقدمات شد. بخشی از مقدمات به دست گورباچف، برخی هم وقتی تاریخ مصرف گورباچف تمام شد، به دست یلتسین انجام شد و برنامه‌ی مورد نظر آمریکا و غرب، تا رسیدن یلتسین به قدرت شتاب گرفت. به مجرد اینکه یلتسین به قدرت رسید و رئیس‌جمهور روسیه و نفر دوم شوروی شد، ابتکار عمل به دست او افتاد. ... این روند از اواخر خردادماه شروع شده بود. به دنبال آن، کناره‌گیری گورباچف از دبیرکلی حزب مطرح شد؛ بعد پیشنهاد انحلال حزب کمونیست، سپس شکست کمونیزم اعلان شد همان چیزی که آمریکاییها بسیار از آن کیف می‌کردند و بعد هم بالاخره شایعه‌ی استعفای گورباچف منتشر شد. در همان زمان طی مصاحبه‌ای از گورباچف سؤال شد که شما استعفا خواهید کرد یا نه؟ گفت منتظرم وزیر امور خارجه‌ی آمریکا به مسکو بیاید تا ببینم چه می‌شود! وزیر امور خارجه‌ی آمریکا به مسکو آمد و قبل از آنکه با گورباچف تماس بگیرد، رفت با یلتسین تماس گرفت؛ آن هم در کاخ اصلی ملاقاتهای کرملین. معنای کارش این بود که گورباچف تمام شد! سه روز بعد هم گورباچف استعفا کرد و انحلال شوروی اعلام شد! این طرح موفق آمریکا در شوروی بود. یعنی یک ابرقدرت را با یک طرح کاملاً هوشمندانه، با صرف مقداری پول، با خریدن برخی اشخاص و با به کار گرفتن رسانه‌های تبلیغی، توانستند طی یک طراحی سه، چهارساله و یک نتیجه‌گیری شش، هفت‌ماهه به کلی منهدم کنند و از بین ببرند!<sup>۹۰</sup>

۹۰. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

## گام دهم: هفت عرصه جهاد در گام دوم

اکنون به راهبردی ترین قسمت بیانیه می‌رسیم که خود نیاز به مفصل‌ترین و دقیق‌ترین تحلیل‌ها دارد که ان شاء الله در درسنامه بیانیه به آن خواهیم پرداخت، چراکه باید با تتبعی دقیق و موشکافانه در سخنان مقام معظم رهبری و تاملی ژرف در سیره عملی ایشان تا حد مقدور به نکات عملیاتی و اجرایی برای حرکت و اقدام جهادی در این عرصه‌ها پردازیم که خود نیازمند تفصیل گسترده است اما در اینجا تنها به یک سخنرانی مهم اشاره می‌کنیم که تقریباً همین هفت عرصه که در بیانیه آمده است را مقام معظم رهبری با تبیین‌های مکملی بیان نموده‌اند و نکته مهم در این سخنرانی آن است که این هفت عرصه را جزء آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی بیان فرموده‌اند که خود بهترین تبیین در چرایی پرداخت بیانیه به این هفت عرصه است.

«... آرمان‌های بزرگ را ذکر می‌کنم؛ البته فقط اینها نیست:

یکی، **عزت ملی** است؛ این یکی از آرمانهای انقلاب است؛ این خیلی مهم است؛ عزت ملی یعنی احساس افتخار ملی که این احساس افتخار، ناشی از واقعیات باشد، ناشی از یک واقعیاتی در متن جامعه و بر روی زمین، و نه متکی بر توهمات و تصورات؛ و آلا گاهی اوقات احساس افتخار به حکومت کیان و هخامنشیان و مانند اینها هم بود؛ اینها تصورات واهی و توهم است، افتخار آفرین نیست. عزت ملی یعنی احساس افتخار، متکی به واقعیت؛ این خیلی مهم است. این عزت ملی از جمله‌ی چیزهایی است که اگر چنانچه در یک کشوری از بین رفت و نابود شد، هویت آن ملت نابود میشود؛ دیگر هیچ چیز گیر آن ملت نخواهد آمد.

**دوم، اعتماد به نفس ملی؛** که بنده روی این اعتماد به نفس ملی مفصلاً بحث کردم - در سالهای گذشته، در مجامع بزرگ - که این اعتماد به نفس ملی، راه وابستگی را مینماید. اگر این اعتماد به نفس وجود داشت، ملت احساس نمیکند که به وابستگی نیاز دارد، بلکه از وابستگی به دیگران میگریزد.

[سوم] **استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی؛** این یکی از آرمانها است [برای] یک ملت؛ که اگر چنانچه این وجود داشت - یعنی استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی که هر کدام یک فصل طولانی‌ای دارد - آن ملت مجبور نمیشود که زورگویی و تحمیل را از زورگویان و زیاده‌خواهان عالم تحمل کند. یکی از آرزوها استقلال است.

[چهارم] **آزادی؛ آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی عمل؛** آزادی از جمله‌ی مقولاتی است که حتماً به قانون، به چهارچوب احتیاج دارد. چون طبیعت آزادی این است که اگر قانون و چهارچوب وجود نداشته باشد، از حد تجاوز خواهد کرد، به تعدی و به ولنگاری و به جاهای بدی خواهد انجامید که امروز شما نمونه‌هایش را در غرب مشاهده میکنید. این آزادی اگر نباشد، رشد وجود ندارد. اگر در جامعه، آزادی فکر، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی عمل وجود نداشته باشد، رشد در جامعه متوقف خواهد شد. رشد جامعه - رشد معنوی جامعه - و پیشرفت جامعه، حتماً به این آزادی‌ها احتیاج دارد.

[پنجم] **استقرار عدالت، نفی تبعیض، نفی فاصله‌های طبقاتی؛** اینها جزو آرزوهای بزرگ است. اصلاً در قرآن، اقامه‌ی قسط را مسئله‌ی اصلی و هدف پیغمبران میدانند: *لَيَقُومَنَّ النَّاسُ بِالْقِسْطِ*. (۳) ما [هم] راه پیغمبران را میرویم دیگر، ما راه اسلام و راه پیغمبران را داریم میرویم. بنابراین قطعاً عدالت، یکی از برترین یا شاید بشود گفت برترین آرمان و ارزشی است که دنبالش بایستی باشیم. با لفاظی هم عدالت درست نمیشود. عدالت البته چیز سختی است؛ اجرای عدالت جزو سخت‌ترین کارها است.

[ششم] **پیشرفت مادی و تمدنی به برکت علم و فناوری؛** این هم یکی از آرمانها است. یعنی کشور از عقب‌ماندگی باید نجات پیدا کند.

[هفتم] یکی دیگر از آرمانها **رشد اخلاق‌های معاشرتی** [است]؛ معاشرت مردم، معاشرتهای اخلاقی باشد. رحم، انفاق، ایثار، کمک، تعاون و مانند اینها؛ رشد این خلقیاتی که مربوط به معاشرت انسانها با هم در جامعه است.

[هشتم] **آماده‌سازی فضا برای رشد معنویت و رهایی از بردگی شهوت و غضب در انسانهای مستعد؛** این هم یکی از آن برترین آرزوها است که غالباً به این توجه نیست. باید فضا جوری بشود که انسانهای مستعد بتوانند در آن فضا حرکت کنند، امثال حاج میرزا علی‌آقای قاضی‌ها و علامه‌ی طباطبائی‌ها و شخصیت‌های برجسته‌ی این جوری به وجود بیایند؛ انسانهای والا و برتر که از این فضای مادی توانسته‌اند تعالی پیدا کنند و فراتر بروند؛ یعنی فضا بایستی برای این آماده بشود. البته همه‌ی ما استعداد یک چنین چیزی را نداریم اما در میان ما کسانی هستند که استعداد این حرکت را دارند، بخصوص در دوره‌ی جوانی.

... بدیهی است که این آرمانها در کوتاه‌مدت تحقق پیدا نمیکند؛ اگر بخواهیم این آرمانها در جامعه تحقق پیدا کند، یک حرکت بلندمدت لازم دارد. یعنی چه؟ یعنی زنده بودن انقلاب. ببینید! اینکه مدام میگوییم انقلابی باشیم، انقلابی بمانیم، معنایش این است. اگر چنانچه انقلاب استمرار پیدا کرد، تحقق این آرمانها ممکن خواهد شد؛ اگر چنانچه این استمرار با آگاهی و هوئیشیاری و دقت‌نظر و مانند اینها باشد، تحقق این آرمانها قطعی خواهد شد.<sup>۹۱</sup>

به لطف الهی توفیق همراهمان شد تا قدمی کوچک در مسیر فهم کلام مقام معظم رهبری بر داشته تا ان‌شاء الله از عمل کنندگان به این مطالبات نورانی باشیم.<sup>۹۲</sup> و الحمد لله رب العالمین.

۹۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

۹۲. نظرات و انتقادات خود را از طریق حساب کابری @Danialad در شبکه اجتماعی ایتا و حساب کاربری @daniel.a در شبکه اجتماعی سروش با ما در میان بگذارد.